

## مقدمه

انسانها در طی تکامل تدریخی اجتماعی و سیاسی خود توانسته اند به توانایی تعریفی از حقوق انسانی دست یابند؛ تا منزلت و جایگاه انسانی هر انسان از دیدگاه این حقوق معنا و تدوین شود چرا که منازعات سیاسی و پیدایش جنگهای اول و دوم و قدرت نمایی دول اروپایی برسر تقسیم منابع جهانی و گسترش مستعمرات و نتایج تلخ آن در تبلور و نقش سیاسی و نظامی دولت فاشیست هیتلر خود را بر مردم جهان تحمیل کرده است که در ورای این ظهور ملیونها انسان را به اردوگاه مرگ و گرسنگی سپرده شوند.

که نتیجه و عواقب وحشتناک و بحران همه گیر این پدیده شوم فعالان و اندیشمندان را به چاره اندیشی و همسویی به نگرشی نوخوانده بود تا ثبات و امنیت را به مردم جهان پیام دهد.

این تحفه ارزشمند انسانی در حقوق مدون و جهانی در قالب اعلامیه جهانی حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در پاریس تصویب و به نوع بشر ارزانی میشود؛ تا با شناخت از حقوق خود با صلح و آرامش در کنار یکدیگر زندگی و امنیت و اسایش به دهکده جهانی نوید داده شود.

اعلامیه جهانی حقوق بشر حقوق ذاتی هر انسان است که در سی ماده تدوین گردیده است؛ که هر انسانی با بهره مندی از این حقوق به تعادل و سلامت روح و روان و شخصیت انسانی خود نائل میشود.

در این سی ماده به مواردی مهم و اساسی اشاره و هر انسان را در روابط حقوقی خود و بین المللی حمایت و دولتها را ملزم به رعایت این حقوق برای احیا جامعه ای دور از خشونت و تبعیض و برابری فرا میخواند.

لایحه جهانی حقوق بشر از اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و دو پروتکل انتخابی آن تشکیل

## حق آیندگان

شده است که در سال ۱۹۷۶ هنگامی که لایحه جهانی حقوق بشر توسط تعداد کافی از ملت‌ها مورد تأیید قرار گرفت، به حقوق بین‌الملل تبدیل شد.

مفاد این اعلامیه که از اعتبار حقوق بین‌الملل برخوردار است برای سنجش رفتار کشورها به کار می‌رود. آنچه در طی چهل سال از حاکمیت جمهوری اسلامی گذشته و میگذرد نقض حقوق بشر در ابعاد گسترده ان بشر ایرانی را از حقوق انسانی خود محروم و جای آن رابه تبعیض جنسیتی و محرومیت از ابراز عقیده و بیان و **نقض حق آیندگان کشور** و آسیبهای جدی به محیط زیست که به آوارگی و کوچیدن اجباری روستاییان به شهر منجر گردیده؛ سپرده شده است؛ که دامنه این آسیب های اجتماعی و محیطی و نابرابری عریان به ناهنجاری جامعه ایران منتهی که متعاقب آن اعتراضات مردمی را در پی داشته است.

البته در عرصه روشنگری؛ فعالان سیاسی و حقوق بشر و مدنی هیچ گاه از پای نایستادند و با روشنگری و آگاهی بخشی و پیگیری خود عرصه تاخت و تاز را بر متحجرین و کور اندیشی آنان بسته و جان خود را در این راه به سلول های تاریک زندان و یا مرگ سپردند که نمونه این انسانها در طول چهل سال حاکمیت جمهوری اسلامی یا به گورهای بی نام و نشان سپرده شدند و یا در گوشه خیابانی با طنابی در گردن حق حیات و زندگی و بیان از آنان گرفته شده است؛ چرا که نقض حقوق بشر ایرانی را افشا و آگاهی بخش این جریان بوده اند که باید از زنده یادان محمد مختاری و محمد جعفر پوینده نام برد که یاد و خاطره ایشان همیشه در ذهن بشر ایرانی باقی خواهد ماند. و یا از خانم نرگس محمدی که به جرم فعالیت حقوق بشری وبه عنوان فعال حقوق بشر در ایران و موسس انجمن لگام (لغو اعدام گام به گام) و مدافعان حقوق مدنی مانند خانم آتنا دائمی و یا بسیاری از مدافعان و زنداییان سیاسی و عقیده تی که هنوز هم در زندانهای جمهوری اسلامی در بند نگهداری میشوند و از کوچکترین حقوق انسانی خود بی بهره هستند.

البته با اذعان به اینکه نابرابری و تبعیض و خشنونت تا به امروز بشر؛عامل و مانع برزگی برای رسیدن به یک دهکده جهانی که حقوق بشر بر سر در آن نصب شده باشد بوده است بنابراین برای شکستن این تابوهای ضد حقوق بشری راه طولانی و سختی در پیش روی ما انسانها قرار

## حق آیندگان

دارد ولی و اما ما به عنوان یک انسان با آشنایی از حقوق خود و آگاهی در این زمینه از لحاظ سیاسی مدنی و فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی در ساختن جامعه ای عاری از خشونت و زور و تبعیض نقش خود را باید ایفا کنیم.

کتابی که تحت عنوان «حق آیندگان» اکنون پیش روی شماست، مجموعه ای از ۸ بخش جداگانه از اسناد و شواهد نقض حقوق کودک در کشورمان ایران است که بطور نمونه و تنها از خبرگزاری ها و رسانه های داخلی مورد تأیید جمهوری اسلامی انتخاب گردیده است.

**در بخش اول کتاب به خشونت و کودک آزاری اختصاص داده شده است.** به کودکان باید شادی را ببخشیم و سلامتی را ببخشیم و دوستشان بداریم و به آنان بیاموزیم تا با حق زندگی و حیات رشد کنند تا شاد باشند و شادی را بین خود تقسیم کنند این چرخه سالم؛ حیات یک جامعه را دگرگون و امید و سازندگی برای آینده یک جامعه را پی ریزی میکند.

باید اذعان داشت که حاصل تجربیات در فرایند فراز و نشیبهای اجتماعی از یک طرف و رشد در علوم و فنون از طرف دیگر به شعور بشر در جهت ارتقا بخشیدن به مقام و منزلت انسانی افزوده است و این منزلت در خانواده معنا و هویدا پیدا کرده است.

و از آنجایی که کودکان بازیگران اصلی در چرخه حیات یک جامعه هستند و میتوانند به آینده سازان مبتکر و خلاق و خود محور تبدیل شوند از این حیث توجه به خانواده به یکی از ارکان اصلی در ثبات تعاملات کشوری و بین المللی نگریده میشود تا در پرتو انسان هایی بامسئولیت و مدبر در قبال کار و محیط به پاسداری از کشور پاسخ گویند.

و اما در کشورمان ایران که با حاکمیت جمهوری اسلامی اداره میشود که نمونه ای است از کشورهای که با تابعیت و الگوبرداری از یک ایدئولوژی خاص مذهبی اداره میشوند انسانها از دیدگاه فقه و شرع مورد بررسی و قضاوت قرار میگیرند نه بر حسب حقوق انسانی؛ که در این میان کودکان اولین قربانیان این دیدگاه و قضاوت قرار میگیرند که در اصل چهار قانون اساسی در جمهوری اسلامی بیان میشود:

## حق آیندگان

اصل چهارم: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی به طور خاص به کودک پرداخته نمیشود و فقط تحت لوای حقوق زنان طبق اصل بیست و یک از حمایت مادران بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست نام برده میشود.

بنابراین اصول دوران کودکی از دیدگاه اصل چهارم که همه قوانین آن بر مبنای موازین اسلامی استوار است بانظرات شرع و فقه آمیخته و سنجیده میشود که با این دیدگاه دوران کودکی به دو دوره تقسیم میشود از ولادت تا هفت سالگی و از هفت سالگی تا ظهور بلوغ که با شروع بلوغ کودک دارای مسئولیت و تکلیف شرعی میشود که این سن در دختران از نه سالگی تا سیزده سالگی و پسران از سیزده تا پانزده سالگی است. و به این ترتیب با آغاز بلوغ کودکان به ایزاری تبدیل میشوند که با مقاصد مختلف مانند سواستفاده در کارگاهها و یا در بازار مافیای قاچاق کودکان به فروش و یا با ازدواج اجباری مورد استثمار جنسی و بهره برداری قرار میگیرند که رسانه های رسمی و داخلی جمهوری اسلامی از کودکانی خبر میدهد که به فروش میرسند تا تبدیل به مادران کودک شوند و با شکنجه و عذاب عروسک زندگی خود را به دینا بیاورند و یا به صیغه های ادواری سپرده شوند.

تبعات حاصل از کودک ازاری چندان در جامعه تنیده میشود که بعد از شش سال بلاتکلیفی بالاخره دولت مجبورا لایحه حمایت از کودکان آسیب دیده را در سه ماده دوازده و سیزده و چهارده در مجلس شورای اسلامی به تصویب میرساند که در واقع با این کار دولت نه برای رفع این معضل اجتماعی که دامن خانواده ها را میگیرد بلکه با جریمه نقدی و زندان میخواهد کودک ازاران را ارشاد و متنبه کند. البته کودک ازاری از زاویا و طرق مختلف در ایران رواج و روزانه اتفاق میافتاد.

## حق آیندگان

کودکانی که مورد ضرب و شتم خانواده قرار میگیرند که بیشتر این خانواده ها به مواد مخدر اعتیاد دارند و یا کودکانی که در مدارس با خشونت معلم و مدیر دچار نقض عضو میشوند وهم چنین کودکانی که به باندهای مافیا سپرده میشوند تا مورد سواستفاده جنسی و کالایی قرار گیرند و یا کودکانیکه با قرارهای سنتی و مذهبی و یا در اثر فقر خانواده به فروش و ازدواج اجباری مجبور میشوند. که نمونه هایی از خروار این خبرها که کودک ازاری را در معرض دید همگان قرار میدهد البته با سانسور متداول و حاکم در نشر خبر در رسانه های ایران.

حبیب‌الله مسعودی فرید معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی گفته بود که در سال گذشته ۶۰۰ هزار تماس با اورژانس اجتماعی صورت گرفته است، ۸٫۵ درصد این تماس ها به علت کودک آزاری و هفت / پنج درصد به علت همسرآزاری بوده است. خبر ماه می دوهزار و شانزده. ضرب و شتم هشت دانش‌آموز اصفهانی توسط مشاور مدرسه / دانش‌آموزان بستری شدند / معلم فقط احضار شد. و تنبیه دانش‌آموزان با خط کش فلزی در نوشهر.

و خبر گزاری هرانا خبری رادر تاریخ هزار و سیصد و نو و شش / هشت / هجده منتشر کرده است تجاوز میان زباله اسید و سوزن صنعتی، تن فروشی در ده سالگی و محمد کاظمی نایب رییس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس با اشاره به وضعیت نابسامان مسائل اخلاقی در جامعه میگوید: "متأسفانه نابسامانیهای اجتماعی در سالهای اخیر افزایش یافته و شاهد موارد متعدد کودک آزاری بوده و علاوه بر آن، برخی بحرانهای اجتماعی دیگر همچون بحران کودکان کار و تکدیگری کودکان در شهرها، سوءاستفادهها و تجاوزهای جنسی علیه کودکان نیز رشد چشمگیری داشته و آمار این جرائم در سالهای گذشته و حتی همین یکی، دو سال اخیر با افزایش قابل توجهی روبرو بوده است.

متأسفانه آمار صحیحی از تعداد کودکان کار و آسیبهایی که آنها را تهدید میکند وجود ندارد؛ طبق اعلام مراجع دولتی حدود سه میلیون کودک کار در کل کشور فعالیت دارند در حالیکه پژوهشها و تحقیقات سازمانهای مردم نهاد از وجود بیش از هفت میلیون کودک کار در کشور حکایت دارد؛ ضمن اینکه طبق اعلام مراجع دولتی، این آمار در تهران حدود بیست هزار نفر است. این بحران واسیب کودکان با توجه به رعایت اصول و مواردین شرع اتفاق میافتد چرا که

## حق آیندگان

هویت کودکان بر مبنای این اصول نهاده شده است و دست مافیا و کودک ازاری را بازگذاشته است. کودکان را باید به حقوق کودک در خانواده و در محیط آموزشی آشنا کرد کودکان تا هجده سال تمام بنا بر تعریف ماده یک کنوانسیون حقوق کودک نامیده میشوند نه سیزده و پانزده سال .

ماده ۱- تعریف مطابق این پیمان نامه، یک کودک، انسانی است که سن هجده سالگی را هنوز تمام نکرده است مگر اینکه سن بلوغ از نظر حقوق جاری در کشورهای مربوطه زودتر تعیین شده باشد.

### **بخش دوم این کتاب پیرامون ارائه گزارشاتی مبنی بر کودکان کار در ایران است.**

روزانه کودکانی در خیابان مشاهده میشودو خبرنگاران عکسهای آنان را در رسانه های خود به چاپ میرسانند که دست در گردن یکدیگر به کار میروند تا نان خانه را بر دوش بگیرند تا گرسنگی خانه بر طرف شود و هر چند گاهی هم کار را به عادت بچگی رها و در بازی کودکانه غرق میشوند ولی نان و گرسنگی حاکم در خانه صدایی است که در گوش این کودکان طنین انداز است ومجبورا با نگاهی تلخ به کاربر میگردند و از جهتی باید خیلی خوشبخت باشند که توسط باندهای خیابانی شکار نشوند و ازادانه بهر بیگاری نفس کودکانه را به ابر گرد و خاک و زباله بسپارند.

کودکان کار در سرزمین نفت و گاز شعر دزد وقاضی رادر ذهن انسان تداعی میکنند که اگر ثروت ملی به صورت عادلانه در جهت رفاه و اسایش و حقوق شهروندی مردم به کار اید دیگر کودکان با این امار میلیونی مجبور به کار در خیابان و کارگاه های بی نام و نشان نخواهند شد که مورد آزار و اذیت و سو استفاده جنسی بیماران جنسی قرار بگیرند و با دستان کوچک عرق این ظلم و بی عدالتی را از چهره بچکانند.

بی تفاوتی و عدم توجه به کودکان و دفع هرگونه قانون حمایت و نفع کودکان از دروازه شورای نگهبان که انتخاب قاضیان این شورا با نظر رهبرانجام میشودمیگذرد که وظیفه این شورا نظارت بر قانون اساسی کشوراست تا لاجرم هر قانون تصویب شده در مجلس را با قانون اساسی و قوانین شرعی اسلام مطابقت بدهد بنابراین میبینیم که با تغییرماده یک کنوانسیون حقوق

## حق آیندگان

کودک و مطابقت این ماده با قوانین شرعی مجوز ورود کودکان به چرخه کار و زندگی در خیابان صادر میشود.

چرا که حداقل سن برای کار در جمهوری اسلامی طبق ماده ۷۹ قانون کار ۱۵ سال است و در سایه این تنزول و با رواج و تبلیغ فساد دولتی که فقر و نابرابری و فاصله طبقاتی را تولید کرده است این سن روزانه به کمترین میزان خود میرسد و میانگین سنی کودکان زباله‌گرد رابه ۱۲ سال رسانده است که در میان آنان حتی کودکان ۴ ساله هم حضوردایمی پیدا میکنند

به گزارش خبرآنلاین و به نقل از پایگاه اطلاع رسانی انجمن علمی اقتصاد شهری ایران؛ دکتر سید محسن طباطبایی مزدآبادی دبیر انجمن علمی اقتصاد شهری ایران با بیان اینکه بر اساس کنوانسیون حقوق کودک، هر فرد شاغل زیر ۱۸ سال دارای کار سخت، کودک کار محسوب می شود، میگوید: آمار کودکان کار ایران را بین ۳ تا ۷ میلیون عنوان است و این رقم برای تهران نیز ۲۰ هزار نفر تخمین زده می شود اما به دلیل اینکه اغلب کودکان کار هیچ گونه ثبت هویتی ندارند آمار دقیقی در این زمینه مشاهده نشده است.

اما همین خبر که در سال ۱۳۹۵ منتشر شده نمونه بارزی است از وجود ناهنجاری اجتماعی که میتواند به آسیب های جدی که کودکان را تهدید میکند بیانجامد.

البته باید اذعان داشت هنگامی که به امار کودکان کار با شرایط حاکم در سرکوب روزنامه نگاران بنا بر گزارش گزارشگران بدون مرز بهمن ۲۵، ۱۳۹۶ که عنوان کرده است ۳۹ سال حکومت جمهوری اسلامی در ایران سال های سرکوب رسانه ها ، روزنامه نگاران و خبرنگاران بوده است و تهران را متهم میکند که در این مدت دامنه سرکوب را حتی از مرزهای ایران نیز فراتر برده است بنابراین وجود کودکان کار با ارقام و امار بالا در لابه لای بی تدبیری دولتهای حاکم که مسند دولتی را با پوشش فساد رنگین کرده و میکنند به راحتی فراموش میشود چراکه نه بازرسی قدرت اجرایی دارد و نه نظارت بعد قانونی.

کودکان کار در گاراژها کودکان زباله گرد کودکان کار در کارگاه های زیر زمینی و کودکان چوپان و کودکان روده پاکن و قالی باف و کارگران کودک خانگی و دوره گرد و متکدی از گونه های مختلف کودکان کار به شمار میروند و از طرفی کارگاه های کوچک مانند پرس کاری و

## حق آیندگان

شیشه گری برای درآمدزایی بیشتر کودکان را به کار میگیرند و برای آنکه قوانین حمایتی کودکان از جمله بیمه گلوی آنان را نگیرد که براساس قانون کار، کارگاه‌هایی که کمتر از ۱۰ کارگر دارند، کارگاه به شمار نرفته و نظارتی هم بر آنها نمی‌شود کودکان را با تعداد کمتری به کار میگیرند تا مقررات و شرایط یک کارگاه شامل حال آنان نشود و در این کارگاه‌ها کودکان بیشترین آسیب‌های روانی و جنسی را متحمل میشوند که اغلب از سوی کارفرماها و عوامل زیر دست آنها در حق این کودکان انجام میگیرد و از طرف دیگر فقدان استاندارد های لازم در محیط کار که مرگ را برای این کودکان و نوجوانان به همراه می‌آورد. که نمونه‌ای از این حادثه تلخ در سال ۲۰۰۶ در رباط کریم رخ میدهد که ۱۵ نوجوان به دلیل کار در یک کارگاه کفاشی غیرقانونی در مجاورت یک نوع چسب و به دلیل گاز متصاعد شده از آن فلج میشوند و این موضوع در نهایت به حاشیه رانده شده و غبار فراموشی میگیرد.

در صورتی که در ماده ۸۳ قانون کار ارجاع هر نوع کار اضافی و انجام کار در شب و نیز ارجاع کارهای سخت و زیان‌آور و خطرناک و حمل بار با دست، بیش از حد مجاز وبدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگر نوجوان ممنوع است.

ماده ۸۴ - در مشاغل و کارهایی که به علت ماهیت آن یا شرایطی که کار در آن انجام می‌شود برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و نوجوان زیان‌آور است، حداقل سن کار هجده سال تمام خواهد بود. تشخیص این امر با وزارت کار و امور اجتماعی است. با گسترش روزانه کودکان کار و خیابان که چهره شهر را به بازار خرید و فروش این کودکان تبدیل کرده است فرصت را برای شهرداریها باز میگذارد تا گوی رقابت را از سایرین مشتریان این کودکان برآید.

از بین این کودکان ۴۱ درصد مطلقا بیسواد هستند ۵۲ درصد داخل مراکز تفکیک زباله زندگی می‌کنند و سطح بهداشت آنها به شدت پایین است و ۴۰ درصد این کودکان تنها منبع درآمد خانواده خود هستند و کل خانواده را حمایت می‌کنند. و موضوعی که مطرح است کارفرمای کودکان زباله گرد است و دو مسیر اصلی برای کار این کودکان وجود دارد، نخست پیمانکار شهرداری است که مستقیما این کودکان را استخدام می‌کند و برایشان کارت صادر می‌کنند و



## حق آیندگان

مسیر دوم افرادی هستند از خود ماموران شهرداری که این کودکان را استثمار می‌کنند و پولی از آنها می‌گیرند تا بتوانند در منطقه کار کنند و اضافه می‌کند

حداکثر زمان زباله گردی حدود ۲۰ ساعت و میانگین آن ۱۰،۵ ساعت است. ۶۲ درصد این کودکان هرگز از دستکش استفاده نمی‌کنند و ایدز، هیپاتیت، کزاز، حصبه، سالک پوستی، انگل‌های روده‌ای، اسهال خونی، فلج اطفال، زانو درد و کمردرد از جمله بیماری‌هایی است که کودکان زباله گرد را هدف قرار می‌دهد. با وجود همه مشکلات، هیچ نهاد ناظر و مسئولی وجود ندارد و معمولاً NGO ها اجازه پیدا نمی‌کنند به این کودکان سر بزنند و مواردی داشتیم که چند نفر از همکاران ما مورد ضرب و شتم ماموران شهرداری قرار گرفتند. و خبر کودکان کار در گزارشها به گفته الله کریمی تمام گزارشهایی که در کرج وجود دارد اقدام به استفاده از بچه‌ها در جمع‌آوری زباله می‌کنند زیر نظر شهرداری است اما شهرداری آن را منکر می‌شود این خبر افشای چند در صد از حقیقت زندگی این کودکان است؟

در تعریف میان "کودک کار"، "کودک خیابان" و "کودک کار و خیابان" تفاوت وجود دارد، کودک کار به کودک اطلاق می‌شود که برخلاف قانون در سن کم به کار در کارگاه مجبور می‌شود ولی کودک خیابان کودک است که در خیابان زندگی میکند و خانواده ای ندارد و به تکدی‌گری و بزه‌کاری روی آورده و یا جذب باندهای تبه‌کار می‌شود.

کودک کار خیابانی کودک نامیده می‌شود که خانواده دارد و شب به منزل نزد خانواده می‌رود اما برای گذران معاش زندگی به کارهای کاذب در خیابان می‌پردازد تا درآمدی برای خانواده داشته باشد.

براساس آمارهای منتشر شده از سوی مسئولان سازمان بهزیستی کشور، بدون در نظر گرفتن کودکان خارجی کارگر، حدود ۲۵ هزار کودک کار خیابانی ایرانی تنها در شهر تهران وجود دارند که ۷۰ درصد آنان مهاجران مناطق محروم هستند و ۶۰ درصد این کودکان هم مربوط به شهرستان‌های همجوار تهران مانند شهر ری یا اسلامشهر می‌شوند.

حسین زارع صفت مدیرعامل سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران چندی پیش در گفت و گو با خبرگزاری ایسنا گفته بود که برآورد شهرداری تهران این است

## حق آیندگان

که بیش از ۸ هزار کودک کار خیابانی در سال تنها در سطح شهر تهران، به ویژه مناطق محروم دیده می شوند که شهرداری از سوی مراکز شناسایی و ساماندهی موقت کودکان کار خیابانی در پایانه های سطح شهر، مراکز خدمات اجتماعی مناطق و واحدهای گشت جمع آوری کودکان خیابانی، به شناسایی آنها می پردازد.

قراین و شواهد موجود از امار کودکان کار خیابان و زباله گرد و اجبار دولت های حاکم در شستن این پدیده نامیمون با طرق مختلف که خواب مسئولین اجرایی را در حکومت اسلامی پریشان کرده است و میکند برای رفع این نابسامانی اجتماعی؛ طرح ساماندهی کودکان کار و جمع آوری آنها از سطح خیابان طراحی میشود که در واقع زمینه کوچ این کودکان را به کارگاه های زمینی فراهم می آورد

چراکه خانواده کودکان کار امکان حمایت از کودکان خود را نداشته و ندارند و با برخورد های قانونی در سطح شهر و جمع آوری آنها از اماکن شهری مسلماً اولین پناهگاه این کودکان کارگاه های زیر زمینی خواهد بود چرا که زندگی رقت بار این کودکان در سطح شهر توجه رهگذران را به خود جلب کرده و در هنگام ضرب و شتم و سو استفاده توسط بزهکاران دیگر وباند های مافیایی این کودکان مسلماً وجدان بیدار انسانیت در خیابان به داد آنان رسیده و امکان فرار و گریز را مهیا و یا با تخفیف درد و دریافت پولی توان خود را برای در دسرهای روز دیگر به کار میگیرند و اما در زیر زمین ها که مرداب زندگی برای کودکان تشکیل میشود دیگر حتی از دست خدا هم کاری ساخته نیست و این کودکان مورد سختترین و وحشیانه ترین شکنجه روحی و جسمی قرار گرفته که دیگر نه مسئولی زیر سوال میرود و نه نهاد دولتی.

و اما دکتر مجید ابهری در کارگاه آموزشی نقش سازمان های مردم نهاد در پیشگیری از آسیب های اجتماعی که با محوریت کودکان کار و خیابانی تشکیل شد، اظهار میکند: والدین کودکان خیابانی به چند دسته تقسیم می شوند، اغلب این کودکان بدون والد یا تک والد یا به همراه نامادری یا ناپدیری زندگی می کنند، برخی از آنها نیز با وجود اینکه خانواده دارند، اما بد سرپرست هستند و یا والدین معتاد، گدا یا از کار افتاده دارند.

## حق آیندگان

یکسری از کودکان خیابانی دارای مشاغل پوششی هستند و در اصطلاح زیر پوشش برخی مشاغل مانند گل‌فروشی، شیشه پاکنی و غیره، تکدی می‌کنند؛ آنها عضو مافیای تکدی محسوب می‌شوند و روزانه درآمدی بین ۵۰ تا ۴۰۰ هزار تومان دارند.

یکسری از کودکان خیابانی دارای مشاغل پوششی هستند و در اصطلاح زیر پوشش برخی مشاغل مانند گل‌فروشی، شیشه پاکنی و غیره، تکدی می‌کنند؛ آنها عضو مافیای تکدی محسوب می‌شوند و روزانه درآمدی بین ۵۰ تا ۴۰۰ هزار تومان دارند.

وی با بیان اینکه در حال حاضر آموزش و پرورش برای هر ۱۵ دانش‌آموز یک ساعت مشاوره دارد، اظهار می‌کند: با وجود فضای مجازی، تهدیدات منفی همه فرزندان ما را در بر می‌گیرد، همه در خطر هستند، سونامی اعتیاد و انحرافات جنسی همه مردم را مورد هجوم قرار می‌دهد، بازپروری و مرمت کودکان خیابانی منجر به تحقق امنیت اجتماعی برای همگان می‌شود.

فرید معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور با یادآوری اینکه در سال گذشته ۵ باند در این خصوص شناسایی شده، می‌گوید: طبق قانون مسئولیت کودکان کار و خیابان با بهزیستی و شهرداری است و اگر لازم باشد، نیروی انتظامی باید ورود پیدا کن دو با اشاره به جمع‌آوری ۹ هزار و ۲۸۰ نفر از کودکان خیابانی عنوان می‌کند آیین نامه ساماندهی کودکان خیابانی تکلیف ما را روشن می‌کند و وظیفه این کار در استان‌ها با کار گروه استان‌ها و در تهران با فرمانداری است.

و اما اظهار نظر محمد حق‌شناس؛ رییس کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای شهر در واکنش به ادامه اجرای طرح جمع‌آوری کودکان کار توسط شهرداری و فرمانداری که بیان می‌دارد: مسؤولان وزارت رفاه طی تماس‌های متعددی که با اعضای شورا داشتند، تأکید کردند که جمع‌آوری باید توسط بهزیستی انجام شود. از طرف دیگر به نظر می‌رسد که فرمانداری همچنان برای جمع‌آوری این کودکان مصر و پیگیر است. به نظر می‌رسد؛ بین وزرات رفاه و فرمانداری اختلاف نظر وجود دارد. این موضوع در نشست‌هایی که ما از این دو دعوت کرده بودیم نیز کاملاً قابل مشاهده بود. در حال حاضر پیگیر هستیم که موضوع به صورت رودررو حل و فصل شود.

## حق آیندگان

مطهره ناظری، وکیل دادگستری و رییس هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان میگوید؛ آنچنان که گزارشها نشان می دهد، طی ۳۵ سال گذشته نزدیک به ۳۰ بار این طرح اجرا شده است در حالی که هیچ گزارشی از اثربخشی آن منتشر نشده است.

آنچه از جنگ بین مسئولین دولتی در وزارت رفاه و بهزیستی و شهرداریها پیدا است سود و سکوت بهترین نتیجه را داده است؛ شهرداریها که با پیشرفت در اصول برده داری مدرن از این کودکان برده بهترین سود رانصیب خود و دلالتان این پروژه سود اور میکنند واز خون این کودکان به زندگی ونوایی میرسند وبه گفته خانم آروین عضو شورای اسلامی شهر بهزیستی هم توان نگهداری کودکان کار را ندارد و شرایط اسفناکی در بسیاری از مراکز بهزیستی وجود دارد و کار بیهوده‌ای است که از سوی این سازمان در حال انجام است.

مدیر عامل سازمان خدمات اجتماعی شهرداری تهران رضا قدیمی هم اب پاکی را روی دست همه ریخته و میگوید بهزیستی امکان و توان نگهداری کودکان خیابان و بی سرپرست را ندارد، وشهداری هم در زمینه کودکان کار و خیابانی وظیفه قانونی ندارد و فقط برای رفع این مشکل اقدام میکند که در واقع با تنش در سازمانهای دولتی و بخش رفاه اجتماعی و بهزیستی و شهداری زمان برده داری به عقب کشیده میشود و شهداری و واسطه گران این معامله را با رکود بازار متوجه ضرر میکند . همانطور که در آغاز و شروع این بررسی اشاره کردم داستان این کودکان ماجرای دزد و قاضی است و قاضی از توبره مردم میبرد و گرسنگی و شکنجه و ستم و زور را کودکان کاراین نابرابری بی عدالتی محض را عریان میکند.

برای کودکان بزهکارکه اغلب ان را کودکان کار و خیابان تشکیل میدهد در قانون مجازات اسلامی بر حسب نوع ارتکاب جرم مجازاتی را در نظر گرفته است. که در قانون جدید مجازات اسلامی بر حسب جرایم انها را مشخص میکند که در بخش اعدام کودکان به ان خواهیم پرداخت. و اماکنوانسیون حقوق کودک در ماده ۳۲ ( ممنوعیت استثمار) اشاره میکند

۱- حکومت ها این حق را به رسمیت می شناسند که کودک استثمار اقتصادی نگردیده و به کاری که برای سلامتی جسم یا جان و یا تربیت و تکامل او زیان بخش است، گمارده نشود.

## حق آیندگان

۲-حکومت ها برای تضمین و اجرای این حق، امکانات مختلف قانونی، اجتماعی، اداری و آموزشی را بکار می برند. حکومت ها برای این منظور و در هماهنگی با پیمان ها و توافق نامه های بین المللی دیگر، ضمن تعیین سن آغاز اشتغال و تنظیم مدت و شرایط کار کودک، مجازات مختلف همراه محاصره اقتصادی دولت خاطی را بررسی می نمایند. اگر لایحه مجازات بزهکاران و مسببین ازار جنسی کودکان بعد از مدت طولانی در کمیسیون حقوقی مجلس شورای اسلامی تصویب میشود و مرتکبین را با جزای نقدی و زندان مجازات میکند ولی کنوانسیون حقوق کودک را هم جمهوری اسلامی امضا کرده است باید پرسید برای رفاه و اسایش و درمان روحی کودکان کار و خیابان ایا طرحی قابل اجرا در دست وجود دارد یا نه ؟ به گفته قدیمی، هزینه نگهداری هر کودک برای شهرداری ماهیانه بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان است و در اماکنی مثل بهزیستی هم کودکان از نگاه تبعیض آمیز قومی و نژادی، تحقیر و توهین، کار اجباری و محرومیت از تفریح با همسالان روبرو میشوند. راستی جایگاه این کودکان اسیب دیده کجاست ؟

### در بخش سوم کتاب در خصوص گزارشاتی که به کودکان بی هویت می پردازد.

بی هویتی کودکان داشتن نامی که هر کودک را در محیط خانواده و اجتماع خود به رسمیت بشناسد حق کودک است و که با این نام شناخته شده و از هم نوعان خود تمیز داده میشود و این حق را بر طبق ماده هفت کنوانسیون حقوق کودک نمی توان از کودکی گرفت. اما کودکانی هستند که بدون نام و نشان در کشورمان زندگی میکنند که حقی به نام حق نام از آنان گرفته شده است.

هر چند نام ها در تابعیت بخشیدن به افراد میسر نیستند ولی هر انسانی لاجرم در خاکی به دینا میاید که کودکی را در آن سپری میکند و با فرهنگ و اداب و رسوم آن خاک وان دیار پرورش مییابد که این مناسبت یک روابط عرفی و فرهنگی و وابستگی را بین او و مردم و دولتش برقرار مینماید که به تابعیت او منتهی میگردد و در ایران تابعیت به طور عمده بر سیستم خون متکی است.

## حق آیندگان

تابعیت رابطه مشخص سیاسی و وابستگی بین یک فرد و مردم و دولت متبوع اوست که ارق ملی و کشوری را در گردن نهادن به حقوق شهروندی برای او واجب میکند و این روابط در مقیاس بین المللی به هویت سیاسی او منجر میشود.

بالرزیابی این پدیده در کشورمان هویت و تابعیت تابع دو جریان متفاوت است که این دو جریان به بی هویتی کودکان با معیار و امار بالا کشیده شده است ابوالفضل ابوترابی عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور از وجود یک میلیون کودک بی هویت خبر میدهد و میگوید که با تعیین تکلیف طرح اصلاح قانون تابعیت ۷۰ درصد مشکلات هویتی فرزندان ناشی از ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی رفع می شود.

ولی سوال این است این طرح اصلاح قانون تابعیت در چه زمانی قابل رسیدگی خواهد بود در حالیکه به عمر کودکان بیهویت اضافه شده و آنان از حق تحصیل و پرورش باز میدارد.

تابعیت در جمهوری اسلامی ایران که در اصل چهل و یکم قانون اساسی به آن اشاره شده است عنوان میکند تابعیت کلیه ساکنین ایران محرز میشود و این حق مسلم هر انسان ایرانی است بنابراین هر فرد ایرانی با تعلق داشتن به خاک ایران میتواند حق تابعیت کشور ایران را دارا باشد. و اما از طرف دیگر ایرانیان با پیوستن به نسب خونی پدر ایرانی تابعیت کشور ایران را شامل میشوند که در ماده ۹۷۶ قانون مدنی به آن پرداخته شده است؛ بنابراین تابعیت فرد ایرانی از طریق خون پدر به او منتقل میشود نه از مادر ایرانی؛ و این قانون غیر انسانی نقض حقوق بسیاری از کودکانی که از مادر ایرانی هستند و پدران غیر ایرانی دارند را به وجود میآورد و آنان را از داشتن هویت و تابعیت ایرانی محروم میکند در صورتی که در اصل چهل و یکم قانون اساسی صحبت از ساکنین خاک ایران است که شامل زنان ایرانی هم میشود.

حسن نوری سخنگوی کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس با اشاره به آخرین وضعیت لایحه «اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» در دولت، تلاش مجلس برای ساماندهی حدود یک میلیون و یکصد هزار کودک فاقد شناسنامه را عنوان کرده و میگوید اشاره به برخی مشکلات تصویب این لایحه، گفت که بحران هویتی و مشکلات رفاهی از جمله معضلات پیش روی افراد است.

## حق آیندگان

باید پرسید برخی مشکلات بر سر این راه کدام هستند؟ و در طی این چهل سال چرا لاینحل باقی مانده است؟ مگر کودکانی که از مادران ایرانی به دینا می‌آیند از خون و خاک ایران نیستند و چرا باید این کودکان با مهر بی‌هویتی داغ شوند و به جای تحصیل و پرورش در سایه‌ها زندگیشان به سیاهی کشیده شود و آیا کسی جوابی برای این سیه‌روزی کودکان دارد؟ مسلماً خیر چرا که در جمهوری اسلامی مرز بین زن و مرد را اصول و موازین اسلامی تعیین میکند و زنان به عنوان جنس دوم نه یک انسان مورد نظر قرار می‌گیرند و از این حیث در سرنوشت تابعیت فرزندان خود هیچ تاثیری ندارند و این کودکان با بی‌هویتی به رودخانه کودکان کار و زباله‌گردان ریخته می‌شوند تا این نهر گنداب که با قوانین ضد بشری اب یاری میشود این کودکان را بشوید و ببرد به آن مقصدی که مافیای کودکان را پول دارتر و مرگ و سو استفاده جنسی را بر روزگار این کودکان حاکم کند. و اما یکی دیگر از مسئولین جمهوری اسلامی آقای شکور پورحسین در خصوص اصلاح قانون مدنی در دولت برای اختصاص شناسنامه برای افراد بدون هویت، هم می‌گوید: اختصاص شناسنامه به افراد بدون هویت نیازمند اصلاح قانون مدنی نیست، باید قوانین جدیدی در این خصوص تصویب شود. قانون مدنی دچار مشکل نبوده و تنها باید مجلس شورای اسلامی قانون موردنظر برای این موضوع تصویب کند.

قوانین به دست انسان پی‌ریزی میشود تا اسایش و رفاه اجتماعی و صلح را در یک جامعه جایگزین کند و اگر قوانینی خود مروج تبعیض جنسی و بی‌عدالتی باشند که حق آینده‌سازان یک کشور را میتواند با تباهی روبرو سازد نباید این قوانین در هیات نظارت بر قانون اساسی مورد بررسی قرار گیرد تا در مقیاس و هجوم آسیب‌های اجتماعی از این منظر تاثیر داشته باشند؟

قانون اساسی جمهوری اسلامی توسط نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی به تصویب رسیده که دارای یک مقدمه، ۱۲ فصل و ۱۷۵ اصل بود. آیت‌الله شهید بهشتی، آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله مشکینی، آیت‌الله منتظری، آیت‌الله موسوی اردبیلی، آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، آیت‌الله صافی‌گلپایگانی و آیت‌الله محمد یزدی از مهم‌ترین نمایندگان این مجلس بودند.

## حق آیندگان

بنابراین برای تجدید نظر در تصویب این قوانین دادگاهی عادلانه باید تشکیل شود تا موارد غیرانسانی آن از پیش روی بشر ایرانی بر داشته شود هر چند جمهوری اسلامی به کنوانسیون حقوق کودک پیوسته است که در ماده هفت کنوانسیون حقوق کودک که از حقوق کودک برای داشتن نام و هویت و تابعیت آن دفاع میکند ولی گویا این کنوانسیون برای رفع بلا در موارد فشار سیاسی در کمیسیون امور قضایی و حقوقی به تصویب رسیده و باقی امر را متولیان نظام در چارچوب موازین اسلامی و آنچه خود مصلحت بدانند در حق کودکان به اجرا میگذارند.

در ماده ۹۷۶ به کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجی دارد و از مادران ایرانی متولد میشوند تاکید دارد باید بعد از هجده سال تمام یک سال در ایران اقامت داشته باشند تا تابعیت ایران به آنان تعلق گیرد و الا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است و بنا بر این مقررات کودکانی که در ایران از پدران غیر ایرانی به دنیا میآیند دچار بیهویتی و مشکلات عدیده ای میشوند این در حالیست که مسئولان کمیسیون مستقل حقوق بشر در غرب افغانستان تایید کرده بودند که با شماری از افغان هایی که مرکز کشور ایران رد مرز می شوند نقض حقوق بشری صورت میگیرد که به این خبر استناد شده است

از میان ۲۵۰۰ تن اطفالی که از طریق بنادر اسلام قلعه هرات و تنگه ابریشم نیمروز (مناطق سرحد با ایران) از مرز رد شده بودند نزدیک به ۳۰۰ تن از آنها نقض حقوق بشر صورت گرفته بود که اکثریت به طوری از مرز رد شده اند که خانواده شان در ایران باقی مانده و خودشان در این طرف مرز در بی سرنوشتی به سر میبرند.

ماده یک اعلامیه جهانی حقوق بشر:

ماده ۱: همه آزاد و برابر بدنیا آمده اند

تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند . همه دارای عقل و وجدان می باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.



و ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر: عدم تبعیض

هر کس می تواند بدون هیچ گونه تمایز، خصوصا از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره مند گردد. به علاوه هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری و قضایی یا بین المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد. گواه این کشور مستقل، تحت قیومیت یا غیر خود مختار بوده یا حاکمیت آن به شکل محدودی شده باشد.

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد مصوبه ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶ قطعنامه قدرت اجرائی بنابر ماده ۴۹، ۲۳ مارس ۱۹۷۶

۱- حق حیات و ممنوعیت سلب خودسرانه و بدون مجوز زندگی فرد

۴- حق آزادی و امنیت افراد

۷- عدم حق تعرض به حیثیت و شرف انسان

**بخش چهارم کتاب در خصوص گزارشاتی است که به نقض حقوق کودکان اعتیاد در ایران می پردازد.** مدیرکل دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر حمیدرضا صرامی اعلام کرده است که سالانه ۷۵۰۰ نوزاد معتاد در ایران متولد می شوند. به این ترتیب، نیم درصد از زنانی که هر سال باردار می شوند، نوزاد معتاد به دنیا می آورند. بنابر اعلام مسئولان شورای شهر و وزارت بهداشت روزانه ۲۰ تا ۲۰۰ نوزاد معتاد در ایران متولد می شود. این خبرها از سقوط منزلت انسانی و جایگزینی هرج و مرج و اشفتهگی در روند اجتماعی خبر میدهد و هشدار است به اینکه چگونه باید این نابسامانی و بیماری مهلک که دمار از بشر ایرانی را میگیرد با تدبیر و اصول درستی گرفت و تا زمان و فرصت از دست نرفته در فکر آن بود.

اعتیاد در کودکان به عوامل متعددی بستگی تام دارد از جمله فقر و بیکاری و محرومیت از تحصیل و بی هویتی در کودکان که از مادران ایرانی و پدران غیر ایرانی در ایران به دینا می آیند و نبودن نظارت در کنترل و رواج مواد مخدر. معاون رفاهی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

## حق آیندگان

سید عبدالله عمادی در دوشنبه ۵ تیر ۱۳۹۱ گفته بود: بالغ بر ۱۰ میلیون نفر در کشور درگیر معضلات مواد مخدر هستند. و خبری در ۱۷ مهر ۱۳۹۶ جانشین پلیس مبارزه با مواد مخدر ناجا اعلام میکند: ۱۴ میلیون ایرانی با معضلات مواد مخدر دست و پنجه نرم می‌کنند.

این افزایش در طول شش سال اتفاق افتاده است و تا به کجا گسترش خواهد یافت بسیار جای تعمق است البته بیکاری در سطح کارگری و فارغ التحصیلان و زنان کشور که هر روز هم گسترش مییابد و نداشتن پاسخی برای این امر مهم جوانان و احاد مردم را به سمت مواد مخدر سوق میدهد تا ناامیدی موجود در زندگی را به لحظات فراموشی دود و دم مواد بسپارند.

که البته امار نوجوانان و دانش آموزان معتاد نگران کننده است و بیش از ۶۰ درصد از افرادی که مواد مخدر مصرف می‌کنند، در دوران دانش آموزی به این درد مبتلا میشوند که نظارت و جایگزین دلپذیری برای آن وجود ندارد و آخرین باری که آمار دانش آموزان معتاد اعلام شد سال ۱۳۸۷ بود که محمد رضا جهانی، قائم مقام دبیر کل وقت ستاد مبارزه با مواد مخدر از وجود ۳۰ هزار دانش آموز معتاد در کشور خبر داد.

فقدان امکانات ورزشی مناسب برای نوجوانان در مدارس و سو تغذیه ایجاد دیوار جنسی بین دختران و پسران در نوجوانی و فقری که خانواده هارا مرکز جدل های اقتصادی و نارسایی امور زندگی میکند مسلما نوجوانان را از خانه گریزان و به سوی انحرافات اخلاقی سوق داده که در این میان مواد مخدر اولین جایگاه امن و راحتی برای فکر یک نوجوان به حساب میاید و از طرف دیگر دانش آموزانی که خود به دام باندهای مافیایی اسیر میشوند و بعد از کشیده شدن به مواد مخدر عاملی هستند برای اعتیاد دیگر دانش آموزان و بدین طریق دانش آموزان دیگر را مشتری ثابت خود میسازند تا پول مواد را خود را فراهم کنند و هم برای صاحبان مواد مشتری جمع کنند که این روند بسیار خطرناک مدارس و کودکان دانش آموز را مورد حمله قرار میدهد.

از سوی دیگر به گواه طرح شیوع شناسی مصرف مواد مخدر که در سال ۱۳۹۰ انجام شد میزان مصرف مواد در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال معادل ۱۳,۵۶ درصد، گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال معادل ۱۶,۸۳ درصد، ۲۵ تا ۲۹ سال معادل ۱۴,۳۲ درصد است و باقی مانده این رقم به

## حق آیندگان

گروه های سنی ۳۰ تا ۶۴ سال اختصاص دارد. یکی از این کارشناسان، سعید صفاتیان، مدیر عامل موسسه دانش اعتیاد و روانشناسی است میگوید نبود دانش آموزان معتاد در مدارس دروغی بزرگ است و درباره آمار کلی معتادان در کشور نیز توضیح می دهد: دولت یازدهم به مردم قول داده است گزارشی از وضعیت اجتماعی کشور ارائه کند و من معتقدم آمار واقعی معتادان در کشور از جمله آمارهایی است که باید هرچه سریعتر اعلام شود چون اگر این چنین اتفاقی نیفتد، عملکرد دولت جدید هم با مشکل مواجه می شود و به علت نادرست بودن آمار پایه، گزارش از عملکردش در سال های آینده اشکال خواهد داشت.

البته در کودکان کار و خیابان مواد مخدر منبع درآمد به حساب میاید که اکثر این کودکان به خانواده های معتاد تعلق دارند که یا پدر معتاد است یا هردو آنان معتاد هستند زندگی میکنند . بنابراین این کودکان مولد نابرابری و بی عدالتی در جامعه هستند که از بدو تولد از حق زندگی به نوعی محرومند و محرومیت از شادی و سلامت روحی و روانی ؛از آنان کودکان عاصی و خشن رامیپرورواند که آماده هرگونه جرم و بزهکاری هستند وگردش مواد مخدر اغلب توسط این کودکان رایج است

مدیر سابق کانون اصلاح و تربیت می گوید : آمار میانگین ۵ ساله ای که من داشتم، ۲۴ درصد از کودکان معارض قانون فرار از منزل داشتند. ۱۲ درصد از مدرسه اخراج شده بودند؛ نه این که به زور اخراج شده باشند، بلکه به کودک می گفتند «تو به درد درسی نمی خوری»، پدر بچه را می خواستند و می گفتند بهتر است این بچه مدرسه نیاید. ۵۹ درصد بچه ها ترک تحصیل داشتند. ۳۷ درصد بچه ها مورد سوءرفتار واقع شده بودند که دختران بیشتر از پسران قربانی این موضوع بودند. ۴۴ درصد از بچه ها علائم آشکار و فیزیکی خشونت را روی بدن خود داشتند که بعضی از آنها خودزنی بود.

انچه اعتیاد در یک جامعه را به امری رایج تبدیل میکند رواج زور گویی و نابرابری و بی عدالتی در هر بعد ان است که در جمهوری اسلامی با تزریق اجباری معارف دینی در مدارس ونبود آزادی بیان و اندیشه و دخالت در زندگی شخصی دانش آموزان و پرورش بردگی به جای ازادگی

## حق آیندگان

دانش آموزان را از درس و مدرسه گریزان کرده و به انحرافات اخلاقی میکشاند که مواد مخدرساده ترین و اسانترین مرحم درد و عصیان جوانی است.

وزیر کشور عنوان میکند: گردش مالی مواد مخدر در کشور سالی سه میلیارد دلار معادل ده هزار میلیارد تومان است که اساس اقتصاد کشور را به لرزه در آورده است.

ماده ۳۳ کنوانسیون حقوق کودک (حمایت در برابر مواد مخدر) درس مسئولیت به دولت مردان و نحوه منع گسترش اعتیاد را میاموزد ولی کو گوش شنوا؟

حکومت ها تمامی اقدامات مناسب همراه استفاده از امکانات قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی را بعمل می آورند تا کودک را بر علیه موادی که مطابق اسناد بین المللی بعنوان مواد اعتیادآور و مخدر شناخته شده اند، حمایت نمایند و از بکارگیری غیرمجاز کودکان در تولید و یا توزیع این مواد جلوگیری می کنند

و بابک دین پرست»، معاون کاهش تقاضا و توسعه مشارکت های مردمی ستاد مبارزه با مواد مخدر در گفت و گو با روزنامه ایران یادآوری می کند. برنامه سند جامعه پیشگیری عملی از اعتیاد که از سال نود روی میز مذاکره آمد و قرار بود تا سال نود و چهار عرضه و تقاضای مواد مخدر را کاهش دهد به اجرا در نیامد؛ سندی که برای اجرای آن سالانه به صد و پنج میلیارد تومان نیاز بود اما آن طور که او می گوید: «بودجه مورد نظر عملیاتی نشد.

مقایسه میان درآمد مواد مخدر در ایران که برای منع گسترش آن دولت با مشکلات روبرو است چگونه میشود انکار کرد که این مقدار از حجم درآمد از مواد مخدر در التقاط مراوادات اقتصادی بی تاثیر باشد.

ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک، اهداف تربیتی حکومت های عضو پیمان تایید می کنند که تربیت باید:

الف) شخصیت، استعداد و توانایی های روانی و جسمی کودک را تقویت و شکوفا نماید.

ب) احساس احترام و توجه به حقوق بشر و آزادی های پایه ای مصوب سازمان ملل متحد را، در کودک پرورش دهد.

## حق آیندگان

ج) نسبت به والدین، هویت فرهنگی و زبان و ارزش های ملی سرزمین پدري ایجاد علاقه و توجه نموده و احترام به فرهنگ دیگر سرزمین ها را تقویت کند.

د) کودک را برای زندگی در یک جامعه آزاد بر پایه تفاهم، صلح، تحمل دگراندیشان و دیگرباشان، تساوی حقوق زن و مرد و دوستی خلق ها و گروههای قومی یا ملی\_ مذهبی، آماده کند.

ه) علاقه و توجه به کودک را نسبت به محیط زیست و طبیعت بیشتر کند.

2 این ماده و ماده ۲۸ اجازه ندارند چنان تفسیر شوند که موجب اخلال یا خدشه در آزادی شخص حقیقی و یا شخص حقوقی دیگری شوند. در تاسیس مدارس آموزشی هم با توجه به رعایت بند ۱، باید حداقل استانداردهای تعیین شده حکومتی موجود باشند.

**بخش پنجم کتاب حاضر در خصوص گزارشاتی پیرامون نقض حقوق کودکان آسیب دیده از زلزله در ایران است .**

زلزله یکی از پدیده های طبیعی است که واکنش زمین را نسبت به وضعیت درونیش بیان میکند و به ما ساکنین این کره این هشدار را میدهد که در فکر ایمن سازی مناطقی باشیم که روی گسل های آن لانه کرده ایم با توجه به سخنان پدر علم زلزله شناسی در ایران دکتر عکاشه که میگوید: منطقه زاگرس، یکی از مناطق زلزله خیز ایران است که سابقه زلزله های تاریخی آن موجود بوده و اکنون اخباری که از زلزله در کرمانشاه، همدان، آذربایجان غربی، سلیمانیه عراق و حتی قم و تهران به گوش می رسد، به خاطر همین موضوع است.

متأسفانه آمادگی کشورهای منطقه در برابر حوادثی چون زلزله، به هیچ عنوان بالا نیست و این کشورها، از مناطق امن جهان در برابر زلزله به حساب نمی آیند. حتی در ایران نیز با وجود ستادهای بحران که به صورت «اسمی» فعالیت می کنند، برای چنین حوادثی به هیچ عنوان آماده نیستیم.

در زلزله کرمانشاه پزشکی قانونی مرگ ۴۳۰ را اعلام میکند البته هیچ گاه درست به امارمرگ کودکان اشاره نمیشود و آنچه باقی میماند خاکی است که انسان های محکوم به مرگ ناخواسته را

## حق آیندگان

میپوشاند و دردی که که هیچ گاه از دل بازماندگان آنان نمیروود و کودکانی که پدر و یا مادر و یا هردو را ازدست داده و با بهت و خیره گی به این اوارگی تسلیم میشوند و از طرف دیگر بیخانمانی اهالی منطقه و انتقال آنها به زیر چادرها کودکان را متاثر میکند. بار مشکلات روحی و فقدان وسایل بهداشتی سیار و همچنین دکتر و دارو مردم این مناطق را در تهدید انواع بیماریها قرار میدهد و با رسیدن سرما کودکان شادی و بازی کودکانه را به نفسهای تبارو داغ سپرده و در نگاه پریشان والدین خود مرگ را در اغوش میکشند.

"محمد" نوزاد ۴ ماه دومین قربانی سرمازدگی بعد از "سارینا" دو ساله در منطقه زلزله زده در روستای کوئیک صیفوری است که به دلیل سرما و عفونت ریه جان خود را از دست داد.

این دوکودک قربانی سرما شده اند یا قربانی بی کفایتی مسئولین؟ از غرش زمین این کودکان برای والدین خود باقی مانده بودند تا غم روزگار را به لبخند خود پاک کنند ولی عفونت و بیماری و کمبود وسایل گرمایی و زندگی چادر نشینی و بی توجه ای مسئولین یکی را پس از دیگری را از خانواده هایشان کنده و زخم همیشگی را برجای گذاشته است.

کنوانسیون حقوق کودک در ماده شش از ( حق زندگی) میگوید.

بند یک - که هر کودکی حق زندگی داره و این حق مادرزادی او هست که از طرف همه حکومتهای عضو پیمان هم به رسمیت شناخته میشود.

بند دو- ادامه حیات و رشد کودک از طرف حکومتهای امضاکننده این پیمان نامه بطور کامل تضمین میشود

ادامه حیات و رشد این کودکان چرا متوقف میشود؟ آنچه از قراین و شواهد در دوران هشت سال ریاست جمهوری احمدی نژاد بر میاید این دولت

۷۰۰ میلیارد دلار از فروش نفت را در خزانه خود انباشته بود نتیجه عدالت در جمهوری اسلامی در تقسیم ثروت ملی برای رفاه اجتماعی را امروز کودکان در خانه های ساخته شده بی بن و پی به نام مهر که آمار کشتههای مسکن مهر سرپل ذهاب هنوز هم نامعلوم است، ولی گفته

## حق آیندگان

می‌شود در این زلزله نزدیک به ۶۰۰ واحد از مسکن مهر آسیب جدی دیده‌اند و نزدیک به دوهزار و ۵۰۰ نفر آواره شده‌اند.

در کمال بی‌مهری جان داده و بار دیگر در بی‌پناهی زندگی چادری جان می‌دهند؛ در حالی که دولت احمدی‌نژاد در دوران ریاستش حساب ذخیره ارزی را که تحویل می‌گیرد منابع قابل‌توجهی موجودی در آن حساب بوده ولی با گرفتن پول از مردم خانه‌های در باد نشسته را تحویل مردم می‌دهد تا در اولین غرش زمین خاک را بر سر آنان فرو بریزد این کفایت دولت هشت ساله آقای احمدی‌نژاد است که هیچ بازرسی و نظارت دولتی آن را به زیر سوال نکشیده و نخواهد کشید در صورتی که قیمت یک کانکس به ۵ هزار دلار هم نمی‌رسد ولی چادر اهدایی سازمانهای خیریه در دینا مجانی است و جان راهم مردم میکنند و کودکان خود را به خاک میکنند این اوارگی بی‌پناهی شامل مردم و کودکانی میشود که سرمایه ملی آن میلیارد ها دلار است.

اصل سوم در قانون اساسی در بند ۱۲ - پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه. این اصل و این بند با میلیارد ها دلار در دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد چند در صد توانسته در فقر زدایی و آسیب شناسی اعتیاد کودکان و محرومیت کودکان از تحصیل و سو تغذیه و بیماریهای کودکان و بیمه تحصیلی و راهکار برای کودک‌آزاری و منع آن و و در زندگی کودکان کارخیابانی که کارسخت و طاقت فرسا حق کودکی و حق زندگی را از آنان می‌گیرد تاثیر داشته باشد. این ثروت عظیم را خاک سرزمینمان به ما بخشیده ولی نابرابری و بی‌عدالتی و ناآگاهی از شناخت. حق و حقوق انسانیمان دولت‌های نالایق را بر ما حاکم میکنند تا آنها در حق ما تصمیم بگیرند و با پایمال کردن حق زندگیمان ما را ناتوان و درمانده و خود با توانایی در بسط فساد مالی روزانه از یک دیگر پیشی بگیرند. آگاهی از حقوق انسانی خود وظیفه تک تک ما ایرانیان است که در سایه این آگاهی کسانی صرف با تسخیر ابزار دولتی و حاکم کردن جو پلیسی نتوانند بر ما حاکم شده و با تسخیر ثروت ملی ما را از حق زندگی و حیات محروم کنند.

حق آیندگان

بخش ششم کتاب اختصاص به گزارشاتی است که به نقض حقوق کودکان اعدام در ایران اشاره دارد.

اعدام کودکان و نوجوانان در جمهوری اسلامی بر مبنای موازین اسلامی جاری میشود و از انجاییکه بلوغ جنسی کودکان با بلوغ فکری آنان هم تراز میشود بنابراین سن مجازات کیفری را شرایط جسمی و جنسی کودکان تعیین میکنند نه رشد عقلی آنان.

با دوران بلوغ جنسی تکلیف کیفری در پسران با سن ۱۵ سال و دختران با سن نه سال تعیین میشود که اگر پسری در سن ۱۵ سالگی و یا ختری در سن نه سالگی مرتکب جرمی که مستوجب اعدام است بشوند به عنوان بزرگسال محسوب شده و باید در حق آنان قصاص انجام گیرد.

قصاص یا به نوعی ( خونبها ) که اگر خانواده قاتل به کسب رضایت خانواده مقتول برنیاید (با پرداخت غرامت خون ) مقتول به اعدام یا قصاص محکوم خواهد شد که با این شرایط حاکم نوعی از خشنونت در جامعه دامن زده میشود. با تجدید نظر در قوانین مجازات اسلامی

فصل دهم - مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان

ماده ۸۸- درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می کند:

الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با أخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان

تبصره- هرگاه دادگاه مصلحت بداند می تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز أخذ نماید:

۱. معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان



## حق آیندگان

۲. فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی

۳. اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک

۴. جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه

۵. جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل های معین

ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند (الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آنها با رعایت مقررات ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی

تبصره- تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.

پ- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه

ت- اخطار و تذکر و یا أخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم

ث- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج

تبصره ۱ -تصمیمات مذکور در بندهای (ت) و (ث) فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجراء است. اعمال مقررات بند (ث) در مورد اطفال و نوجوانانی که جرائم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده اند، الزامی است.

تبصره ۲ - هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و یا (ث) محکوم می شود و در غیراین صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آنها اتخاذ می گردد.

## حق آیندگان

تبصره ۳- در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای (الف) و (ب) این ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان می تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند در تصمیم خود تجدیدنظر نماید.

در نظام های که اصول فقه بر سایر حقوق انسانی پیشی میگیرد اعدام به عنوان ابزار سرکوب و تنبیه و مجازات فرد خاطی به شمار میرود و ایران رادر کنار کشورهای عربستان سعودی، پاکستان و سودان قرار میدهد که همچنان به اعدام کودکان ادامه می دهند.

در ادبیات حقوق اسلامی جرایم تعزیری به جرایمی که مجازات آنها کمتر از حدود اسلامی باشند اطلاق می شود. تشخیص حکم و موضوع در این جرایم با قانونگذار یا حاکم است .

البته کوشش های بسیاری برای لغو اعدام نوجوانانی که در خرید و فروش مواد مخدر در حد مجازات اعدام بوده اند شده که در واقع با انتصاب به ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک این ممکن مهیا گردیده است و احکام شریعت در مقابل این حقوق انسانی اجبارا وادار به عقب نشینی شده است

ماده ۳۷- ممنوعیت شکنجه، تضمین قانونی در اجرای مجازات

حکومت ها تضمین می کنند که:

الف) هیچ کودکی مورد شکنجه قرار نگیرد و رفتار غیر انسانی و توهین آمیز با او نشود. اجرای مجازات اعدام و حبس های طولانی مدت برای کودکان تا قبل از پایان سن هجده سالگی ممنوع است.

ب) توقیف و حبس های غیرقانونی و بر پایه ی تصمیم های شخصی، ممنوع است. حکم زندانی شدن برای کودکان مطابق قانونی و بعنوان آخرین امکان و آنهاهم برای مدتی بسیار کوتاه، صادر می شود.

ج) با هر کودکی که در حبس بسر می برد باید رفتاری انسانی و بدون تحقیر و توهین و متناسب با سن او داشت. این کودکان را باید در زندان از بزرگسالان جدا نمود مگر اینکه این

## حق آیندگان

عمل به نفع کودک نباشد. هر کودکی حق دارد با خانواده خود بصورت ملاقات و یا نامه ارتباط داشته باشد، مگر در شرایط فوق العاده استثنایی.

د) هر کودک زندانی حق استفاده از وکیل را برای دفاع از خود دارد و باید در دادگاه قانونی و ناوابسته که جانبدار دولت، حزب، فرقه یا آیینی نباشد، محاکمه شود. کودک حق دارد به دیگر مراجع صلاحیت دار قانونی در مورد حکم خود شکایت کند و به کار او سریع رسیدگی شود.

با تمام تقابل بین قوانین جاری در جمهوری اسلامی حکومت های دینی نمیتوانند پای در جایی بگذارند که اساس اصول فقه را به چالش میکشد و کودکان را به خاطر جرمی ناخواسته و اجباری با فقر حاکم در جامعه به اعدام میکشد ایستادگی کنند چرا که دران صورت باید به تغییر قوانین موجود گردن بگذارند و ایا این امکان در جمهوری اسلامی که پرونده سیاهی را در رابطه با اعدام کودکان و بزرگسالان دارد وجود خواهد داشت ؟

خانم عاصمه جهانگیر، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر ایران، روز چهارشنبه ۲۵ اکتبر (۳ آبان) با ارائه گزارشی به نقض حقوق بشر در ایران اعتراض کرد. او در گزارشی درباره شش ماه نخست سال ۲۰۱۷ میلادی که آن را در جلسه کمیته سوم در نشست همگانی سازمان ملل متحد ارائه کرد در مورد اعدام، شکنجه، نقض آزادی بیان و وضعیت حقوق زنان در ایران ابراز نگرانی کرد. جهانگیر همچنین از اوضاع اقلیت های قومی و عقیدتی، محاکمه و آزار کنشگران حقوق بشر و اعدام نوجوانان در ایران عمیقاً ابراز نگرانی کرده است. او با بیان این که در سال گذشته در ایران ۴۳۵ نفر اعدام شدند خواستار پایان دادن به اعدام ها در ایران شد.

عفو بین الملل در بیانیه ای با عنوان «ایران: آخرین جلاد کودکان» اعلام کرد که از سال ۱۹۹۰ میلادی تا کنون ۲۴ کودک در ایران اعدام شده اند که ۱۱ نفر از آنان در هنگام اعدام زیر ۱۸ سال بوده اند. یکی از وکلایی که در دفاع از حقوق کودکان محکوم به اعدام فعال است می گوید: زمانی که من برای اخذ وکالت دو نوجوان به نامهای رضا و محمد به زندان عادل آباد شیراز رفتم از یک موضوع بسیار ناراحت شدم و آن اینکه حدود دو ساعت به طول انجامید که

## حق آیندگان

توانستم با موکلانم ملاقات کنم آنها هر بار که از طرف مسولین زندان صدایشان می‌زنند ترس و وا همه عجیبی وجودشان را در بر می‌گیرد و هر آن گمان می‌کنند که می‌خواهند اعدام شوند.

از انجائیکه اعدام در جمهوری اسلامی منع نشده است. جرائمی که در قانون برای اعدام پیش‌بینی شده شامل قتل، تجاوز، آزار جنسی کودکان، لواط، قاچاق مواد مخدر، سرقت مسلحانه، آدم‌ربایی و محاربه می‌باشند.

بنا بر گزارش احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران، از اول ژوئیه ۲۰۱۳ تا آخر ژوئن ۲۰۱۴ (۱۰ تیر ۱۳۹۲ تا ۹ تیر ۱۳۹۳)، تعداد اعدام شدگان در ایران به رقم کم سابقه ۸۵۲ نفر رسیده است. آقای شهید، در ششمین گزارش خود از وضعیت حقوق بشر در ایران، که برای بررسی در نشست اکتبر مجمع عمومی سازمان ملل متحد تهیه شده، تصریح کرده که در شش‌ماهه اول سال ۲۰۱۴ (۱۱ دی ۱۳۹۲ تا ۹ تیر ۱۳۹۳) ۴۱۱ نفر اعدام شده‌اند که ۸ نفر آنها هنگام ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال سن داشته‌اند. این تعداد اعدام در سال ۲۰۱۴ در حالی صورت گرفته که روند صدور احکام اعدام در ایران در یک دهه گذشته، رو به افزایش بوده و از ۹۹ مورد در سال ۲۰۰۴، به ۶۸۷ مورد در سال ۲۰۱۳ رسیده است.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر می‌گوید ایران از ابتدای سال جاری میلادی (۲۰۱۸) حداقل سه مجرم نوجوان را اعدام کرده است. این افراد متهمانی بوده‌اند که قبل از ۱۸ سالگی مرتکب قتل شده بودند. این سازمان در بیانیه‌ای که امروز چهارشنبه (هفتم فوریه / ۱۸ بهمن) منتشر کرده از مقام‌های ایرانی خواسته که "فورا و بدون پیش شرط" به مجازات اعدام برای برای کودکانی که زیر ۱۸ سال "مرتکب جرم" شده‌اند پایان دهد. بنابراین گزارشها هرچند دامنه اعدام کودکان در ایران کاسته نشده است ولی در اثر تلاش جامعه جهانی و تلاش های فعالین حقوق بشر در بسط منع اعدام امید است که روزی شاهد منع اعدام کودکان در ایران باشیم.

### بخش هفتم مربوط به آخرین گزارشات نقض حقوق ازدواج کودکان است.

انسانها در طی دوران تاریخ سیاسی و اجتماعی خود به بقای نسل خود اهمیت میدادند و انرا پیوسته به تاریخ تبار خود پیوند میزدند و این پیوند با وجود نابرابری و فاصله طبقاتی بین مردم ثابت میماند. و کودکان را به دور مادر بزرگها و بزرگان و ریش سفیدان قوم و خویش خود جمع

## حق آیندگان

میکرد تا داستان تبار خود را از لابلای رشادتها و تلاشها و سفرها بشنوند و این آنها را به گذشته ای میبرد تا سرچشمه نسلی که تا به امروز آنها را بهم زنجیر کرده بود است از کجاست؟

این طبیعت بشر؛ بخشی از راز هستی اوست که به این جهان آمده است تا در اتحاد زوج خود کره خاکی را در زاد و ولد نوعی از خود پوشش دهد. بنابراین ازدواج های گذشته بشر از روی نیاز او به بودن و ماندن و تولید نسلی مانند خود و از تبار خود بود و به این ترتیب به تاریخ ازدواج هم در عرض و طول ان اضافه میشد و در گسترش و گذار جامعه مدنی توانسته است به تعریف حقوقی ازدواج نایل شود و تا ان را در منزلت و شان یک انسان به تعریف بنشیند.

ازدواج اتحاد دو فرد برای آرامش و پیوستن و لذت بردن از حق زندگی است. وجود فرهنگهای مختلف و ستیز مذهبی و نابرابری در جوامع و تبعیض جنسی این اتحاد میمون را به مرکز جنگ و گریز و اعمال فشار با خورجینی از دیدگاه های مختلف فکری و مذهبی تبدیل و خانواده ها را تحت تاثیر و فشار قرار داده است. که بدترین شکل ان در هجوم و فشار و حاکمیت دین در تسخیر دولت و ارکان اجرایی ان است که در در تلاطم روند سیاسی و اجتماعی و چالش با فرهنگی که آداب و رسوم مردم را در پس قرنهای ذخیره فرهنگی در هم میریزد و با بروز جنگ نابرابری در حیطه بشر ایرانی کودکان راقربانی میکند چرا که در موازنه این تهاجم کودکان باید با موازین اسلامی و فقه و شرع هویت و تکلیف پذیری را جبرا بپذیرند و ان را گردن نهند و که ازدواج کودکان در جمهوری اسلامی و بروز ناهنجاری در روند حقوقی کشور ایران را به خوبی نشان میدهد که کودکان را نه تنها از ازدواج منع نمیکند بلکه ان را رواج و قانونی برای منع ان در پیش روی جامعه نمیگذارد.

بر طبق موازین شرع و فقه کودکان در سنین کودکی بالغ و انسان کامل به حساب میآیند که میتوانند ازدواج کنند و با مشکلات و اتفاق های یک زندگی روبرو شوند که سن فقه ای ازدواج کودکان بعد از تلاشهای بسیار در عرصه حقوقی و جدلهای مخالفین این جریان، قانون گذاران وقت را مجبور به تغییر مجدد حداقل سن قانونی برای ازدواج میکند که سنین ازدواج از نه سالگی به سیزده سالگی در دختران و از سیزده سالگی به پانزده سالگی در پسران تغییر و ارتقا

## حق آیندگان

پیدا میکند البته عقد نکاح زیر سن قانونی با اجازه والدین مجاز دانسته میشود که به این نوع ازدواج کودکان ازدواج شرطی گفته میشود

که با سه شرط انجام میگیرد اگر ولی اجازه دهد مصلحت طفل اقتضا کند و یا دادگاه صالح این تشخیص را بدهد واقعا جای تعجب است که با دادگاه صالحی روبرو هستیم که کودکان را به سلاخی ازدواج میفرستد که در واقع باید درماهیت این دادگاه هم شک کرد. و بنا براین اساس دختران بدون منع قانونی از ۶ سالگی میتوانند ازدواج کنند که صورت حساب این فجایع انسانی در پیش روی ما ایرانیان گذاشته میشود.

با اینکه همیشه مسئولان از دادن آمار ازدواج کودکان طفره رفته و میروند، اما چندی پیش مشاور و دبیر شورای عالی برنامه ریزی راهبردی سازمان تامین اجتماعی فرشید یزدانی با نگاهی به آمار رسمی سال هشتاد و پنج تا شش ماه اول سال نود و چهارگفته بود: «نهاد و چهل هزار کودک ازدواج کرده در آمار از سال هشتاد و پنج ثبت شده است که هشتصد و نود هزار نفر آنان دختر بودند. از آن سال به بعد گفتند آمار ازدواج کودکان کم شده، اما افزایش پیدا کرده، چرا که ازدواج دختران ده تا چهارده سال بیست هزار نفر بود که در سال نود و سه به چهل هزار و چهارصد و چهار نفر رسید.» و در استان خراسان رضوی هفت هزار و ششصد ازدواج دختران زیر چهارده سال در سال نود و سه ثبت شده است و آذربایجان شرقی و استان فارس در رده های بعدی هستند. همچنین در استان خوزستان ازدواج چهل و دو کودک زیر ده سال ثبت شده است.» اما آن گونه که اظهارنظرهای دیگر می گویند، به نظر می رسد استان رکورددار در این زمینه استان سیستان و بلوچستان است که سالانه رقم قابل توجهی از کودکان زیر پانزده سال در آن مجبور به ازدواج می شوند.

ثبت احوال: ۱۰ دختر در هفت شهر خراسان رضوی در سن زیر ۱۰ سال ازدواج کرده اند.

اساس آمارها نشان می دهند که در سال ۹۰، ۲۲۰ کودک؛ سال ۹۱، ۱۸۷ کودک؛ سال ۹۲، ۲۰۱ کودک؛ سال ۹۳، ۱۷۶ کودک و در سال ۹۴، ۱۷۹ کودک زیر ۱۰ سال تن به ازدواج داده اند.

## حق آیندگان

رواج ازدواج های سه شرطی که با خواندن خطبه و جاری شدن صیغه محرمیت ازدواج زودهنگام کودکان مشروعیت می‌دهد و کودکان را وارد قرارداد شرعی می‌کند که منجر به سو استفاده جنسی از کودکان میشود که در بسیاری از موارد به باردارشدن و سقط جنین و در نهایت فشار برای ازدواج منجر می‌شود. «مهم‌ترین عامل برای خواندن صیغه محرمیت و ازدواج اجباری کودکان پول است که در ازای پرداخت مبلغی به پدر و یا اذن پدری دختر را به فروش میرساند از انجاییکه صیغه محرمیت به ثبت قانونی نمیرسد بنابراین اماراین نوع ازدواج کودکان همیشه پنهان باقی میماند ولی نقض عضو و آسیب های جسمی این کودکان بعد از گذشت زمان خود را نشان میدهد و رونق طلاق کودکان مادر هم رواج دارد.

گزارشگر "ایسنا"، آمارهای رسمی تنها محدود به ازدواج‌های ثبت شده در دفاتر رسمی است و چه بسا این تعداد به دلیل عدم ثبت ازدواج کودکان بدون شناسنامه و یا عدم ثبت رسمی و قانونی ازدواج‌های چند همسری بسیار بیشتر از آمارهای رسمی است. ازدواج‌های کودکان در استان خراسان رضوی با ثبت ۶۷۵۹ مورد امار بالای از ازدواج کودکان را نشان میدهد.

در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ آمده است: «نکاح اناث قبل از رسیدن به سن ۱۶ سال تمام و نکاح ذکور قبل از ۱۸ سال تمام ممنوع است معذک در مواردی که مصالحی اقتضا کند، با پیشنهاد مدعی العموم و تصویب محکمه ممکن است استثنائاً معافیت از شرط سن اعطا شود؛ ولی در هر حال این معافیت نمی‌تواند به اناثی داده شود که کمتر از ۱۳ سال تمام و به ذکوری شامل گردد که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند.

این قانون مدنی هم که در سال ۱۳۱۳ به تصویب رسیده در واقع با نگاه شرعی ازدواج کودکان را صحه میگذارد در صورتی که کودکان همسراز نظر شرع و فقه بالغ قلمداد میشوند ولی برای باز کردن حساب بانکی خودنیاز به اجازه پدر و یا اذن پدری خود و یا همسری که میتوانید چند برابر سن او را باشد دارند چرا که مطابق قانون سن حساب بانکی ۱۸ سال تمام است و برای کودکان همسر منع قانونی دارد و یا کودکانی که ازدواج میکنند مدیران مدرسه از ورود آنان به کلاس درس جلوگیری میکنند و آنان با نوعی محرومیت تحصیلی مواجه میشوند.

## حق آیندگان

به گفته هادی شریعتی، این فعال حقوق کودکان در زمان تصویب ماده ۱۰۴۱ در سال ۱۳۷۹، در مجلس شورای اسلامی تلاشی برای افزایش سن ازدواج صورت گرفت و مجلس سن ازدواج دختران و پسران را هیجده سال تمام اعلام کرد، اما این مصوبه توسط شورای نگهبان به دلیل مخالفت با شرع تایید نشد و چون مجلس از نظر خود عدول نکرد، مصوبه به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد و در نهایت این ماده به شکل امروز خود تصویب شد. که در واقع

در ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده، مصوب ۱۳۵۳، ماده ۱۰۴۱ بدین شکل اصلاح شده بود که دوباره دوران قهقرایی خود را طی میکند.

ازدواج زن قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و مرد قبل از رسیدن به ۲۰ سال تمام ممنوع است. معذک در مواردی که مصالحی اقتضا کند، استثنائاً در مورد زنی که سن او از ۱۵ سال کتر نباشد و برای زندگی زناشویی استعداد جسمی و روانی داشته باشد و به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه شهرستان ممکن است معافیت از شرط سن اعطا شود. زن یا مردی که برخلاف مقررات این ماده با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده، ازدواج کند، حسب مورد به مجازاتهای مقرر در ماده ۳ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۶ محکوم خواهد شد.»

باید گفت که قانون ها هم تابع حکومت ها میشوند و با تغییرات خود جامعه انسانی را با آسیب و ناهنجاری روبرو میکنند که در جمهوری اسلامی نقض حقوق بشر در ابعاد مختلف ان اتفاق افتاده و می افتد.

مطابق کنوانسیون حقوق سیاسی و مدنی که جمهوری اسلامی ان را امضا کرده در ماده بیست و سوم این کنوانسیون بیان میشود.

۱- خانواده یک واحد گروهی و (جزء عنصر) بنیادین و طبیعی جامعه است و شایسته می باشد که بوسیله جامعه و حکومت حفاظت گردد.

۲- حق ازدواج و تشکیل خانواده برای مردان و زنانی که به این سن رسیده اند، برسمیت شناخته میشود.



## حق آیندگان

۳- هیچ ازدواجی بدون رضایت آزادانه و کامل زوجین منعقد نمی گردد.

۴- کشورهای عضو این میثاق، باید اقدامات مناسب را بمنظور تامین تساوی حقوق و مسئولیتهای زوجین در خلال انعقاد و فسخ ازدواج بعمل آورند. در مورد فسخ ازدواج باید برای حفاظت کودکان پیش بینی های لازم انجام گیرد.

ولی به کدام یک از این موارد که ضامن سلامت کودکان است جمهوری اسلامی توجه داشته است ولی در سال ۱۳۶۱ ماده ۱۰۴۱ را اصلاح میکند و برای ۵ سال به صورت آزمایشی ان رابه اجرا درمیآورد و نگاه کودکان ما را با این قوانین ضد بشری از شادی به بیماریهای روانی و جسمی و افسردگی در سنین کودکی میکشاند. اصلاحیه جدید از این قرار بود: نکاح قبل از بلوغ ممنوع است.

تبصره: عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی صحیح است، به شرط رعایت مصلحت مولی علیه.

این اصلاحیه در سال ۱۳۷۰ به تصویب نهایی رسید و به صورت قطعی به اجرا درآمد. این اصلاحیه بر اساس فتوای مشهور فقهای امامیه صورت گرفته است. و اماری که تازه خود را نشان میدهد یک میلیون کودک همسر در ایران و پدیده صیغه کودکان.

و در بعضی موارد اختلاف سنی کودکان با همسرانشان تا سی سال و یا بیشتر است که زهرا کهرم، دبیر سمینار ازدواج کودکان که در دانشگاه علم و صنعت برگزار شده بود بیان میکند «شیوع اختلالات خلقی از جمله افسردگی، اختلالات اضطرابی، وسواس و اختلالات پانیک، از اثرات ازدواج کودکان به شما میرود.

با اشاره به سه دیدگاه مختلف برای ارزیابی سن ازدواج که در کنوانسیون سیاسی و مدنی از جایگاه حقوق انسانی به این پدیده نگریسته است به ارزش و تفاوت نظردر پرداختن به منزلت انسانی پی میبریم که رضایت الهی با شکست روح کودکان عجین بوده و فقه و شرع عامل این نقصان است.

## حق آیندگان

ازدواج در سنین کودکی کودکان را با مشکلات فیزیکی و جسمی و روانی روبرو میسازد و این مصیبت تا انتهای سالهای عمر با آنان باقی میماند که جامعه را با نوعی آسیب سلامتی و برای رفع این نوع از آسیب هزینه و درمان را تولید میکند.

**بخش هشتم مجموعه مقالاتی با موضوعات متفاوت ارائه میگردد که موارد نقض حقوق کودک و نوجوان در ایران را مورد نقد و بررسی قرار میدهد.**

امید به اینکه با تدوین این کتاب قدمی کوچک در جهت آگاهی حق حیات و حق زندگی کودکان و نوجوان برداشته باشم و در افشا موارد نقض حقوق کودکان این کتاب در حوصله خوانندگان آن بنشیند؛

نگارنده بر خود واجب می داند نهایت تشکر و قدر دانی از آقای منوچهر شفایی بنیانگذار کانون دفاع از حقوق بشر در ایران و همچنین خانم دکتر ارزجانی عضو هیئت رئیسه کانون دفاع از حقوق بشر در ایران را دارم؛ که در تدوین این کتاب من را مورد حمایت قرار داده و از راهنمایی و مشاوره آنان بهره جستیم؛ همواره ارزوی سلامتی و توفیق برای این عزیزان دارم.

## بخش یک

# خشونت و کودک آزاری



## گزارشی از کودک آزاری در ۶ ماه نخست سال ۱۳۹۶

به گزارش ایسنا، رضا جعفری در سمینار «کودک آزاری در مناطق حاشیه نشین» با بیان اینکه حدود ۳۰۰ پایگاه خدمات اجتماعی در مناطق حاشیه نشین و ۲۵۰۰ نیروی مدکار و روانشناس در این مراکز فعال هستند، گفت: تا کنون ۲۷۵۰۰ مورد کودک آزاری از انواع کودک آزاری جنسی، جسمی، عاطفی و غفلت به اورژانس اجتماعی اطلاع داده شده است. همچنین تا کنون ۱۴ هزار و ۵۹۹ مورد همسر آزاری به اورژانس اجتماعی ارجاع داده شده است.

وی با تاکید بر اینکه هر قدر سن کودک پایین تر باشد، به لحاظ جسمانی وابسته تر و وضعیت کودک حادث تر است، افزود: ۳۸ درصد از این کودکان در سن دبستان و زیر دبستان و ۱۲ درصد راهنمایی بوده اند. ۲۹ درصد از آزارها جسمی و ۳ درصد جنسی بوده است، چرا که بسیاری از خانواده‌ها از ترس امنیت و آبرو خیلی از این موارد را گزارش نمی‌کنند.

رئیس اورژانس اجتماعی کشور با بیان اینکه بررسی‌ها نشان می‌دهد ۱۲ درصد از موارد کودک آزاری چند روز بعد از کودک آزاری و ۴،۵ درصد یک هفته بعد از آن گزارش شده اند، تصریح کرد: در بسیاری از موارد، همسایه‌ها متوجه کودک آزاری می‌شوند ولی آن را گزارش نمی‌دهند و حتی جرأت نمی‌کنند با ۱۲۳ تماس بگیرند، درحالی‌که این یک بحث مسئولیت پذیری اجتماعی است.

جعفری با اشاره به اینکه کودک آزاری به چارچوب خانه و خانواده منتهی نمی‌شود، اضافه کرد: مسایل و مشکلات فرهنگی بسیاری در این زمینه وجود دارد. مردم باید مسئولیت پذیری اجتماعی داشته باشند. در بعضی موارد دیده شده که کودک ماه‌ها مورد آزار قرار گرفته و همسایه‌ها با وجود اطلاع از این موضوع حاضر به ارایه گزارش به اورژانس اجتماعی نبودند.

وی با اشاره به چهار فعالیت اصلی اورژانس اجتماعی توضیح داد: اورژانس اجتماعی با شماره ۱۲۳ به صورت شبانه روزی پاسخگوی مردم است. همچنین روان شناسانی در اورژانس

## حق آیندگان

اجتماعی حضور دارند که بررسی‌های اولیه هر گزارش را انجام می‌دهند و اگر نیاز باشد به همراه نیروی انتظامی و با حکم قضایی به موارد تماس گرفته شده مراجعه می‌کنند.

رئیس اورژانس اجتماعی کشور با اشاره به اینکه موارد کودک‌آزاری یا به شکل خود معرف و یا ارجاعی بررسی می‌شوند، افزود: بعد از مراجعه اورژانس اجتماعی، افراد آسیب دیده به مراکز بازپروری می‌روند. رویکرد ما در اورژانس اجتماعی اجتماع محور است. به همین دلیل سعی می‌کنیم اشخاص کلیدی و پایگاه‌های مشارکت اجتماعی را درگیر کرده و با سازمان‌های دیگر همکاری کنیم.



## ۵۵ درصد کودکان آزار دیده، در چرخه کار هستند

طبق پژوهش صورت گرفته توسط چندین سازمان مردم نهاد، در مواردی که آزار جنسی توسط والدین رخ می‌دهد، ۱۰۰ درصد آنها اعتیاد دارند و ۶۳ درصد از این والدین بیکار هستند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، نابرابری به زندگی برخی گروه‌هایی اجتماعی تحمیل شده و مقوله‌ی فقر و فقرا را تشکیل داده است و خشونت ساختاری نتیجه این وضع تاریخی است که جای زخم آن بیش‌تر از هر جای دیگری، به ملموس‌ترین و بی‌واسطه‌ترین شکل در جسم و روان قربانیانش قابل مشاهده است.

فقیر شدن، اثر خشونت ساختاری است. بدن‌های مریض، روان‌های زخمی و عصبانی اثر این خشونت هستند، محله‌ی بدنام‌شده، پدرها و مادرهای شرمسار و پریشان نیز از دیگر اثرات این خشونت است. این صدمات هستند که سوژه‌ی جدیدی را می‌سازند و منطبق با آن، جامعه و فرهنگ سوژه‌ها یعنی فقرا هم تعیین می‌شوند که از مهمترین آن می‌توان به کودک آزاری‌ها که شاید مهمترین آن در بستر فقر رخ می‌دهد، اشاره کرد.

### فقرا خشونت را به سوی جامعه خود برمی‌گردانند

ایزدی جیران (استادیار دانشکده حقوق و علوم اجتماعی) در رابطه با کودک آزاری در بسترهای فقر می‌گوید: اهالی سکونت‌گاه‌های فقیرنشین، سوژه‌های ساخته‌شده‌ی یک وضع تاریخی هستند؛ وضع تاریخی‌ای که با تحمیل حداقل ۹ دهه نابرابری در دسترسی به قدرت و ثروت پدید می‌آید، اما در تداوم خود از عقب‌نشینی سازمان‌های حمایتی و خدمات حمایتی توسط دولت، توجیه یا مشروع‌سازی توسط فرهنگ در قالب تحقیر فرهنگی و حمایت توسط جامعه در قالب طرد اجتماعی برخوردار می‌شود.

## حق آیندگان

جیران تاکید می‌کند که مجموعه ناکارآمدی‌ها، زندگی فقرا را بدل به چیزی می‌کند که می‌توان آن را وضعیت اضطراری نامید، وضعیتی که در مورد ستم‌دیدگان نه استثنا بلکه قاعده است.

این استادیار با اشاره به اینکه در این بستر اجتماعی خاص که فقرا خود قربانی خشونت ساختاری و بی‌تفاوتی اجتماعی گروه‌های دیگر جامعه بوده‌اند، اکنون توجیه فرهنگی لازم برای بازتولید همان خشونت و همان بی‌تفاوتی را دارند تاکید می‌کند: این یعنی زایش فرهنگ خشونت. حیاتی‌ترین نکته این است که چون فقرا بی‌قدرت شده‌اند، خشونت را نه به سوی دیگری بلکه به سوی جامعه خود برمی‌گردانند.

### مادرانی که زیر بیست سال وادار به ازدواج شدند؛ کودک آزارند

در پژوهش کودک آزاری در سکونتگاه‌های فقیر نشین شهرستان تبریز (ترلان دره و ملازینال) که توسط جمعیت امام علی (ع) انجام شد و تعداد یکصد و پنجاه خانواده که چهارصد و دوازده کودک از هر دو محله را شامل می‌شود، به پرسش‌هایی در خصوص تحصیل، سن ازدواج والدین و فرزندان، سلامتی و بهداشت، تغذیه، خشونت خانگی، کار اجباری، استفاده از الفاظ نامناسب، تنبیه بدنی، پاسخ داده‌اند و از میان آن‌ها دویست و هشت کودک در هفتاد خانواده، مورد کودک آزاری قرار گرفته‌اند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد؛ پدر و مادر این کودکان غالباً خود مورد کودک آزاری قرار گرفته و معمولاً مادرانی که زیر بیست سال تمام شمسی (دوازده تا نوزده سال) وادار به ازدواج شده‌اند، کودک آزارند.

غالباً کودکان این دو محله، به دلیل شرایط نامناسب مالی والدین، محکوم بودن یکی از آن‌ها یا هر دو به حبس‌های طولانی مدت و گاه حبس ابد به دلیل جرایم مرتبط با موادمخدر، در شرایط روحی- روانی نامناسب قرار دارند.

## حق آیندگان

بی توجهی به تحصیل، سلامتی، تغذیه و گاه اجبار کودکان (دختر و پسر) به زباله گردی و فروش مواد مخدر یا الکل و نبود شادی و امکانات رفاهی ساده هم‌چون فضای سبز و فضای بازی برای کودکان، موجب شده است تا هم والدین در این دو محله از بیماری‌هایی چون مشکلات اعصاب و روان (اقدام به خودکشی و خودزنی) رنج ببرند و هم کودکان از تفریح و شادی محروم باشند.

### وضعیت کودکان مناطق حاشیه بسیار پرمخاطره است

زهرا رحیمی (مدیر عامل جمعیت امام علی (ع)) در این رابطه می‌گوید: در هر معضل اجتماعی گروهی ذی‌نفع وجود دارد مانند گروه‌هایی که از فروش مواد مخدر به کودکان سود می‌برند، که این افراد باید شناسایی شوند و از فعالیت‌شان ممانعت به عمل آید.

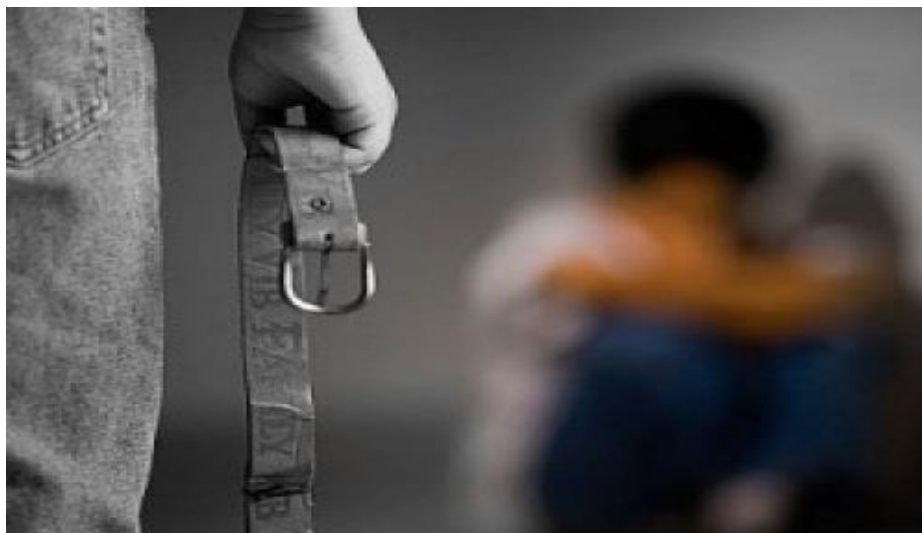
وی به این نکته اشاره کرد که متأسفانه اذهان عمومی فقط در شرایطی نسبت به این معضلات اجتماعی واکنش نشان می‌دهد که خبری رسانه‌ای شود و با گذر زمان آن معضل به فراموشی سپرده می‌شود، در حالی که اگر در زمینه جایگاه و شأن کودکان اصلاحاتی اساسی صورت نگیرد به یقین خودمان را از داشتن یک جامعه سالم و شاد در آینده محروم خواهیم ساخت، زیرا آسیب‌ها و مشکلات مناطق حاشیه به بافت و متن شهرها تسری پیدا خواهد کرد و این هشدار و زنگ خطری‌ست برای مردم که بدانند وضعیت کودکان مناطق حاشیه وضعیتی بسیار پرمخاطره است.

### 36 درصد از آزارهای جنسی متعلق به پسران است

آخرین تحقیقات میدانی آمارها و ارزیابی نتایج مشاهده کودکان آسیب‌دیده از خشونت در ۱۸ استان ایران که با پژوهش بر روی ۷۷۱ کودک و توسط سازمان‌های مردم‌نهاد انجام شده است؛ تعداد موارد گزارش شده را ۱۱۷۵ مورد آزار اعلام می‌کند.

در این تحقیق، آزارها به سه بخش "جنسی"، "جنسی" و "غفلت" تقسیم شده‌اند. ۳۶ درصد از آزارهای جنسی متعلق به پسران است. درصد بالایی از کودکان در دوران خردسالی مورد آزار قرار گرفته‌اند.





رویا منوچهری (فعال اجتماعی) با بیان این موضوع که میانگین سن اغلب کودکان آسیب دیده بین ۶ تا ۱۰ سال است، اعلام کرد که ۵۳ درصد از کودکان مورد آزار پسر و ۴۷ درصد دختر هستند و ۵۵ درصد از کودکانی که مورد آزار قرار گرفته‌اند، کودکان در چرخه کار هستند. همچنین ۵۱ درصد از کودکانی که مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند ناآگاهی از جمله عوامل مهمی بوده که آزار دیدن وی را تسهیل کرده است.

وی به این نکته اشاره می‌کند که حدود ۶۰ درصد از کودکانی که مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند، درک صحیحی از مسئله رخ داده ندارند و اغلب توسط والدین آسیب دیده از اعتیاد دچار آزار قرار می‌گیرند.

#### **۴۰,۵ درصد از خانواده‌ها دچار عادی‌انگاری پدیده کودک‌آزاری شده‌اند**

منوچهری به بخشی از این تحقیق اشاره می‌کند که این والدین هم خود زمانی مورد آزار قرار گرفته‌اند و از این رو است که این روند برای آنها عادی شده و نسبت به آزار کودک اغلب تعهدی ندارند. ۴۰,۵۹ درصد از خانواده‌ها دچار عادی‌انگاری این پدیده شده‌اند. همچنین محل سکونت ۳۱ درصد از این کودکان در پاتوق‌ها و خانه‌هایی تیمی بوده است. حدود ۶۰ درصد از کودکان در خانه و ۲۸ درصد در محله مورد آزار و خشونت هستند.

## حق آیندگان

سن آزارگرها بین ۳۰ الی ۳۹ سال و ۴۰ الی ۴۹ سال است. در ۱۱۷۵ مورد ۶۹,۴۴ درصد آزارگران مرد و ۱۶,۱۷ درصد زن بودند و در ۱۴,۳۹ درصد نیز نامشخص است. ۶۱ درصد از آزارگرها والدین کودکان هستند. ۵۰ درصد از آزارگران اعتیاد دارند و ۳۲ درصد بیکارند.

طبق این پژوهش ۳۱ درصد از آزارگران جنسی به کودکان از والدین آنها بودند و ۶۹ درصد از آزارگران جسمی نیز از والدین کودکانند. همچنین در مواردی که آزار جنسی توسط والدین رخ می دهد، ۱۰۰ درصد آنها اعتیاد دارند و ۶۳ درصد از این والدین بیکار هستند. ۱۸,۷۸ درصد کودکان فکر می کنند، اعمال جنسی روشی برای مورد توجه قرار گرفتن آنهاست و این محبت آزارگر است. همچنین تعدادی از کودکان بعد از آزار به این کار گرایش پیدا کرده بودند. ۸۱ درصد از کودکان هیچ گونه آموزشی نسبت به خودمراقبتی نداشتند، این در حالی است که تنها ۱ درصد از خانواده ها نسبت به این پدیده آگاهی داشتند



## پاتوق‌ها و خانه‌های تیمی، محل سکونت ۳۱ درصد کودکان آزار دیده

عضو جمعیت امام علی (ع) با استناد به بررسی میدانی این جمعیت درباره ۷۷۱ کودک و ۱۱۷۵ مورد کودک‌آزاری در مناطق حاشیه‌ای گفت: ۵۰ درصد از کودکانی که مورد غفلت قرار گرفته و ۵۱ درصد از کودکان در معرض آزار جنسی از آزاری که اتفاق افتاده آگاه نیستند؛ این در حالیست که تنها ۲,۷۲ درصد از کودکان و ۱,۹۵ درصد از خانواده‌ها حاضر به طرح شکایت در مرکز پلیس یا دادسرا بودند.

به گزارش ایسنا، رویا منوچهری عضو جمعیت امام علی (ع) در سمینار «کودک‌آزاری در سکونت‌گاه‌های فقیرنشین» با حضور طیبه سیاووشی، نماینده مجلس، الهام فخاری عضو شورای شهر، جعفری رییس اورژانس اجتماعی کشور، محمد جواد فتحی نماینده مجلس و تنی چند از اساتید دانشگاه و ... برگزار شد، با ارایه نتایج پژوهش جمعیت امام علی درباره کودک‌آزاری پرداخت، افزود: جامعه آماری این پژوهش کودکان زیر ۱۸ سال دختر و پسر آزار دیده در سکونتگاه‌های فقیرنشین تحت پوشش جمعیت بوده‌اند. انواع کودک‌آزاری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند شامل کودک‌آزاری جسمی، جنسی و غفلت مانند ازدواج، اعتیاد، استثمار کودک و... هستند. دبیر این سمینار با بیان اینکه تعداد کل کودکان بررسی شده ۷۷۱ کودک و تعداد کل موارد کودک‌آزاری ۱۱۷۵ مورد بود، اظهار کرد: این نکته نشان می‌دهد که ممکن است یک کودک چندین بار مورد آزار قرار گرفته باشد. از بین این تعداد کودک بررسی شده ۱۶۵ مورد کودک‌آزاری جنسی، ۴۰۴ مورد کودک‌آزاری جسمی و ۶۰۶ مورد کودک‌آزاری از نوع «غفلت» بوده است. همچنین نمونه‌های این پژوهش در بین ۱۸ استان بودند که بیشترین موارد کودک‌آزاری در تهران، کرمانشاه، بوشهر و قم مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. البته سطح دسترسی جمعیت امام علی در این مناطق بیشتر از سایر نقاط نیز بوده است.

وی در ادامه تصریح کرد: بیشترین موارد کودک‌آزاری جسمی شامل کتک زدن و تنبیه کردن، ضربه زدن، پرت کردن و ایجاد تکان شدید و ایجاد جراحت بوده است. همچنین انواع کودک

## حق آیندگان

آزاری غفلت شامل عدم توجه به سلامت، عدم توجه به تحصیل، استثمار کودک و اعتیاد و استثمار هستند. منوچهری جنسیت کودکان آزار دیده را ۵۳ درصد پسر و ۴۷ درصد دختر عنوان کرد و گفت: این مساله نشان می دهد علیرغم تصور عمومی که دختران بیشتر مورد آزار جنسی قرار می گیرند درصد قابل توجهی از (۳۶ درصد) از آزارهای جنسی متعلق به پسران است. همچنین ملیت کودکان آزار دیده ۶۰ درصد ایرانی، ۳۵ درصد افغانستانی، سه درصد پاکستانی و دو درصد ایرانی افغانستانی بوده است.



### ۵۵ درصد کودکان آزار دیده، کودکان کار بودند

دبیر این سمینار با بیان اینکه سن این کودکان اغلب بین ۶ تا ۱۰ سال بوده است، اظهار کرد: تعداد زیادی از کودکان از خردسالی مورد آزار قرار گرفته اند و ۵۵ درصد از کودکان مورد آزار، کودکان کار بودند. بر این اساس در آزارهای جسمی ۶۰ درصد، جنسی ۵۰ درصد و آزارهای نوع غفلت نیز ۵۳ درصد مربوط به محیط کار است.

منوچهری در ادامه به دسته بندی کار کودکان در سکونتگاههای فقیرنشین پرداخت و گفت: انواع کار کودک شامل تکدی گری، دستفروشی و مشاغل کم درآمد، زباله گردی و... هستند. کودکان متکدی در معرض بیشترین آزارها بودند و ۳۶ درصد کودکانی که مورد آزار جنسی قرار گرفته بودند تکدی گری می کردند.

وی با تاکید بر اینکه ویژگی خاص کودک آزار دیده که این فرآیند را تسهیل کرده است بیشتر مربوط به ناآگاهی آنها بوده است، تصریح کرد: ۵۰ درصد از کودکانی که مورد غفلت قرار می

## حق آیندگان

گیرند و ۵۱ درصد از کودکان در معرض آزار جنسی از آزاری که اتفاق می افتد آگاه نیستند. مسئله ناآگاهی مسئله‌ایست که می‌توان با ارائه آموزش‌هایی از میزان آن کاست تا آزارهای کمتری متوجه کودکان شود.

این فعال حقوق کودک با بیان اینکه از میان ۱۱۷۵ موردی که در پژوهش بررسی شده تعداد اعضای خانواده ۴۵ درصد از آنها بیش از ۶ نفر بوده است، اضافه کرد: ۳۹ درصد از آزارهای جنسی، ۴۰ درصد از آزارهای جسمی و ۴۵ درصد از آزارهای مربوط به غفلت در خانواده‌هایی اتفاق می‌افتد که بیش از ۶ نفر جمعیت دارند.

### رابطه شغل سرپرست خانوار با آزارسانی به کودک

منوچهری در ادامه تصریح کرد: ۶۰ درصد مواردی که مورد آزار بودند فرزندان اول و دوم خانواده بودند. همچنین شغل‌هایی که در مناطق حاشیه‌ای بیشتر رواج دارند شامل کارگر فصلی، تکدی‌گری، دست‌فروشی و بزهکاری است و یکی از موارد مهم بزهکاری شامل خرید و فروش مواد است. سرپرست این خانواده‌ها ۳۵ درصد بیکار بوده‌اند که نشان دهنده اهمیت بالای شغل در وضعیت آزارسانی به کودکان است.

وی با اشاره به وضعیت اعتیاد خانواده‌های حاشیه‌نشین نیز توضیح داد: درصد قابل ملاحظه‌ای از والدین این کودکان آلوده به مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی بوده‌اند. اعتیاد مناطق حاشیه‌بیشتر مربوط به در دسترس بودن مواد مخدر در این مناطق است چرا که اولین انتخاب خانواده‌های مهاجر برای کسب درآمد در مناطق حاشیه‌نشین خرید و فروش مواد مخدر است.

دبیر این سمینار با اشاره به ویژگی خاص خانواده یا سرپرست که آزار دیدن کودک را تسهیل می‌کند، اظهار کرد: این ویژگی‌ها شامل اعتیاد والدین، فقر مالی شدید، پرخاشگری و بدرفتاری هستند. بیش از نیمی از کودکانی که مورد آزارهای جسمی بودند، در خانواده‌هایی بودند که در آنها اعتیاد، پرخاشگری و بدرفتاری وجود داشته است.

### پاتوق‌ها و خانه‌های تیمی، محل سکونت حدود ۳۱ درصد کودکان آزار دیده

وی در ادامه به بررسی ویژگی‌های محیطی کودکان آزار دیده پرداخت و افزود: محل سکونت حدود ۳۱ درصد از کودکان آزار دیده جنسی پاتوق‌ها و خانه تیمی بوده است. ساختار این محلات به گونه است که این محلات را محل امنی برای آزارگران تبدیل می‌کند و کودکان در این مناطق بی پناه هستند.

منوچهری با بیان اینکه حدود ۶۰ درصد از آزارهای جنسی در خانه و حدود ۲۸ درصد در محله اتفاق افتاده است، تصریح کرد: این آمار نشان دهنده این است که تا چه میزان خانواده‌ها و افراد یک محله، در کانون خانواده‌های ناپایدار به سر می‌برند.

وی با انتقاد از اینکه چرخه کودک آزاری گاهی هم برای کودک و هم برای والدین عادی تلقی می‌شود افزود: برای حدود ۵۹ درصد از خانواده‌های مورد بررسی مساله کودک آزاری امری رایج بوده است. همچنین ۵۷ درصد از آزارهای جنسی به شکل مکرر اتفاق افتاده است که این نشان می‌دهد کودکان در این محلات کاملا بی دفاع هستند و از حمایت‌های اجتماعی، قانونی و ... برخوردار نیستند.

### حدود ۴۵ درصد آزارگران «مرد» بوند

#### «اعتیاد» و «بیکاری» مشخصه اصلی آزارگرها

دبیر این سمینار در ادامه اظهار کرد: ۴۴,۶۹ درصد از آزارگران مردان و ۱۷,۱۶ درصد زن و نزدیک به ۳۹ درصد نیز نامشخص بوده‌اند. همچنین سن آزارگران بیشتر بین ۳۰ تا ۳۹ سال و ۴۰ تا ۴۹ سال بوده است. حدود ۶۱ درصد از آزارگرها والدین کودک، ۸ درصد خویشاوندان و ۸ درصد نیز بدون نسبت فامیلی بودند که شامل ۶۹ درصد از آزارهای جسمی توسط والدین و ۳۱ درصد آزارهای جنسی به وسیله والدین اتفاق افتاده است.

## حق آیندگان

وی با تاکید بر اینکه از میان کودک آزاری‌های جنسی که آزارگر پدر بوده است ۱۰۰ درصد آنان اعتیاد داشته و ۶۳ درصد آنان نیز بیکار بوده‌اند، اظهار کرد: بر اساس این پژوهش ۳۲ درصد از آزارگرها "بیکار" بودند. بنابراین بارزترین مشخصه آزارگران اعتیاد و بعد هم بیکاری است.

منوچهری با اشاره به پیامدهای جسمی و روانی کودک آزاری توضیح داد: پیامدهای جسمی شامل اختلال در رشد، جراحی، کبودی و خراشیدگی و... هستند. پیامدهای روانی آزار جسمی شامل پرخاشگری، گوشه گیری، تمایل به آزار جسمی دیگران، اختلال رشد و ... بوده و پیامدهای روانی آزارهای جنسی نیز شامل گوشه گیری، تمایل به آزار جنسی دیگران، تمایل به آزار جسمی دیگران، خودزنی و ... هستند.

### کمتر از یک درصد خانواده‌ها از راهکارهای مقابله با کودک آزاری آگاه بودند

وی با اشاره به دیدگاه‌های کودک و خانواده نسبت به کودک آزاری توضیح داد: در میان آزارهای جنسی مورد بررسی بیش از ۶۰ درصد از کودکان آزار دیده درک صحیحی از مشکل به وجود آمده نداشتند. همچنین دیدگاه خانواده نسبت به آزار کودکان به این شکل بوده است که آنها تنها ۷,۴۳ درصد آزار جسمی و غفلت را مسئله غیرعادی می‌دانستند. همچنین تنها شش درصد از آنها مسئله آزار جنسی را پیگیری می‌کند.

این فعال حقوق کودک در ادامه تصریح کرد: تنها ۲,۷۲ درصد از کودکان حاضر به طرح شکایت در مرکز پلیس یا دادسرا و تنها ۱,۹۵ درصد از خانواده‌ها حاضر به طرح شکایت در مرکز پلیس یا دادسرا بودند. همچنین کمتر از یک درصد خانواده‌ها از راهکارهای مقابله با کودک آزاری آگاهند. بیش از ۸۱ درصد از کودکان آزار دیده نیز آموزش خود مراقبتی نداشته‌اند که نشان می‌دهد آموزش درست تا چه حد از وقوع فجایع پیشگیری می‌کند.

وی با بیان اینکه چهارچوب نظری مورد استفاده در این پژوهش شامل مطالعه و مشاهده بوده است، افزود: روش نمونه گیری نیز به شکل تصادفی خوشه‌ای یعنی تقسیم جامعه آماری به خوشه‌های مختلف (مناطق جغرافیایی و انتخاب تعدادی نمونه تصادفی از هر خوشه بوده است.

## حق آیندگان

مواردی که به این پرسشنامه‌ها اعتبار می‌دهند نخست ارزیابی اولیه پرسشنامه به صورت تکمیل آزمایشی فرم توسط مددکاران جمعیت امام علی بوده و در مرحله دوم پرسشنامه تحقیق توسط این مددکاران که در ارتباط پیوسته با کودکان تحت پوشش بودند، تکمیل شده است.

منوچهری در ادامه با بیان اینکه این پرسشنامه برای کودکانی تکمیل شده که تحت آزار بودن آنها به شکل خوداظهاری کودک، اظهارات شاهدین و مطلعین، مشاهده علائم، نظر روانشناس و دیگر کارشناسان، اطمینان از وقوع کودک آزاری را تایید کرده است، افزود: تمام این نمونه‌ها در حال حاضر قابل دسترس هستند و این کودکان این پژوهش از ۲۸ مرکز جمعیت امام علی واقع در محلات فقیرنشین در سراسر کشور با پراکندگی جغرافیایی انتخاب شده‌اند.

## **تراژدی تلخ تنبیه دانش آموز با مشت و لگد، این بار در ایجرود**

تنبیه بدنی دانش‌آموزان در محیط مدرسه موضوع تلخی است که هر از چندی توسط رسانه‌ها خبری می‌شود اما به نظر می‌رسد پایانی برای این اتفاق تلخ در مدارس وجود ندارد. به گزارش خبرگزاری فارس از زنجان، روزگاری مکتب‌خانه‌ها به فلک‌هایش معروف بود، روزگاری که معلم مکتب‌خانه‌ها حق داشت کودکان خاطی را تنبیه بدنی کند تا بچه‌ها را سر به راه کنند به حدی که مثل معروف “چوب معلم گله هر کی نخوره خله” نیز به این کار آنها رسمیت می‌داد اما با برپایی مدارس امروزی فلک کردن و کتک زدن کودکان روز به روز رنگ باخت و جای خود را به تنبیه‌های دیگری داد اما همچنان اولیا اعتقاد داشتند معلمان برای تربیت کودکان آنان تام‌الاختیار هستند به طوری که مادران به هنگام سپردن فرزندان خود به مدرسه به معلمان می‌گفتند “گوشتش برای شما، استخوانش برای من” تا معلمان به حسب تشخیص خود برای تربیت کودکان همت و تلاش کنند، اما در عصر حاضر تنبیه بدنی دانش‌آموز کاملاً طرد و منفور و غیر اخلاقی است.





با توجه به افزایش تاکیدات بر عدم تنبیه بدنی و همچنین عواقب منفی این اقدام بر روح و روان دانش‌آموزان دیگر هیچ کسی راضی به رفتار پرخاشگرانه معلمان در مقابل فرزندان خود حتی تنبیه بدنی نیستند. اما این روزها از گوشه و کنار کشور و حتی استان ما خبرهایی مبنی بر کتک خوردن دانش‌آموزان توسط معلمان و یا حتی گاهی برعکس به گوش می‌رسد خبرهایی که نشان می‌دهد که برای ریشه کنی این عمل نادرست، آموزش و پرورش باید بیش از این تلاش کند.

#### \*بازی کودکانه با چاشنی تنبیه

همه ما در کودک در حیات مدرسه بازیگوشی‌های خودمان را داشتیم، دنبال کردن همدیگر در حیات مدرسه همیشه حداقل یک مصدوم را به دنبال داشت، شاید خیلی‌ها سر زانوهای در دوران تحصیل مداوا نشده و همیشه زخمی از این بازی‌ها به یادگار داشت.

همیشه مصدوم این بازی‌ها با دستانی دراز شده از سوی دوستان از زمین برمی‌خاست و بازی‌های دوستانه دوباره از سر گرفته می‌شد اما این داستان در مدرسه روستای سفید کمر به همین شکل به پایان نرسید.

بنا به شنیده‌ها، در مدرسه سفید کمر ایچرود پس از بازی کودکانه دو دانش‌آموز در حیات مدرسه و افتادن یکی از دانش‌آموزان، ولی وی که از قضا معلم مدرسه نیز هست وارد ماجرا شده و محمد دیگر دانش‌آموز این بازی را که از نظر وی مسبب افتادن فرزندش بود به باد کتک می‌گیرد به نحوی که این دانش‌آموز از ناحیه صورت و به ویژه چشم مورد آسیب قرار می‌گیرد.

## حق آیندگان

البته ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود و درخواست رسیدگی موضوع توسط خانواده این دانش‌آموز از مدیر آموزش و پرورش شهرستان ایجرود راه به جایی نمی‌برد و تنها به یک وعده برای رسیدگی به این موضوع می‌انجامد البته همه این مسائل از طریق خانواده دانش‌آموز مصدوم ادعا شده است.

مادر محمد در گفت‌وگو با خبرنگار فارس در این زمینه اظهار داشت: روز چهارشنبه ۱۸ بهمن فرزندم را صحیح و سالم به مدرسه فرستادم اما معلم در مدرسه وی را کتک زده به نحوی که دچار آسیب و خونریزی شده است.

احمدی افزود: در پیگیری‌هایی که انجام دادم متوجه شدم فرزندم با فرزند معلم برخورد داشته و موجب افتادن وی شده که همین موضوع موجب شده معلم یک پس گردنی به وی زده و پس از افتادن محمد روی زمین وی را با لگد زده است.

مادر این دانش‌آموز با اشاره به اینکه محمد با سر و صورت زخمی و خونی مورد بی‌توجهی معلم قرار گرفته است، گفت: همسر این معلم سر و صورت فرزندم را شسته و نزد من آورده است.

احمدی با اشاره به اینکه وقتی او را از دور دیدم صورتش باد کرده و زخمی بود و باعث شد پیگیر موضوع شوم، عنوان کرد: در این پیگیری‌ها متوجه شدم که فرزندم مورد ضرب و شتم قرار گرفته است. وی ادامه داد: از قضا رئیس آموزش و پرورش شهرستان ایجرود نیز در روستا حضور داشت و وضعیت فرزندم را به وی تشریح کردم که به من قول داد شنبه فردی را برای پیگیری موضوع اعزام کند.

مادر این دانش‌آموز با اشاره به اینکه قرار بود تا روز شنبه فردی به روستا آمده و موضوع را پیگیری کند، اظهار کرد: روز شنبه هر چه منتظر ماندیم خبری از مسؤول رسیدگی به ماجرای تنبیه فرزند من نشد و پس از پایان ساعت اداری فرزندم را برای مداوا به پزشک برده و تا پاسی از شب را در مراکز پزشکی سپری کردم.

# بخش دو

## کودکان کار



## آمار کودکان کار ایران بین ۳ تا ۷ میلیون است

عضو هیات رییس کمیسیون اجتماعی مجلس گفت: طرح جمع آوری کودکان سبب افزایش مشکلات و سوء استفاده از کودکان می کنند.



به گزارش گروه رسانه های خبرگزاری تسنیم، ناهید تاج الدین در گفتگو با خانه ملت، درخصوص طرح ساماندهی کودکان کار، گفت: طرح جمع آوری کودکان کار در واقع پاک کردن صورت مسئله آسیب های اجتماعی است.

نماینده مردم اصفهان درمجلس شورای اسلامی، افزود: این طرح به جای مبارزه با علت نوعی مبارزه با معلول بوده و عملاً وضعیت کودکان کار را در ایران وخیم تر می کند.

وی تصریح کرد: برخی کارشناسان مسائل اقتصاد شهری آمار کودکان کار ایران را بین ۳ تا ۷ میلیون عنوان می کنند، ضمن اینکه این رقم برای تهران نیز ۲۰ هزار نفر تخمین زده می شود، اما به دلیل اینکه اغلب کودکان کار هیچ گونه ثبت هویتی ندارند؛ آمار دقیقی در این زمینه نمی توان ارائه کرد. این نماینده مردم درمجلس دهم، افزود: جمع آوری کودکان کار با توجه به کثرت این کودکان و نیز گستردگی این آسیب اجتماعی عملاً امکان پذیر نیست.

وی با بیان اینکه طرح جمع آوری کودکان کار منجر به زیرزمینی شدن این شغل می شود، گفت: این طرح همچنین آسیب های این کودکان را افزون تر می کند.

## حق آیندگان

تاج الدین ادامه داد: اگر پیشتر این کودکان مقابل چشم ما در خیابانها کار می کردند، با طرح جمع آوری به کارگاه های زیرزمینی منتقل می شوند ، یعنی آسیب های آنها بیشتر می شود.

وی تاکید کرد : ورود این کودکان به بازار شغلی زیرزمینی باعث شکل گیری معضل بهره کشی می شود ، ضمن اینکه زمینه را برای سو استفاده از این کودکان بیش از پیش فراهم می آورد.

عضو هیات ریسه کمیسیون اجتماعی، گفت : درخصوص این طرح بیشترین آسیب متوجه دخترانی است که به عنوان کودک کار در خیابان کار می کنند ، بنابراین ممکن است با طرح جمع آوری کودکان کار، حتی تعداد ازدواج های زیر ۱۵ سال دختران به شکل تصاعدی بالا برود.وی افزود: زمانی که اقتصاد کودک کار مختل شد، خانواده های کودکان کار دچار فروپاشی و شرایط اضطرار خواهند شد، بنابراین در شرایط اضطرار و به دلیل تحمل فشار فرساینده و با توجه به اینکه پسران در این خانواده ها بواسطه طرح جمع آوری کودکان کار از چرخه تولید خارج شده اند ، ممکن است این خانواده ها دختران خود را بیشتر و زودتر از قبل مجبور به ازدواج کنند .

تاج الدین با تاکید براینکه باید تبعات بلند مدت طرح جمع آوری کودکان کار را در نظر داشت، تصریح کرد: این کودکان پشت هر چراغ قرمز و پس از هر التماس یکبار درهم می شکسته و به لحاظ شخصیتی دچار اختلالات فراوان هستند، ازاین رو برخورد دفعی و تحکم آمیز همراه با دستگیری و جمع آوری می تواند در آینده منجر به شعله ور شدن حس انتقام جویی و حتی شکل گیری جرم نهادینه شده در قالب انتقام در این کودکان شود .

عضو هیات رئیسه کمیسیون اجتماعی،گفت: طرح جمع آوری کودکان کار و طرح هایی از این دست بیش از هر چیز نیاز به پیوست های اجتماعی دارد، پیوست هایی که تبعات اجتماعی و هزینه ها و فایده های طرح را کاملا بررسی و در بوته نقد قرار دهد

طبق تحقیقات حدود ۳۰درصد از کودکان خیابانی به مدرسه نمی روند و بیسواد هستند. اغلب کودکان خیابانی به دلیل اینکه از سنین پایین کودکی زندگی در خیابان را تجربه می کنند دچار مشکلات عدیده ای هستند...

## حق آیندگان

کودکان کار و خیابان دیگر از نوشته و گزارش و دلسوزی کارشان گذشته است. کافی است سر هر چهارراه پشت چراغ قرمز مانده باشید تا دو چشم به شیشه ماشین دوخته شود و هی بگوید: «دستمال بخر!»، «فال حافظ بگیر»، «گل زرد برای یار بخر!» کودکانی که در خیابان‌ها، اتوبوس، در مترو، پشت چراغ قرمز، کنار در رستوران‌ها ایستاده‌اند و «آقا، خانم، بخر» را دم گرفته‌اند.

این بچه‌ها ساعت کاری ندارند از صبح تا شب در خیابان هستند و واحدهای درسی شان را در خیابان پاس می‌کنند. انگار مدرسه ندارند، نه شیفت صبح می‌روند و نه شیفت بعداز ظهر. تمام شیفت‌های مدرسه را در خیابان مانده‌اند و می‌خواهند شب دست پر به خانه بروند، آخر ضرب و شتم برایشان سنگین است و بدن‌های نحیفشان حوصله کتک خوردن را هم ندارد چه برسد به اینکه به فکر حل مسئله ریاضی باشند! وقتی شکم گرسنه است دیگر انگار درس خواندن زورش کم می‌شود. کودکان کار و خیابان جزو قشری هستند که همیشه در معرض تهدید قرار دارند. نرخ ابتلای کودکان کار و خیابان به ایدز ۴۵ برابر جامعه است. از سویی دیگر، طبق تحقیقات حدود ۳۰ درصد از کودکان خیابانی به مدرسه نمی‌روند و بیسواد هستند. آمارها می‌گوید اوضاع کودکان کار و خیابان مناسب نیست.

به گزارش مهر، پژوهشی که در مورد بررسی وضعیت کودکان خیابانی انجام شده نشان می‌دهد که ۳۰٫۹ درصد کودکان خیابانی ۶ تا ۱۱ سال و ۹ درصد نیز زیر ۶ سال دارند و تعداد کودکان خیابانی غیرایرانی در استان‌های تهران، فارس، خراسان رضوی، بوشهر و اصفهان بیشتر از استان‌های دیگر است و همچنین ۳۰ درصد کودکان خیابانی به مدرسه نمی‌روند.

پژوهشی که در خصوص وضعیت کودکان خیابانی در سال گذشته توسط سازمان بهزیستی انجام شده است نشان می‌دهد که بیشترین آمار کودکان مربوط به گروه سنی ۶ تا ۱۱ سال است بنابراین می‌توان گفت که اغلب کودکان خیابانی به دلیل اینکه از سنین پایین کودکی زندگی در خیابان را تجربه می‌کنند بالطبع از سن کم از شانس یک زندگی رشد دهنده در کنار خانواده محروم شده و فرصت رشد و تکامل را در کنار خانواده از دست می‌دهند. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد بیشترین تعداد کودکان خیابانی را پسران تشکیل می‌دهند و همچنین بررسی اولیه وضعیت تابعیت مراجعان نشان می‌دهد که کودکان ایرانی ۷۵٫۱ درصد کودکان خیابانی را تشکیل می‌دهند.

## حق آیندگان

سیدحسن موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاری ایران درباره شرایط کودکان کار و خیابان به تهران امروز، می‌گوید: «یکی از موضوعاتی که همیشه با آن مواجه بوده‌ایم موضوع کودکان کار و خیابان بوده است.

در قانون کار هم موضوع کودکان کار پیش‌بینی شده است. ماده ۷۹ کار کودکان زیر ۱۵ سال را ممنوع کرده است. اما ماده ۸۰ گفته است، کسانی که ۱۵ تا ۱۸ سال دارند، کارگر نوجوان نامیده می‌شود. یعنی در قانون ما طبق شرایطی کار کودکان به رسمیت شناخته شده است. طبق ماده ۸۰ تا ۸۵ ساعت کارشان کمتر باشد، کار سلامت جسم و روانشان را تهدید نکند. حتی در مقابل نامه ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار که ایران پذیرفته است، آنجا هم کشورها را مکلف کرده که سن را تعریف نکنند. عدم تناقض از ۱۲ سال تا ۲۰ سال هم داریم. در آنجا منع اشکال کار کودکان پیش‌بینی شده و در ایران هم مصوب شده و ابلاغ کرده است. برنامه ساماندهی کودکان خیابانی هم سال ۷۸ تصویب می‌شود در هیات دولت و شرح وظایفی برای دستگاه‌های مختلف و مرتبط پیش‌بینی می‌شود. **کودک خیابانی معلول عوامل اجتماعی است** - سید حسن موسوی چلک، تاکید می‌کند:

«کودک خیابانی معلول یک سری عواملی است که آن عوامل دست سازمان‌های اجتماعی نیست. تقریباً قسمت عمده کودکان کار و خیابان برای تامین معاش خود و خانواده شان در خیابان کار می‌کنند. حالا یک عده ممکن است در باندهایی باشند، اما بخش عمده دست کسانی است که برای تامین معاش خود و خانواده‌ها کار می‌کنند. پس بخش اقتصادی تعیین کننده است.» رئیس انجمن مددکاری ایران، تاکید می‌کند: «ما چقدر به فکر همسایه‌هایمان هستیم. آیا باید همه مسئولیت‌ها را برعهده دولت گذاشت یا نه باید به عنوان شهروندان جامعه اسلامی نسبت به همدیگر احساس وظیفه کنیم .

رضا جهانگیری فرد، معاون توسعه خدمات اجتماعی سازمان رفاه شهرداری می‌گوید « شهرداری هیچ مسئولیت مستقیمی در امر ساماندهی کودکان کار برایش تکلیف نشده است. تکلیف اصلی براساس مصوبه هیات وزیران با بهزیستی است. سازمان بهزیستی قرار بوده از سازمان‌های همکار مثل شهرداری و سایر نهادها برای هماهنگی و تقسیم کار دعوت کند که هنوز این اتفاق بعد از

## حق آیندگان

سال‌ها نیفتاده است. به بهزیستی تاکید کردند که دستورالعمل اجرایی تدوین کنند و در مورد ساماندهی کودکان به نتیجه برسند. اما هنوز این اتفاق نیافتاده است. حتی شهرداری بارها خواسته است که برویم و راجع این موضوع هم فکری کنیم. طرح‌هایی را هم آماده کرده‌ایم. منتهی چون بهزیستی از لحاظ قانونی متولی این امر است، ما نمی‌توانیم خودمان اقدام کنیم.

نکته بعدی این است که کودکان کار، به‌ویژه کودکان کار و خیابان عموماً دارای خانواده هستند و وقتی واحدها و مددکارهای شهرداری آنها را جمع می‌کنند، منتقل‌شان می‌کنند به مراکز بهزیستی، ولی مراکز بهزیستی اجازه نگهداری این کودکان را براساس نظر قاضی ندارند و مکلف هستند فرد را تحویل خانواده بدهند و چون خانواده به کار کودک احتیاج دارد، دوباره بچه به خیابان بازمی‌گردد. چون خانواده‌ها به شدت نیازمند و آسیب دیده هستند. خانواده‌هایی که فرزندان‌شان را به خیابان می‌فرستند باید ساماندهی بشوند. بنابراین آنچه باید اتفاق بیفتد برای ساماندهی کودکان کار و خیابان در اصل خانواده‌هایشان باید ساماندهی بشوند و مورد حمایت‌های ویژه قرار بگیرند. تا این خانواده‌ها با حداقل‌هایی تامین نشوند، این موضوع ادامه دارد.



**خانواده‌های کودکان کار نیازمند کار کودک - رضاجهانگیری فرد، تاکید می‌کند: «بالغ بر ۹۰ درصد کودکان خیابانی که با آنها روبه‌رو هستیم دارای خانواده هستند. ناچاراً باید تحویل خانواده‌ها بشوند و خانواده‌ها هم نیازمند هستند در نتیجه این کودکان را وادار به کار می‌کنند، از تحصیل محروم می‌کنند از فرایندهای کودکانه محروم‌شان می‌کنند و با اجبار و زور**



## حق آیندگان

به خیابان می‌فرستندشان تا با پول به خانه بروند. وقتی با میزان پولی که تعیین کرده‌اند به خانه بازنگردند، با ضرب و شتم روبه‌رو می‌شوند. «جهانگیری فرد، تاکید می‌کند: «آنچه که باید برای ساماندهی این کودکان صورت بگیرد باید از ساماندهی خانواده‌هایشان آغاز شود»

## نهاد متولی امر کودکان کار، جدی نیست

«شهرداری بارها اعلام کرده است آماده‌ایم تا به مشکلات کودکان کار رسیدگی کنیم ولی نهاد متولی استقبالی نکرده است.» این گفته‌های معاون توسعه خدمات اجتماعی سازمان رفاه شهرداری تهران است. رضاجهانگیری فرد، درباره این سوال که چقدر به سازمان‌های مردم نهاد اجازه کمک برای حل معضلات کودکان کار داده می‌شود، می‌گوید: «وقتی این خلأ احساس شد که نهاد متولی خیلی جدی نیست که با ما کار بکند، خودمان طرحی را اجرا کرده‌ایم که به‌طور مستقیم در این زمینه دخالت نکنیم و سازمان‌های مردم نهادی را که در این زمینه فعال هستند را شناسایی کنیم و مورد حمایت قرار داده‌ایم. توافق کرده‌ایم کمک مالی کنیم و ساختمان به آنها اختصاص داده‌ایم. این افراد فقط می‌توانند خدمات حمایتی به این کودکان ارائه بدهند، اما نمی‌توانند آنها را از خیابان جدا کنند. فقط کاری می‌کنند که این کودکان کمتر آسیب ببینند.» از سویی دیگر، «کودک را ما نمی‌توانیم مستقیم نگره داریم. داخلشان اتباع بیگانه هم هستند. فعلاً کاری که می‌شود کرد استفاده از سازمان‌های مردم نهاد است؛ که این کودکان آسیب نبینند. معتاد نشوند و میزان آسیب را کاهش بدهیم»

**آمار کودکان کار در استان تهران ۱۴,۳ درصد - کودکان کار در استان تهران ۱۴,۳ درصد، سیستان و بلوچستان و خراسان رضوی ۶,۹ درصد، خوزستان ۶,۴ درصد، هرمزگان ۵,۸ و قم ۵,۷ درصد است.** براساس مطالعات انجام شده، حدود ۳۰ درصد از کودکان خیابانی را افرادی تشکیل می‌دهند که به مدرسه نمی‌روند به همین دلیل با توجه به ضرورت تحصیل کودکان در مدرسه به نظر می‌رسد سیستم آموزشی برای جذب این گروه از کودکان لازم است انعطاف بیشتری در برنامه‌های آموزشی خود داشته باشد.

### نرخ ابتلای کودکان کار و خیابان به ایدز ۴۵ برابر جامعه است

چندی پیش علی‌اکبر سیاری معاون وزیر بهداشت از آمار تکان‌دهنده ابتلا به ایدز بین کودکان کار و خیابان در ایران خبر داده بود. بر اساس مطالعه‌ای که درباره بروز و شیوع ایدز روی هزار کودک کار و خیابان در شهر تهران انجام شده ۵ / ۴ درصد آنها به ایدز مبتلا بوده‌اند. در همین زمینه رئیس مرکز تحقیقات ایدز ایران گفته بود: ۴ تا ۵ درصد از کودکان کار خیابان و ۲ درصد از زندانی‌ها و ۶ درصد از زنان روسپی به ایدز مبتلا هستند. دکتر مینو محرز رئیس مرکز تحقیقات ایدز ایران اعلام کرده است: «نرخ ابتلای کودکان کار و خیابان به ایدز ۵/۴ برابر جامعه است که از این افراد، یکسوم کودکان مبتلا ۱۰ تا ۱۴ ساله و دو سوم ۱۵ تا ۱۸ ساله هستند، متأسفانه فقر مستمری در زندگی کودکان کار وجود دارد که در حوزه سلامت آموزش و تغذیه این کودکان اثر سوء دارد. یزدانی، فعال حقوق کودک نیز درباره منبع اعلام این خبر تکان‌دهنده چندی پیش اعلام کرده بود: «طبق بررسی‌های دکتر راهور - مسئول پژوهش مرتبط با فقر بین کودکان خیابانی و عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا(س) - رشد فقر در کودکان کار و خیابان از سال ۸۴ تا ۸۸ روند صعودی داشته است. این فعال حقوق کودک با اشاره به خشونت‌هایی که علیه این بچه‌ها اعمال می‌شود، اعلام کرده مسئله کار کودکان به نوبه خود خشونت‌هایی است که علیه کودکان کار و خیابان اعمال می‌شود.» یزدانی، با اشاره به این نکته که بیش از ۳۲ درصد کودکان کار مورد آزار جسمی، روحی و جنسی قرار می‌گیرند، تأکید می‌کند: «طبق پژوهشی که در زمینه نرخ ابتلا به ایدز در کودکان کار توسط دکتر محرز - استاد دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی - انجام شده، نرخ ابتلای کودکان کار و خیابان به ایدز ۴/۵ درصد است و این نرخ نسبت به نرخ ابتلا به ایدز در جامعه که ۱/۰ درصد است، ۵/۴ برابر محسوب می‌شود.» وی با اشاره به این نکته که آسیب جدید دیگر نرخ بیسوادی و کم‌سوادی در کودکان کار است، می‌گوید: «۷۲ درصد این کودکان بیسواد و کم‌سواد هستند یا در حد ابتدایی سواد دارند و ۱۷ درصد کودکان کار و خیابان در تهران اصلاً مدرسه نرفته‌اند و این بیسوادی و کم‌سوادی در فرایند زندگی این افراد تأثیر سوء دارد.»

### حدود ۳۰ درصد از کودکان خیابانی به مدرسه نمی‌روند

آمار کودکان کار در استان تهران ۱۴,۳ درصد، سیستان و بلوچستان و خراسان رضوی ۶,۹ درصد، خوزستان ۶,۴ درصد، هرمزگان ۵,۸ و قم ۵,۷ درصد است. براساس مطالعات انجام شده، حدود ۳۰ درصد از کودکان خیابانی را افرادی تشکیل می‌دهند که به مدرسه نمی‌روند به همین دلیل با توجه به ضرورت تحصیل کودکان در مدرسه به نظر می‌رسد سیستم آموزشی برای جذب این گروه از کودکان لازم است انعطاف بیشتری در برنامه‌های آموزشی خود داشته باشد. این نتایج نشان می‌دهد ۶۰ درصد از کودکان خیابانی نه به دلیل نابسامانی وضعیت خانوادگی بلکه به دلیل فقر اقتصادی یا بیکاری و اعتیاد بد سرپرستی و نا آگاهی والدین راهی خیابان‌ها می‌شوند.

زیرا این درصد را کودکانی تشکیل می‌دهند که دارای هر دو والدین بوده و در کنار آنها زندگی می‌کنند اما باید توجه کرد که در جامعه فعلی ایرانی با توجه به الگوهای سنتی حا کم، خانواده هسته‌ای و گسترده همچنان بیشترین فراوانی را داشته و خانواده‌های تک والد و اشکال دیگر خانواده هنوز در جامعه متداول نشده‌اند. بنابراین نمی‌توان با رویکردی یکسو نگر وجود والدین در خانواده را مسبب حضور کودکان در خیابان دانست. همچنین این نکته نیز قابل توجه است که در خانواده‌هایی که یک یا هر دو والد فوت شده‌اند یا طلاق و تعدد زوجین وجود دارد، کودکان علاوه بر مشکلات اجتماعی ناشی از پدیده کودکان خیابانی، با پیامدهای ناگوار این مشکلات نیز روبه‌رو هستند. همچنین مطالعه مصرف مواد در بین کودکان خیابانی نشان می‌دهد که حدود ۵ درصد از پسران دارای سابقه مصرف مواد بوده‌اند همچنین این درصد در بین دختران نیز نزدیک یک درصد است بنابراین به نظر می‌رسد همانطور که برنامه‌های کاهش آسیب و مقابله با اعتیاد برای پسران خیابانی اهمیت دارد، لزوم توجه به دختران معتاد را نیز نباید نادیده گرفت.

کودکان کار و خیابان که سر هر چهارراه فال می‌فروشند، اما انگار فال خودشان سیاه است. نهادهای متولی آنها را به همدیگر پاس می‌دهند و هیچ‌کس نیست که به آنها بگوید با این دست‌های کوچک باید مشق بنویسند نه اینکه با دستمال شیشه ماشین‌ها را پاک کنند تا اگر

## حق آیندگان

خوش شانس باشند، راننده‌ای بی‌حوصله ۵۰۰ تومانی کف دست‌شان بگذارد یا اگر بدشانس باشند به او حرفی بزنند که قلبش بشکند اما نفهمد و برود سراغ ماشین دیگری پشت چراغی که همیشه برایشان قرمز است!

## اعتراض شبکه یاری کودکان کار

خبرگزاری هرانا - ادامه طرح ساماندهی کودکان کار با جمع‌آوری آنها در خیابان‌ها و دستگیری کودکان آب‌نبات‌فروش بروجرد «شبکه یاری کودکان کار» را به اعتراض واداشت. مجموعه سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه کودکان با ارسال نامه‌ای به وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی نسبت به تکرار روند دستگیری کودکان کار و شرایط نامناسب آنها در مراکز نگهداری هشدار داد و همچنین در نامه دیگری به رئیس شورای شهر بروجرد خواستار پیگیری دستگیرکنندگان کودکان آب‌نبات‌فروش شد.

به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از شهروند، در نامه شبکه یاری کودکان کار به وزیر تعاون با اشاره به این‌که در شهریور ماه جاری بر اساس «مصوبه فوریت‌های اجتماعی شورای اجتماعی کشور» جمع‌آوری کودکان کار در خیابان آغاز و با تلاش و پیگیری سازمان‌های غیردولتی و توجهات جنابعالی متوقف شد، آمده است: «اینک بر اساس شواهد موجود دستگیری این کودکان مجدداً آغاز شده است و آنان به مراکزی اعزام می‌شوند که از امکانات حداقل و ضروری برای زندگی کودکان برخوردار نیست. جهت استحضار جنابعالی اعلام می‌دارد طی سه دهه گذشته این سی‌ودومین باری است که جمع‌آوری کودکان کار انجام می‌گیرد؟



در ادامه این نامه اشاره شده است که «اگر قرار بود این شیوه موثر باشد باید تا کنون کودک کاری وجود نداشته باشد. در حالی که اگر بودجه‌های بالای جمع‌آوری کودکان کار صرف ایجاد مراکز اشتغالزایی برای خانواده‌های آنان می‌شد، مطمئناً تاکنون تعداد کودکان کار در خیابان کاهش چشمگیری پیدا کرده بود. بدون تردید جنابعالی استحضار دارید که بر اساس قوانین موجود کار کودک در خیابان آن هم به علت نیاز خانواده بر اساس قوانین موجود جرم نیست و نمی‌توان کودکی را به این علت دستگیر کرد. اگر کودکی بدسرپرست است، اولاً اثبات آن در کف خیابان امکانپذیر نیست و ثانیاً در صورت اثبات باید والدین او را دستگیر کرد، نه کودک را».

شبکه یاری کودکان کار در نامه به وزیر کار که رونوشتی از آن برای نجفی، شهردار محترم تهران و همچنین فاضل‌نژاد، مدیر بهزیستی شهر تهران ارسال شده، اعلام کرده که انتظار دارد با توجه به تأثیرات زیانبار دستگیری کودکان کار، برای آنان و خانواده‌هایشان تدبیری اتخاذ کنید تا اینگونه اقدامات که مصداق خشونت با کودکان است، متوقف شود.

نامه دیگر شبکه یاری محمدابراهیم بیاتی، رئیس شورای شهر بروجرد را خطاب قرار داده و با اشاره به رسالت این مجموعه به تأمین همه‌جانبه حقوق کودکان به‌ویژه کودکان کار آورده است: «به واسطه بروز برخی رفتارها و اقدامات ناشایست از شهردار شهر بروجرد، این شبکه بر خود تکلیف می‌داند ضمن اعلام مراتب اعتراض جدی نسبت به اقدام بروجرد در کودکان

## حق آیندگان

دستفروش و به‌ویژه اقدام قبیح و غیرانسانی آن مجموعه در نحوه برخورد با کودکان دستگیرشده و انتشار تصاویر آن‌که به طرز فاجعه‌باری رخ داده، بخشی از مطالبات خود را با عنایت به کارویژه‌ها و اختیارات در ماده ۷۱ قانون «تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران» عنوان کند.»

در ادامه این نامه با شرح این‌که اجرای طرح موسوم به ساماندهی کودکان کار از نیمه اول امسال تاکنون در سطح شهرهای بزرگ کشور به بدترین شکل ممکن جاری و ساری است، آمده: «در مواجهه با کودکان کار همچنان با برخوردهای قهری و غیرکارشناسانه مسئولان و نهادهای ذیربط شهری مواجه‌ایم، چرا که چنین اقداماتی مصداق بارز کودک‌آزاری است و در سطح گسترده موجبات نقض حقوق کودکان را فراهم آورده، در این خصوص فارغ از شیوه که مغایرت کامل با قوانین موضوعه و آیین‌نامه‌های مرتبط دارد، رفتار ناشایست با کودکان کار دستگیرشده در بروجرد نیز حاکی از عدم نظارت شورا بر عملکرد شهرداری به عنوان یکی از ارکان اجرایی طرح فوق‌الذکر است.»

در بخش دیگری از این نامه شبکه یاری کودکان کار که رونوشتی از آن برای محسن هاشمی، رئیس شورای شهر تهران فرستاده شده، مصرانه درخواست شده که «دستگیری کودکان کار که در مورد اخیر منجر به آسیب جدی به روح و روان کودکان دستفروش شده، پیگیری شود تا چنین اقدامات ضداجتماعی به فوریت متوقف شود.»

در نامه مجموعه سازمان‌های مردم‌نهاد فعال حوزه کودک، برمبنای مواد ۷۱ و ۷۳ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران، این شبکه تذکر مکتوب، همچنین برخورد قاطع نسبت به تخلف شهرداری بروجرد در ارتکاب رفتار ناشایست و غیرانسانی با کودکان کار دستگیرشده را خواستار شده و آورده است که «بدون تردید ضرورت دارد نهاد اجتماعی چون شورای شهر که تصمیمات و اقداماتشان به طور مستقیم با بدنه اجتماع سایش داشته، مطالبات اعضای این شبکه را در خصوص پاسخگویی نسبت به نحوه

حق آیندگان

برخورد با کودکان کار به طور ویژه مورد پیگیری قرار داده و با اتخاذ مواضعی روشن و شفاف در جهت اقناع افکار عمومی گام نهد.

### **ارائه کارت به کودکان کار برای زباله گردی**

خبرگزاری هرانا - مظفر الوندی فعال حقوق کودک گفت که فاصله بین جمع آوری تا بازیافت زباله عمدتاً توسط کودکان بین سنین ۱۰ الی ۱۵ سال پر می شود، آنها برای این کار حقوق دریافت می کنند، تحت نظر یک سیستم فعالیت می کنند، حتی کارت دارند و منطقه بندی شده اند یعنی به طور مثال تیم منطقه ۵ حق ورود به منطقه ۶ را ندارند؛ یعنی یک سازماندهی غیررسمی بین این کودکان وجود دارد که کسی نمی تواند منکر آن شود.



به گزارش خبرگزاری هرانا، مظفر الوندی (فعال حقوق کودک و دبیر سابق مرجع ملی حقوق کودک) در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا با اظهار نگرانی از وضعیت کودکان کار به ویژه “کودکان زباله گرد” بیان داشت: “در بحث زباله گردی کودکان، پیگیری هایی مقطعی زیادی انجام شد؛ حتی وزارت رفاه نیز به این مساله ورود پیدا کرد و کارگروهی نیز متشکل از سمن ها تشکیل و جلساتی برگزار شد. حتی قرار شد، یک مرکز علمی، بررسی کاملی را در سطح تهران برای این پدیده انجام دهد، چرا که پدیده ای فراگیر است.”

## حق آیندگان

وی افزود: “موضوع زباله گردی یک بحث چند وجهی است که متأسفانه وجود دارد، شهرداری شاید به صورت رسمی موضوع را تایید نمی کند، اما واقعیت این است که این افراد در اختیار پیمانکاران شهرداری هستند تا کار جمع آوری زباله را انجام دهند و مراکز نیز در حاشیه تهران وجود دارد که در این مراکز، تفکیک زباله انجام می شود و همچنین کودکان نیز در آن زندگی می کنند.”

دبیر سابق مرجع ملی حقوق کودک در ادامه گفت: “به طور دقیق و از نزدیک شاهد فعالیت چندین مرکز در حاشیه تهران بوده ایم، جلوگیری از فعالیت این کارگاه ها و مراکز تفکیک زباله نیازمند یک دستور اداری سریع از طرف شورای شهر و شهرداری است، آنها باید این مساله را بررسی کنند که چه اتفاقی می افتد که فرآیند جمع آوری با مراکز بازیافت از طریق کودکان انجام می شود. کودکان را سوار ماشین ها می کنند و آنها را به محوطه ای می برند تا در نهایت بسته هایی تولید شود تا به کارخانه های بازیافت ارسال شود.”

وی افزود: “فاصله بین جمع آوری تا بازیافت زباله عمدتاً توسط کودکان ایرانی و مهاجر بین سنین ۱۰ الی ۱۵ سال پر می شود، آنها برای این کار حقوق دریافت می کنند. تحت نظر یک سیستم فعالیت می کنند، حتی کارت دارند و منطقه بندی شده اند یعنی به طور مثال تیم منطقه ۵ حق ورود به منطقه ۶ را ندارند؛ یعنی یک سازماندهی غیررسمی بین این کودکان وجود دارد که کسی نمی تواند منکر آن شود. در نهایت نمایندگان شهرداری این مساله را به این شکل قبول ندارند، اما واقعیت این است که این کودکان در حال حاضر در بدترین شرایط مشغول به کار هستند و بازوی درآمدی خانواده های خود نیز به حساب می آیند.”

الوندی در ادامه بیان داشت: “وزارت کار با توجه به وظیفه ای که دارد، می تواند بازرسان خود را به این کارگاهها بفرستد و همچنین NGO ها نیز بارها اعلام آمادگی کردند که به عنوان یک وظیفه قانونی مداخله کنند چرا که کار این کودکان قانونی نیست. پلیس نیز می تواند محل های کار این کودکان را شناسایی کنند البته چند منطقه شناسایی و تحت عناوینی



## حق آیندگان

بازدید شده است، در نهایت شورای شهر و شهرداری باید این فرایند را یک بررسی مجدد کند تا مشخص شود از زمان دفع زباله تا مرحله بازیافت چه افرادی این فاصله را پر می کنند این کارسختی نیست.”

وی تاکید کرد: “مسئولان باید به وظیفه خود عمل کنند، البته وزارت رفاه با تشکیل کارگروه در این رابطه اقداماتی را انجام داد، اما چند ماهی است که در این رابطه سکوت خبری وجود دارد و حل این مساله مسلتزم این است که حتما برای چندین بار رسانه ها به این مساله ورود پیدا کند.”

این فعال حقوق خاطرنشان کرد: “به دلیل مسایل و مشکلاتی که در ماههای اخیر در کشور به وجود آمده است، بحث کودکان کار به حاشیه رانده شده و مساله کودکان زباله گرد نیز فراموش شده است.”

## بخش ۳

# کودکان بی هویت



## ۶۰ هزار کودک بی هویت در ایران

به گزارش «شيعه نيوز»، گرچه در برخی کشورهای دنیا، فرزند تابعیت را از خون مادر به ارث می‌برد و مادرش تابعیت هر کشوری را داشته باشد، فرزندش نیز متعلق به همان جا خواهد بود اما در ایران و بسیاری کشورهای دیگر، تابعیت از پدر بر فرزند به ارث می‌رسد بر اساس این قانون فرزندان حاصل از ازدواج دختران ایرانی و مردان خارجی شناسنامه و تابعیت خود را باید از کشور پدر دریافت کند و هیچ قانون حمایتی از این نوع کودکان در کشور ما وجود ندارد. جاوید سبحانی فعال حقوق کودکان با بیان اینکه بر اساس آمارهای غیر رسمی در حال حاضر بیش از ۶۰ هزار کودک بی هویت و بی شناسنامه در کشور وجود دارد که حاصل ازدواج دختران ایرانی با پدران خارجی است



جاوید سبحانی، با تاکید بر اینکه باید قوانین حمایتی و مشخصی در مورد کودکان حاصل از ازدواج دختران ایرانی با پدران خارجی تدوین شود افزود: وقوع برخی بحران‌های منطقه‌ای موجب هجوم مهاجران و پناهندگان از کشورهای اطراف و فقیر نظیر افغانستان، عراق و پاکستان به کشور ما شده است این مهاجران در داخل با دختران ایرانی ازدواج و تشکیل خانواده داده‌اند که تعداد آنها در شهرهای شرقی بخصوص سیستان بلوچستان و خراسان بیشتر

## حق آیندگان

از شهرهای دیگر است اما با توجه به اینکه تابعیت در ایران از پدر به فرزند می رسد هیچ قانون حمایتی از این کودکان در کشور وجود ندارد

وی در ادامه تصریح کرد: بر اساس قانون ایران کودکانی که از پدر خارجی متولد شده اند باید شناسنامه خود را از کشور پدری دریافت کنند و تا زمانی که شناسنامه نداشته باشند این کودکان هیچ هویتی در ایران ندارند و از تمامی حقوق شهروندی نظیر حق بهداشت، بیمه، آموزش و غیره محروم هستند. اگر موفق به دریافت شناسنامه نیز شوند در ایران به عنوان مهاجر محسوب می شوند باید برای اقامت نیز باید بر اساس قانون و مقررات رفتار کنند.

این عضو انجمن حقوق کودکان ایران، متاسفانه آمارهای رسمی و دقیقی در خصوص تعداد این کودکان بی هویت و بی شناسنامه در کشور وجود ندارد اما آمارهای غیر رسمی از آمار بالای ۶۰ هزار نفر این کودکان بی هویت حاکی دارد. کودکانی که به دلیل عدم حمایت های قانونی بی هویت هستند و از تمامی حقوق شهروندی بی بهره شده اند. به گفته این جامعه شناس، حضور این تعداد پرشمار مهاجران خارجی، تبعات حقوقی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زیادی را برای کشور ایجاد کرده است. مهاجرانی که با دختران ایرانی ازدواج می کنند، بچه دار می شوند، بچه هایشان نیاز به تحصیل و مدرسه دارند و خانواده جدیدی که نیاز به حمایت های اجتماعی دارد؛ همه اینها دارای اثرات حقوقی است که عدم توجه به هریک از آنها می تواند مشکلات زیادی را به لحاظ اجتماعی در کشور ایجاد کند. سبجانی یادآور شد: به دلیل اینکه کودکانی که در تابعیت خود دچار مشکل هستند از تمامی امکانات شهروندی محروم هستند به همین دلیل از همان دوران کودکی وارد مشاغل کاذب شده مورد انواع سواستفاده ها، بهره کشی ها و نیروی کار ارزان می شوند در نتیجه انواع آسیب ها و بزهکاری های اجتماعی افزایش می یابند و هزینه های بسیار سنگینی را به جامعه وارد می کنند. وی خاطر نشان کرد: ایران از جمله کشورهایی است که عضو کنفدراسیون جهانی حقوق کودک است و متعهد به رعایت حقوق کودکان شده است اما هیچ قانون حمایتی از کودکانی که حاصل ازدواج پدر خارجی و مادر ایرانی هستند وجود ندارد. در حالی که بر اساس مفاد این کنفدراسیون، تمامی کشورها باید فارغ از هر مذهب، نژاد، فرهنگ و زبان حقوقی برای تمامی کودکان از جمله کودکان مهاجر یا با تابعیت غیر ایرانی تدوین کنند

## حق آیندگان

سبحانی در پایان خاطر نشان کرد: اگرچه آمارهای رسمی حاکی از حضور حدود یک میلیون مهاجر رسمی و دارای برگه اقامت در کشور است، اما آن گونه که وزیر کشور گفته است: در حال حاضر حدود ۲,۵ میلیون مهاجر بیگانه در کشور حضور دارند. این مهاجران عمدتاً افغانی بوده و با دختران ایرانی ازدواج کرده اند. ازدواج هایی که چه بسا به ثبت نرسیده و وجود کودکانی بی شناسنامه، بی هویت و بدون برخورداری از حمایت های حقوقی و سیاسی و اجتماعی دولت، حاصل چنین ازدواج هایی است. وجود چنین کودکانی می تواند بالفعل و بالقوه بستر افزایش جرم را فراهم نموده و تهدیداتی را برای سلامت جامعه فراهم آورد. بنابراین بررسی این موضوع و تدوین قوانین حمایتی از این کودکان، نه تنها از لحاظ جنبه فردی و رعایت حقوق بشر بلکه به لحاظ حفظ امنیت و ثبات اجتماعی نیز حائز اهمیت است.

## بی هویتی جرمی برای کودکان بی شناسنامه

با وجود تسهیل در ثبت نام کودکان فاقد شناسنامه اما هنوز افرادی هستند که به دلیل نداشتن هویت اجازه ورود به کلاس های درس را پیدا نمی کنند.



به گزارش جهان نیوز ، مادر این جمله را با خود تکرار می کند "من ایرانی هستم، گناه فرزندانم چیست که نمی توانند در کشور مادری شان درس بخوانند" و بعد سیل اشک هایش جاری می شود. او ۲ فرزند پسر دارد. یکی ۱۵ ساله و دیگری ۱۱ ساله، پسرهایش به دلیل نداشتن شناسنامه هیچ گاه نتوانسته اند پشت نیمکت مدرسه بنشینند. آنها آرزوی تحصیل را

## حق آیندگان

در سر می‌پروراندند، اما فرصتی برای تحصیل پیدا نکرده‌اند. داستان ابراهیم و اسماعیل، داستان هزاران کودک و نوجوانی است که به دلیل نداشتن شناسنامه از بسیاری از حقوق اولیه خود محروم مانده‌اند. آن‌ها اکنون در شهر زاهدان زندگی می‌کنند و تلاش‌های مادرشان نیز برای گرفتن شناسنامه و یا یک تاییده برای فرستادن فرزندانش به مدرسه بی نتیجه باقی مانده است. در میان صحبت‌های مادر، اسماعیل، پسر بزرگ زینب به میان بحث می‌آید و می‌گوید: مادرم همیشه می‌گوید که شرمنده ما است و از اینکه نتوانسته برای تحصیل ما کاری کند، ناراحت است. وی می‌افزاید: از زمانی که ابراهیم به دنیا آمد، پدرم ما را ترک کرد. او اهل کشور افغانستان بود، اما ما در ایران متولد و بزرگ شده ایم. آرزوی ما داشتن شناسنامه ایرانی است، آرزویی که تحقق آن بعید به نظر می‌رسد. اسماعیل از روزهای دشواری می‌گوید که پشت سر گذاشته و می‌گوید: بعد از اینکه موفق نشدم درس بخوانم، تصمیم گرفتم کار کنم، اما کسی حاضر نبود به یک فرد بی هویت کار دهد. روزها به دنبال کار بودم تا یک نفر که خودش هم اهل سیستان و بلوچستان است و به دلیل بی شناسنامه بودن، خودش از بچگی با درد بی هویتی آشنا بود، پذیرفت که من در مغازه تعویض روغنی او کار کنم. اسم مغازه تعویض روغنی را که به زبان می‌آورد، چند ثانیه‌ای مکث می‌کند، گویا دیگر قادر به صحبت کردن نیست. به دستانش نگاه می‌کند و می‌گوید: من هم می‌توانستم درس بخوانم و مهندس و یا پزشک شوم، اما جرم من بی هویت بودنم است. در حال حاضر آمار دقیقی از افراد بی هویت در کشور موجود نیست و بر اساس آمار در استان‌های قم، خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان بیشترین افراد بی هویت زندگی می‌کنند. احمد میدری، معاون رفاهی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در رابطه با وضعیت افراد بی هویت می‌گوید: بر اساس قانون مدنی اگر زن ایرانی با مرد غیر ایرانی ازدواج کند، فرزند آن‌ها نمی‌تواند تابعیت ایرانی داشته باشد و به همین خاطر نیز شاهد هستیم که تعداد قابل توجهی کودک و نوجوان فاقد شناسنامه در کشور زندگی می‌کنند.

معاون رفاهی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به وضعیت دریافت شناسنامه برای فرزندان زنان ایرانی و مردان غیر ایرانی می‌گوید: فرزندان این افراد تا زمانی که به سن ۱۸

## حق آیندگان

سالگی نرسند نمی‌توانند تابعیت خود را انتخاب کنند. در همین رابطه، جلیل رحیمی جهان آبادی، نماینده تربت جام، تایباد و باخرز در مجلس نیز می‌گوید: مجلس رسیدگی به وضعیت تابعیت فرزندان مادران ایرانی و پدر غیرایرانی را در دست بررسی دارد و اعتقاد ما این است که ضعف‌های گذشته باید برطرف شود. وی در خصوص تعداد افراد فاقد شناسنامه در کشور می‌گوید: پیش از این مجلس طرحی را دنبال می‌کرد و آن زمان اعلام شد که آمار افراد فاقد شناسنامه، بیش از یک میلیون نفر است، اما مسئولان دولت به ما اعلام کردند که این آمار صحت ندارد. در این شرایط، اما باید به این موضوع توجه شود که آمار افراد فاقد شناسنامه در کشور قابل توجه است و باید به مشکلات این افراد رسیدگی شود به دلیل نداشتن هویت، علاوه بر اینکه کودکان و نوجوان زیادی از اولیه‌ترین حقوق خود از جمله تحصیل، معیشت و بهداشت محروم شده‌اند، نهادهای حمایتی نیز هیچ کمکی به آن‌ها نمی‌کنند. افراد فاقد هویت هیچ جایی در آمار کمیته امداد امام خمینی (ره) و یا سازمان بهزیستی ندارند. فاطمه دانشور، رئیس سابق کمیته اجتماعی شورای شهر تهران و مدیرعامل موسسه خیریه مهرآفرین در رابطه با وضعیت افراد بی‌هویت در کشور می‌گوید: افرادی که دارای مادر ایرانی و پدر غیر ایرانی هستند به نوعی، زاده ایران بوده و بی‌هویت ماندن آن‌ها می‌تواند در آینده، تبعات زیادی را به همراه داشته باشد. وی می‌افزود: افراد بی‌هویت علاوه بر اینکه رنج بی‌هویتی را تحمل می‌کنند به یک بار روانی دچار بوده و به دلیل تحقیر شدگی طولانی مدت در طی مسیر رشد خود، همواره با حس مازاد بدون مواجه هستند. رئیس سابق کمیته اجتماعی شورای شهر تهران با اشاره به طرح وزارت تعاون برای شناسایی مادرانی که با مردان غیر ایرانی ازدواج کرده‌اند می‌گوید: وزارت تعاون برای شناسایی مادران ایرانی که با مردان غیر ایرانی ازدواج کرده‌اند فراخوان داد، اما به این خاطر که این فراخوان بسیار ضعیف بود، تعداد اندکی از افراد متوجه شدند که باید برای قرار گرفتن در آمار، ثبت نام انجام دهند. دانشور می‌افزاید: این افراد نه روزنامه می‌خوانند و نه مجله و نحوه اطلاع‌رسانی به آن‌ها باید به نوعی باشد که از فراخوان‌ها مطلع شوند. همچنین باید به این موضوع توجه شود که بسیاری از افراد فاقد شناسنامه به دلیل ترس از رد مرز شدن، حاضر به معرفی خود نیستند. وی با ارائه پیشنهادی مبنی بر اختصاص کارت ملی به تمام افراد جامعه می‌گوید: می‌توان با بهره‌گیری از راهکاری، مشکل

## حق آیندگان

افراد فاقد هویت را برطرف کرد. همانند بسیاری از کشورها، باید کارت ملی به همه افراد تعلق گرفته و تنها شناسنامه برای کسانی باشد که تابعیت ایران را دارند. رئیس سابق کمیته اجتماعی شورای شهر تهران می‌افزاید: کارت ملی‌ها هم می‌تواند سطح بندی شود. با این روش تمام افراد می‌توانند از حقوق اولیه بهره‌مند شوند. تعداد کودکان بی شناسنامه کم نیستند، آن‌ها نه جایی در آمار دارند و نه از حقوق اولیه برخوردارند. بر اساس بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران تابعیت ایرانی از طریق مادر به فرزندان متولد شده در ایران منتقل نمی‌شود و فرزندان زن ایرانی دارای همسر بیگانه فقط در صورتی ایرانی محسوب می‌شوند که تا سن ۱۸ سالگی در ایران بمانند.

هر جمله‌ای که می‌گویند، نگاهی به دو پسرش می‌کند که لباس بلوچی بر تن دارند. ترک‌های دستش، گویای روزهای سختی است که پشت سر گذاشته است. در سن ۴۱ سالگی به مانند پیر زنی ۶۰ ساله می‌ماند، زیرا تمام سال‌ها به تنهایی بار زندگی را بر دوش کشیده است. در میان صحبت‌های مادر، اسماعیل، پسر بزرگ زینب به میان بحث می‌آید و می‌گوید: مادرم همیشه می‌گوید که شرمنده ما است و از اینکه نتوانسته برای تحصیل ما کاری کند، ناراحت است. وی می‌افزاید: از زمانی که ابراهیم به دنیا آمد، پدرم ما را ترک کرد. او اهل کشور افغانستان بود، اما ما در ایران متولد و بزرگ شده ایم. آرزوی ما داشتن شناسنامه ایرانی است، آرزویی که تحقق آن بعید به نظر می‌رسد. اسماعیل از روزهای دشواری می‌گوید که پشت سر گذاشته و می‌گوید: بعد از اینکه موفق نشدم درس بخوانم، تصمیم گرفتم کار کنم، اما کسی حاضر نبود به یک فرد بی هویت کار دهد. روزها به دنبال کار بودم تا یک نفر که خودش هم اهل سیستان و بلوچستان است و به دلیل بی شناسنامه بودن، خودش از بچگی با درد بی هویتی آشنا بود، پذیرفت که من در مغازه تعویض روغنی او کار کنم. اسم مغازه تعویض روغنی را که به زبان می‌آورد، چند ثانیه‌ای مکث می‌کند، گویا دیگر قادر به صحبت کردن نیست. به دستانش نگاه می‌کند و می‌گوید: من هم می‌توانستم درس بخوانم و مهندس و یا پزشک شوم، اما جرم من بی هویت بودنم است. در حال حاضر آمار دقیقی از افراد بی هویت در کشور موجود نیست و بر اساس آمار در استان‌های قم، خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان



## حق آیندگان

بیشترین افراد بی هویت زندگی می‌کنند. احمد میدری، معاون رفاهی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در رابطه با وضعیت افراد بی هویت می‌گوید: بر اساس قانون مدنی اگر زن ایرانی با مرد غیر ایرانی ازدواج کند، فرزند آن‌ها نمی‌تواند تابعیت ایرانی داشته باشد و به همین خاطر نیز شاهد هستیم که تعداد قابل توجهی کودک و نوجوان فاقد شناسنامه در کشور زندگی می‌کنند.

معاون رفاهی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به وضعیت دریافت شناسنامه برای فرزندان زنان ایرانی و مردان غیر ایرانی می‌گوید: فرزندان این افراد تا زمانی که به سن ۱۸ سالگی نرسند نمی‌توانند تابعیت خود را انتخاب کنند. در همین رابطه، جلیل رحیمی جهان آبادی، نماینده تربت جام، تایباد و باخرز در مجلس نیز می‌گوید: مجلس رسیدگی به وضعیت تابعیت فرزندان مادران ایرانی و پدر غیرایرانی را در دست بررسی دارد و اعتقاد ما این است که ضعف‌های گذشته باید برطرف شود. وی در خصوص تعداد افراد فاقد شناسنامه در کشور می‌گوید: پیش از این مجلس طرحی را دنبال می‌کرد و آن زمان اعلام شد که آمار افراد فاقد شناسنامه، بیش از یک میلیون نفر است، اما مسئولان دولت به ما اعلام کردند که این آمار صحت ندارد. در این شرایط، اما باید به این موضوع توجه شود که آمار افراد فاقد شناسنامه در کشور قابل توجه است و باید به مشکلات این افراد رسیدگی شود. به دلیل نداشتن هویت، علاوه بر اینکه کودکان و نوجوان زیادی از اولیه‌ترین حقوق خود از جمله تحصیل، معیشت و بهداشت محروم شده‌اند، نهادهای حمایتی نیز هیچ کمکی به آن‌ها نمی‌کنند. افراد فاقد هویت هیچ جایی در آمار کمیته امداد امام خمینی (ره) و یا سازمان بهزیستی ندارند. فاطمه دانشور، رئیس سابق کمیته اجتماعی شورای شهر تهران و مدیرعامل موسسه خیریه مهرآفرین در رابطه با وضعیت افراد بی هویت در کشور می‌گوید: افرادی که دارای مادر ایرانی و پدر غیر ایرانی هستند به نوعی، زاده ایران بوده و بی هویت ماندن آن‌ها می‌تواند در آینده، تبعات زیادی را به همراه داشته باشد. وی می‌افزود: افراد بی هویت علاوه بر اینکه رنج بی هویتی را تحمل می‌کنند به یک بار روانی دچار بوده و به دلیل تحقیر شدگی طولانی مدت در طی مسیر رشد خود، همواره با حس مازاد بدون مواجه هستند. رئیس سابق کمیته اجتماعی شورای شهر تهران با

## حق آیندگان

اشاره به طرح وزارت تعاون برای شناسایی مادرانی که با مردان غیر ایرانی ازدواج کرده اند می‌گوید: وزارت تعاون برای شناسایی مادران ایرانی که با مردان غیر ایرانی ازدواج کرده اند فراخوان داد، اما به این خاطر که این فراخوان بسیار ضعیف بود، تعداد اندکی از افراد متوجه شدند که باید برای قرار گرفتن در آمار، ثبت نام انجام دهند. دانشور می‌افزاید: این افراد نه روزنامه می‌خوانند و نه مجله و نحوه اطلاع رسانی به آن‌ها باید به نوعی باشد که از فراخوان‌ها مطلع شوند. همچنین باید به این موضوع توجه شود که بسیاری از افراد فاقد شناسنامه به دلیل ترس از رد مرز شدن، حاضر به معرفی خود نیستند. وی با ارائه پیشنهادی مبنی بر اختصاص کارت ملی به تمام افراد جامعه می‌گوید: می‌توان با بهره‌گیری از راهکاری، مشکل افراد فاقد هویت را برطرف کرد. همانند بسیاری از کشورها، باید کارت ملی به همه افراد تعلق گرفته و تنها شناسنامه برای کسانی باشد که تابعیت ایران را دارند. رئیس سابق کمیته اجتماعی شورای شهر تهران می‌افزاید: کارت ملی‌ها هم می‌تواند سطح بندی شود. با این روش تمام افراد می‌توانند از حقوق اولیه بهره‌مند شوند. تعداد کودکان بی شناسنامه کم نیستند، آن‌ها نه جایی در آمار دارند و نه از حقوق اولیه برخوردارند. بر اساس بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران تابعیت ایرانی از طریق مادر به فرزندان متولد شده در ایران منتقل نمی‌شود و فرزندان زن ایرانی دارای همسر بیگانه فقط در صورتی ایرانی محسوب می‌شوند که تا سن ۱۸ سالگی در ایران بمانند.

## تولد کودکان بی هویت بحرانی جدی در کشور

خانه ملت؛ حبیب اله دهمرده، با بیان اینکه درصد قابل توجهی در استان سیستان و بلوچستان از داشتن شناسنامه و اسناد هویتی محروم هستند این معضل را از مشکلات حاد استان‌های مرزی مانند سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی و جنوبی دانست و گفت: واقعیت این است که آمار دقیقی از این افراد در دست نبوده و به دلیل نداشتن اسناد هویتی و سجلی با مشکلات زیادی مواجه هستند. تولد کودکان بی هویت را بحران و خطری جدی / بیشترین مراجعات مردمی به دفتر نماینده‌های استان سیستان و بلوچستان را افراد فاقد شناسنامه تشکیل می‌دهد.

## حق آیندگان

دهد. نماینده مردم زابل، زهک و هیرمند در مجلس شورای اسلامی، تولد کودکان بی هویت را بحران و خطری جدی خواند و با بیان اینکه بیشترین مراجعات مردمی به دفتر نماینده های استان سیستان و بلوچستان را افراد فاقد شناسنامه تشکیل می دهد، افزود: البته درصد قابل توجهی از بی شناسنامه ها در استان سیستان و بلوچستان را فرزندان حاصل از مادر ایرانی و پدر خارجی تشکیل می دهد که در این باره روزانه افراد زیادی برای رفع مشکلات هویتی خود با نمایندگان حوزه انتخابیه سیستان تماس گرفته یا به دفتر آنها مراجعه می کنند.

وی یادآور شد: در دوران گذشته برخی از مردم استان سیستان و بلوچستان به دلایلی مانند بی سوادی و ناآگاهی، نبود ثبت احوال در محل، فقدان راه ارتباطی و صعب العبور بودن مناطق، فقر اقتصادی و زایمان در منزل موفق به دریافت شناسنامه برای فرزند خود نشدند و در حال حاضر فرزندان آنها علیرغم نیاز شدید مالی و فقر اقتصادی به دلیل نداشتن اسناد هویتی و سجلی از حقوق شهروندی و خدمات عمومی و دولتی مانند بیمه درمانی، تحصیل، دریافت یارانه، انشعاب آب، تلفن و گاز و دیگر امکانات محروم و با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می کنند. افراد فاقد شناسنامه در استان سیستان و بلوچستان تلفیقی از هموطنان ایرانی و اتباع خارجی هستند. این نماینده مردم در مجلس دهم، با بیان اینکه افراد فاقد شناسنامه در استان سیستان و بلوچستان تلفیقی از هموطنان ایرانی و اتباع خارجی هستند، تصریح کرد: از سویی از آنجایی که برخی از ازدواج های اتباع بیگانه با زنان ایرانی شکل قانونی به خود نگرفته و در جایی ثبت نشده بنابراین فرزندان آنها از اسناد سجلی و شناسنامه بی بهره و با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می کنند؛ البته برخی از بی شناسنامه ها به صورت غیرقانونی از شناسنامه افراد فوت شده استفاده و حتی برخی از آنها با ارائه چند شاهد به ثبت احوال دال بر ایرانی بودن صاحب شناسنامه می شوند. مشکل هویتی ایرانی های فاقد شناسنامه در سیستان و بلوچستان هنوز رفع نشده/ ناهماهنگی دستگاهی علت عدم رفع مشکلات بی شناسنامه ها این نماینده مردم در مجلس دهم، با انتقاد از اینکه مشکل هویتی ایرانی های فاقد شناسنامه در سیستان و بلوچستان هنوز رفع نشده ناهماهنگی دستگاهی را در عدم رفع مشکلات این افراد موثر دانست و تصریح کرد: هر چند مشکل واحد تمامی افراد بی شناسنامه نداشتن اسناد هویتی است اما به دلیل داشتن شرایط مختلف نمی توان سیاست واحدی را در مورد آنها به کار برد زیرا برخی از این افراد دارای پدر و مادر ایرانی و برخی دارای پدر افغانی، پاکستانی یا عراقی و مادر ایرانی هستند. تعیین تکلیف وضعیت افراد بی شناسنامه نیازمند همکاری هماهنگ استانداری سیستان و بلوچستان و وزارت کشور نماینده مردم زابل، زهک و هیرمند در

## حق آیندگان

مجلس دهم، تعیین تکلیف وضعیت افراد بی شناسنامه را نیازمند همکاری هماهنگ استانداری و وزارت کشور دانست و گفت: می طلبد وزارت کشور با ورود به این موضوع سازوکارهای لازم را اتخاذ کند تا شورای تامین شهرستان ها و استانی بر اساس آن نسبت به رفع این مشکل اقدام و افراد فاقد شناسنامه از بلا تکلیفی نجات یابند. عضو مجمع نمایندگان استان سیستان و بلوچستان مجلس شورای اسلامی، با تاکید بر اینکه برای تعیین تکلیف رفع مشکلات فرزندان بی شناسنامه حاصل از زنان ایرانی با اتباع بیگانه بهتر است طرح اصلاح موادی از قانون تابعیت هر چه سریع تر تعیین تکلیف شود، افزود: از کمیسیون اجتماعی مجلس تقاضا می رود برای رفع مشکلات افراد بی شناسنامه هر چه سریع تر نسبت به تعیین تکلیف این طرح اقدام کنند.



## بخش ۴

# کودکان اعتیاد



حاشیه‌نشین‌هایی که بقایشان وابسته به اقتصاد موادمخدر است

## حق آیندگان

مدیرعامل جمعیت امام علی (ع) با انتقاد از اینکه سامانه اورژانس اجتماعی کارآمدی لازم را در قبال این حجم از آسیب‌های اجتماعی ندارد، گفت: این سامانه به دلیل محدودیت اختیارات قانونی و حقوقی، امنیت کارمندان و مشکلات مالی، سازوکار اجرایی مناسبی ندارد.

به گزارش ایسنا، زهرا رحیمی در نشست تحلیل «بزه‌دیده شناسی کودک‌آزاری»، با بیان اینکه اولین اقدام مددکاران جمعیت امام علی در مواجهه با موارد کودک‌آزاری تماس با اورژانس اجتماعی است توضیح داد: با این وجود مددکاران اورژانس اجتماعی بعد از اطلاع از موارد کودک‌آزاری و حضور در محل برای دسترسی به کودک و خارج کردن او از خانه نیاز به حکم قاضی دارند.

### لزوم تغییر در ساختار اورژانس اجتماعی

وی با انتقاد از ساز و کار اجرایی اورژانس اجتماعی برای رسیدگی به وضعیت کودکان بزه دیده اظهار کرد: ساختار این مرکز به گونه‌ای است که از خود والدین یا سرپرستان کودک درباره اینکه آیا کودک را مورد آزار قرار داده اند یا نه؟ سوال پرسیده می‌شود. بنابراین باید در عملکرد و ساختار اورژانس اجتماعی تغییر جدی صورت بگیرد.

رحیمی با بیان اینکه در دستگاه قضایی برای کودکان بزه‌کار دادگاه ویژه‌ای تشکیل می‌شود، تاکید کرد: این درحالیست که در این دستگاه کودک بزه دیده در همان دادگاهی حاضر می‌شود که افراد بزرگسال حضور دارند. بنابراین جایگاه حساس کودک در نظر گرفته نمی‌شود و نسبت به آنها تفاوت و ملاحظاتی وجود ندارد.

بعضا وضعیت کودک بزه دیده بعد از جدایی از خانواده بدتر می‌شود. مدیرعامل جمعیت امام علی (ع) با اشاره به اینکه گاهی وضعیت کودک بزه دیده بعد از جدایی از خانواده بدتر می‌شود، افزود: گاهی وضعیت برخورد با کودک بزه دیده بعد از جدایی از خانواده آزارگر بدتر می‌شود. همچنین گاهی وضعیت برخورد با کودکان بزه دیده جنسی آنطور که باید مناسب

## حق آیندگان

نیست و فرایند مددکاری برای بهبود وضعیت روحی و روانی آنها در مراکز بهزیستی به درستی لحاظ نشده است.

وی با بیان اینکه ۶۰ درصد از کودکان از کودکان بزه دیده منطقه پاکدشت در این وضعیت قرار دارند، اظهار کرد: این وضعیت برای پسران نیز وجود دارد و تنها مختص دختران نیست. در این مراکز ساختار نگهداری خشکی وجود دارد و برخی مددکاران به شکل شخصی نسبت به این کودکان ابراز محبت و دلسوزی می کنند.

### شکل مناطق حاشیه‌نشین پاکسازی نمی‌شود

رحیمی با بیان اینکه تفاوت‌های مناطق حاشیه‌نشین به دلیل شنیده نشدن صدایشان، دیده نمی‌شود، افزود: ساکنان محلات حاشیه‌نشین یا افرادی هستند که به لحاظ مالی ضعیف‌اند و یا از مجرمانی تشکیل شده‌اند که قصد دارند در این بخش از شهر پنهان شوند. فردی که نمی‌تواند خودش را در اقتصاد شهر پایدار نگه دارد، پازل گمشده چرخه اقتصادی اش را در فرایند قاچاق کالا و مواد مخدر پیدا می‌کند و در نهایت این قاچاقیان عمده فروش، افراد خرده پایی را در مناطق حاشیه‌ای پیدا می‌کنند.

وی با بیان اینکه شکل ظاهری مناطق حاشیه‌نشین به این دلیل که برای چرخه بزه، به شکل امن باقی بماند، پاکسازی نمی‌شود، اظهار کرد: ممکن است این مناطق به لحاظ ظاهری با هم متفاوت باشند اما در چنین ویژگی‌هایی مشترک هستند. کودکان ساکن این مناطق از امکانات رفاهی، مدرسه، تامین نیازهای اولیه و... محروم هستند.

رحیمی با تاکید بر اینکه کودکانی که از امکانات رفاهی و شناسنامه بی بهره‌اند دچار یک کودک‌آزاری ساختاری هستند، تصریح کرد: فقر به دنبال خودش فرهنگی را به همراه می‌آورد که در این مناطق نهادینه شده‌است، یکی از مصادیق این فرهنگ نوع رفتار با کودکان است. بقای برخی خانواده‌ها در مناطق حاشیه‌نشین وابسته به اقتصاد مواد مخدر است

## حق آیندگان

مدیر عامل جمعیت امام علی (ع) در ادامه افزود: برای مثال در این مناطق پدری که نمی تواند نقش خودش را ایفا کند، حضور خودش را با ضرب و شتم کودک یا همسرش نشان می دهد. شیوع این مسائل در مناطق حاشیه‌ای به دلایل فرهنگی است.

وی با اشاره به مساله مواد مخدر که بخشی از اقتصاد مناطق حاشیه نشین را تشکیل می دهد اظهار کرد: بقای برخی خانواده ها در این مناطق به اقتصاد مواد مخدر وابسته است. همچنین گاهی خانواده‌های بی پولی که به مناطق حاشیه‌ای می آیند به مثابه بازار مصرف قاچاقچیان در نظر گرفته می شوند. این مساله باعث رفتارهایی مانند تجاوز یا آسیب به کودکان به دلیل سوء مصرف شیشه می شود.

## لزوم اتخاذ سیاستهای کلان برای مهاجران غیرقانونی مناطق حاشیه‌ای

رحیمی در ادامه یکی از ارکان مناطق حاشیه‌ای را مهاجران غیر قانونی دانست و افزود: این افراد در کشور ما حضور دارند اما با هیچ مدرکی شناخته نمی شوند. اگر جرمی در قبال این افراد رخ دهد آنها نمی توانند اعاده حق کنند چرا که اولین خطر برای آنها رد مرز است. بنابراین ما نیاز به اتخاذ سیاست های کلان برای مهاجران غیرقانونی داریم.

فرجی‌ها: عمق آسیب‌های اجتماعی به گونه‌ای نیست که با چند لایحه و دوره آموزشی برطرف شود. به گزارش ایسنا، محمد فرجی ها، استاد دانشگاه با انتقاد از اینکه گاهی نهادهای رسمی از به رسمیت شناختن پدیده «کودک‌آزاری» طفره می‌روند، گفت: به نظر می‌رسد اتکا ما به ابزارهای کیفری برای حل معضل کودک‌آزاری و انتظاراتمان از مداخلات کیفری بیش از اندازه است. مداخلات کیفری زمانی اثر بخش هستند که در تعامل با مداخلات حمایتی و اجتماعی باشند. وی با تاکید بر اینکه باید گام بزرگی در راستای احیای ظرفیت‌های جامعه مدنی برداریم، افزود: میزان فاجعه در حوزه آسیب‌های اجتماعی بسیار عمیق تر از آن است که تعداد محدودی NGO به این مسائل بپردازند. دولت هم نگاه رسمی به این مسائل دارد و اگر بخواهد به درستی نقش خود را ایفا کند، تنها می‌تواند نگاهی تنظیم‌گر نسبت به این فعالیت‌ها



## حق آیندگان

داشته باشد. حجم کار و عمق آسیب های اجتماعی به گونه ای نیست که با چند لایحه و دوره آموزشی برطرف شود.

وی با انتقاد از اینکه هنوز در سطح جامعه اجماع عمومی درباره اینکه کودک آزاری مساله امروز ما است، وجود ندارد، اظهار کرد: وقتی طرح نمایندگان مجلس برای حمایت از کودکان و نوجوانان در سال ۸۱ در مجلس مطرح شد، همان زمان هم صرف نظر از مخالفت ها با این طرح، برخی نمایندگان این نظر را داشتند که الان مساله ما، مساله کودک آزاری نیست. من فکر می کنم هنوز هم این تفکر در جامعه وجود دارد. ۱۵ سال از تصویب این قانون می گذرد اما وقتی به رویه قضایی مراجعه می کنیم، گویی این قانون تصویب نشده و تعداد انگشت شماری از آراء با استناد به این قانون صادر شده است.

این حقوقدان با بیان اینکه تا زمانی که گفتمان سازی صورت نگیرد و افکار عمومی و رسانه ها در مورد یک قانون درگیر نشوند، صرف پرکردن خلاء قانونی مشکلی را حل نمی کند، تصریح کرد: هرچه تولید داده های تجربی از موارد کودک آزاری بیشتر باشد، به همان اندازه قدرت مجاب کردن قانونگذار و نهادهای سیاست گذاری مبنی بر اینکه کودک آزاری مشکل ما است، بیشتر خواهد بود.



## حق آیندگان

این عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس در ادامه افزود: باید تلاش کنیم با تولید داده تجربی قانونگذاران را مجاب کنیم این مشکل تنها مشکل جوامع غربی نیست و در کشور ما هم وجود دارد. سکونت‌گاه‌های فقیرنشین، کانون‌های «جرم‌زا» نیستند بلکه کانون «بزه‌دیدگی» هستند

فرجی‌ها با تاکید بر اینکه کودک‌آزاری یک پدیده درون طبقه‌ای است و نه میان طبقه‌ای، ادامه داد: به عبارت دیگر در اکثر این موارد کودک‌آزار متعلق به همان طبقه‌ای است که کودک‌آزار دیده در آن قرار دارد. گزارش‌ها نشان می‌دهد سکونت‌گاه‌های فقیرنشین، کانون‌های «جرم‌زا» نیستند بلکه کانون‌های «بزه‌دیدگی» هستند. جا انداختن این گفتمان در نظام رسمی ما کار مهمی است زیرا نگاه نهادهای رسمی و دولتی به سکونت‌گاه‌های فقیرنشین این است که آنها مکان‌های آلوده‌ای هستند که خرید و فروش مواد مخدر در آنها انجام می‌شود و بیشترین بزه‌کاران در این منطقه زندگی می‌کنند.

این استاد دانشگاه در ادامه اظهار کرد: این درحالیست که سکونت‌گاه‌های فقیرنشین منبع بزه‌دیدگی هستند. وقتی شما به یک محله به عنوان یک منطقه آلوده نگاه می‌کنید، به دنبال نگاه پلیسی-امنیتی هستید اما وقتی دیدگاهتان «بزه‌دیدگی شناسی» باشد، نگاهتان حمایتی می‌شود، چرا که اغلب بزه‌کاران، بزه‌دیدگی را در دوران کودکی‌شان تجربه کرده‌اند.

این وکیل دادگستری با اشاره به اینکه نمونه‌های آزار کودکان، تنها موارد محدودی از تعداد واقعی آنها هستند، اظهار کرد: ما از تعداد زیادی از چنین نمونه‌هایی اصلاً خبر نداریم. این موارد تنها نوک یک قله هستند که لزوماً بافت و ویژگی‌های این کودک‌آزاری‌ها، شبیه کودک‌آزاری‌های بافت زیرین این کوه نیست. چه بسا فاجعه لایه‌های زیرین شدیدتر باشد.

وی اولین گام در آسیب‌شناسی و سیاست‌گذاری اجتماعی را شناسایی پدیده با متدهای علمی و تجربی و دسترسی به نمونه‌های بیشتر دانست و گفت: تعارض اینجاست که در بسیاری از موارد انتظار داریم کسی کودک‌آزاری را گزارش کند که خودش در معرض انجام کودک‌آزاری

## حق آیندگان

است. برای مثال انتظار داریم پدری این موارد را گزارش بدهد که خودش در معرض اتهام است.

### نهادهای از ثبت و به رسمیت شناختن کودک آزاریها طفره می روند

فرجی‌ها با بیان اینکه در بسیاری از موارد بزه‌دیدگان کودک‌آزاری نیاز به کمک دارند اما خودشان به این نیاز آگاهی ندارند و در عین حال نسبت به اینکه موارد کودک‌آزاری را گزارش کنند یا به سراغ سازمان‌های مردم‌نهاد بروند، تردید دارد، افزود: آنها نمی‌دانند با این گزارش وضعیتشان نسبت به حال بهتر می‌شود یا بدتر. نکته دیگر این است که نهادهای رسمی از ثبت این وقایع و به رسمیت شناختن آنها طفره می‌روند.

عدم رضایت خانواده‌های دارای کودک آزار دیده برای مراجعه به پزشکی قانونی این عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس در ادامه تصریح کرد: در فرهنگ سازمانی پلیس و دستگاه قضایی اساساً این نوع پرونده‌ها، پرونده‌های در دسرسازی هستند که پلیس و سیستم قضایی باید مدت‌ها به آنها بپردازد. برای مثال وقتی مواردی از کودک‌آزاری گزارش می‌شود عمدتاً در ابتدای امر گفته می‌شود این اتفاقات مسائل داخلی و فرهنگی خودشان است. وقتی هم که مواردی هم از کودک‌آزاری گزارش می‌شود، آنها باید به پزشکی قانونی مراجعه کنند و خانواده کودک بزه‌دیده معمولاً از این مساله و فرایند خشنود نیستند.

این استاد دانشگاه در ادامه اظهار کرد: مساله دیگری که کار مداخله در این حوزه را مشکل می‌کند این است که اگر کودک‌آزاری را به سبک و سیاق بین‌المللی جرم‌انگاری کنیم، این کار نوعی جرم‌انگاری فقر است و نه رفتاری که با محاسبه و تصمیم قبلی بوده است. این درحالیست که وضعیت یک خانواده پر آسب دیگر جرم‌انگاری رفتار نیست بلکه جرم‌انگاری وضعیت و شرایط طبقه‌ای از اجتماع است که هر کاری که انجام می‌دهد، جرم است.

## پیروزی در به رسمیت شناختن پدیده کودک آزاری

وی با تاکید بر ضرورت ارزیابی اثرات قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان بعد از ۱۵ سال، اضافه کرد: تصویب این قانون در مجلس ششم نوعی پیروزی محسوب میشود چرا که برای اولین بار کودک آزاری به رسمیت شناخته شد و به قانون وارد شد. به نظر می‌رسد که اتکای ما به ابزارهای کیفری برای حل معضل کودک آزاری و انتظاراتمان از مداخلات کیفری بیش از اندازه است. مداخلات کیفری زمانی اثر بخش است که در تعامل با مداخلات حمایتی و اجتماعی باشد.

این وکیل دادگستری با اشاره به اقداماتی که می‌توان برای پیشگیری از کودک آزاری انجام داد، گفت: اولین مرحله مربوط به قانونگذاری است. پژوهشگاه قوه قضاییه از سال آینده این آمادگی را دارد تا در این زمینه طرحی را تدوین کند. با این حال طراحی کارگروه های آموزشی و کتابچه راهنمای چگونگی رفتار با کودک آزاری برای افراد و مشاغل مختلف می‌تواند نقش موثری داشته باشد.

## سبک زندگی بر پایه اعتیاد، مصرف موادمخدر را به هنجار تبدیل می‌کند



## حق آیندگان

پژوهشگر نمونه کشوری در حوزه علوم اجتماعی گفت: با توجه به اینکه خانواده‌ها دارای قابلیت گسترده حمایتی از دانش‌آموزان و دانشجویان هستند، آموزه‌ها و باورهای خانواده در ارتباط با مبارزه اجتماعی با موادمخدر از اهمیت بالایی برخوردار است.

به گزارش ایسنا، رقیه نیابتی افزود: با توجه به جایگاه و نقش ویژه خانواده‌ها در ابتلا یا مصونیت از اعتیاد به مصرف مواد مخدر صنعتی و شیمیایی، لازم است تا آموزش‌ها و اقدامات لازم برای پیشگیری از اعتیاد بین دانش‌آموزان و دانشجویان، علاوه بر تمرکز بر محیط آموزشی به نوع و سبک زندگی فرزندان نیز متمرکز و متوجه باشد.

وی با بیان اینکه خانواده دارای پشتوانه‌های فرهنگی است، اظهار کرد: این وضع با اثرگذاری بر سبک زندگی و آموزه‌های تربیتی در خانواده‌ها به بازتولید پیشگیری از اعتیاد، دوام و پایداری آن در نسل‌های بعدی خانواده‌ها نیز منجر می‌شود.

این جامعه شناس ادامه داد: در عین حال ساختار فرهنگی و سبک زندگی بر پایه اعتیاد، مصرف موادمخدر را به هنجار تبدیل می‌کند و با ورود مصرف موادمخدر صنعتی و شیمیایی به مراسم و آیین‌ها، مصرف این مخدرها به بخشی جدایی‌ناپذیر از مراسم تبدیل شده و نسل‌به‌نسل فرهنگ موادمخدر و اعتیاد بازتولید می‌شود.

به گفته وی، اقدامات پیشگیرانه از اعتیاد دارای اهمیت زیادی است، اقداماتی که نه تنها باید با ورود موادمخدر به سبک زندگی دانش‌آموزان یا افراد معتاد یا مستعد مصرف مواد مخدر صنعتی و شیمیایی مقابله کند، بلکه باید با نظام مغفول مانده خانواده و ساختار فرهنگی اعتیادزده نیز دست و پنجه نرم کند.

نیابتی تصریح کرد: اثر بخشی آموزش پیشگیری از مصرف مواد مخدر بیشتر از اقدامات و برنامه‌های دیگر است، برای کنترل و کاهش عرضه و تقاضای مواد مخدر در سطح کشور باید این برنامه بخشی از برنامه جامع و مداوم ارتقای سلامت باشد و طی سال‌های متوالی در مدرسه و محیط‌های دیگر اجرا شود.

وی خاطرنشان کرد: مسوولان و دست‌اندرکاران امر مبارزه با مواد مخدر باید وجود ساختار فرهنگی قوی را به خانواده‌ها گوشزد کنند و آنان را به صورت فعالانه در فرآیند یادگیری و

## حق آیندگان

پیشگیری اولیه از اعتیاد مشارکت و خانواده ها را تشویق کنند تا تجربیات یادگیری خود را در سایر مسائل اجتماعی و بهداشتی به کار ببرند.

به گزارش روابط عمومی ستاد مبارزه با مواد مخدر، نیابتی با اظهار تاسف از اینکه هنوز مردم بخصوص نوجوانان و جوانان به نحوی مطلوب درباره خطرات و آسیب‌های موادمخدر آگاه نشده‌اند، گفت: علاوه بر اقدامات یاد شده مهم‌ترین کاری که در زمان حاضر باید در زمینه کاهش احتمال ابتلا به مواد مخدر در کشور انجام شود، اطلاع‌رسانی موثر پیرامون خطرات این پدیده است.

وی افزود: فرهنگ‌سازی درباره پیشگیری از اعتیاد باید در بستر جامعه بویژه خانواده اتفاق بیافتد و برای افزایش آگاهی‌های عمومی مسوولان به برگزاری چند همایش و برنامه اکتفا نکنند.

## والدین معتاد ، خشن ترین شکل کودک آزاری را انجام می دهند



تهران - ایرنا - رئیس انجمن روانشناسی ایران گفت: با بررسی علل کودک آزاری می توان گفت در درجه اول پدر و مادرهایی که از سلامت روان برخوردار نیستند خشن ترین شکل کودک آزاری را بروز می دهند بطورمثال پدر و مادرهای معتاد، کنترل رفتار درستی ندارند. والدین معتاد ، خشن ترین شکل کودک آزاری را انجام می دهند. به گزارش ایرنا از جمعیت

## حق آیندگان

امام علی (ع) ، شیوا دولت آبادی افزود: در واقع هیچ کس عزم نمی کند کودکش را کتک بزند اما اگر معتاد باشد ، اگر مواد مخدر به او نرسد ، اگر نان نداشته باشند و کودک نق بزند این اتفاق می افتد وی ادامه داد: یکی از مهم ترین مسائلی که اخیرا در سطح جهانی در جمع بندی از آسیب هایی که کودک آزاری ایجاد می کند، این است که کودکی که مورد آزار قرار می گیرد به نوعی از بودن خود در جهان خجالت دارد و این حسی است که تمام عوارض دیگر را ایجاد می کند وی اضافه کرد: کودکی که پذیرفته نمی شود ، به شکل های مختلف مورد آزار قرار می گیرد . کودک آزاری منجر به ایجاد حس خجالت زدگی در کودک می شود و این حس در او شکل می گیرد و می گوید که ‘ من کتک می خورم ، توهین می شنوم ، به من توجه نمی شود ، حتی به من تجاوز هم می شود خب پس جای من در این جهان کجاست؟ کجا هست که به من می گویند خوش آمدی و بیا سهم خودت را ادا کن، یاد بگیر ، رشد کن ، آدم بشو ، مسئولیت پذیر و سعادتمند شو’ و این شرمندگی تنها در کلام نیست بلکه عملا اعتماد به نفس کودک و حس امنیت او را از بین می برد.

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی خاطرنشان کرد: گروه های زیادی از والدین هستند که خودشان می توانند عامل کودک آزاری باشند گرچه این عمل ناخواسته از آنان سر می زند دولت آبادی افزود: بخشی از ریشه کودک آزاری ها به رفاه خانواده ، حمایت خانواده ، پوشش بهداشت و روان خانواده بازمی گردد . بنابراین خانواده ها باید توانمند شوند چراکه صلاحیت فرزندپروری، مهم ترین موضوع در پیشگیری از کودک آزاری به شمار می رود. وی ادامه داد: کودکی که در محیط ناسالم رشد کند ، یک والد ناسالم خواهد بود . البته نظریه ای وجود دارد که بیان می کند در این شرایط ممکن است کودک به خلاف آن چه تجربه کرده است تبدیل شود یعنی بیش از حد حمایت کننده باشد با این این طرز تفکر که نمی خواهیم کودکمان همانند خودم آسیب ببیند که این خود اثرات مخرب دیگری را به وجود می آورد.

## شیوع اعتیاد و مصرف روانگردان ها در بین دانش آموزان دبیرستانی

خبرگزاری هرانا - مدیر کل دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور گفت که ۲,۱ دانش آموزان دبیرستانی به مواد مخدر اعتیاد دارند و ۵ درصد دانش آموزانی که پدر یا مادر معتاد دارند درگیر مصرف مواد مخدر هستند.

به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از میزان، حمید صرامی مدیر کل دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور در کارگاه طرح برگزاری طرح توانمند سازی پیشگیری از اعتیادتوانمند سازی پیشگیری از اعتیاد ویژه معلمان مقطع متوسطه دوم خراسان رضوی در مشهد گفت: "هزار و ۷۷۰ معلم در ۱۳ استان کشور تا کنون در این دوره‌ها شرکت کرده اند."

صرامی افزود: "این معلمان تا کنون ۵۰۰ هزار دانش آموز را در کشور برای پیشگیری از اعتیاد آموزش داده اند." وی گفت: "دو و یک دهم درصد دانش آموزان مقطع متوسطه دوم کشور به مصرف مواد مخدر آلوده هستند و ۵ درصد دانش آموزانی که پدر یا مادر معتاد دارند درگیر مصرف مواد مخدر هستند." مدیر کل دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور افزود: "بر اساس بررسی‌ها دانش آموزان معتاد بیشتر انواع مواد روان گردان، ماده مخدر گل، حشیش و کریستال مصرف می‌کنند." آشنا کردن دانش آموزان با خطر مصرف مواد مخدر، بیان روش‌های پیشگیری و درمان، از مباحث این دوره‌های آموزشی برای معلمان است.





## بخش پنجم

# کودکان آسیب دیده از زلزله



### ۳ اثر مخرب زلزله بر روی کودکان که نادیده گرفته می‌شود



گاه‌ها دیده شده است که کودکان و نوجوانان پس از چنین حوادثی گوشه گیر و منزوی می‌شوند که این امر می‌تواند بسیار خطرناک باشد، چرا که این گروه سنی در شرایط خاصی از بلوغ به سر می‌برند. به همین دلیل والدین نباید این گونه موارد را نادیده بگیرند. **سرویس سبک زندگی فردا؛ بشیر قلبی زاده سرچشمه:** زمین لرزه معمولاً از جابه‌جا شدن صفحات داخلی زمین که گاه‌ها با تکان‌های ناگهانی و شدید که بر روی زمین قابل حس کردن است، اتفاق می‌افتد. زلزله می‌تواند گاه‌ها خیلی ملایم و با کمترین لرزه است و در پاره‌ای از اوقات با شدت فراوانی رخ می‌دهد و موجب خسارات جبران‌ناپذیر و همچنین باعث به وجود آمدن سونامی‌های خیلی بزرگ می‌شود که نمونه آن در سال ۲۰۱۱ در کشور ژاپن مشاهده شد. زمین لرزه‌ها با توجه به جابه‌جایی صفحات تکتونیک می‌توانند از چند ثانیه تا چند دقیقه به طول انجامند و همچنین میزان ریشتر زمین لرزه‌ها نیز متفاوت است که از یک ریشتر تا ۹٫۳ ریشتر که ثبت شده‌اند. البته هر چقدر زمین لرزه بزرگتر باشد، ریشتر آن بیشتر و در نتیجه خرابی به وجود آمده از زمین لرزه‌های بزرگ گاه‌ها سال‌ها طول می‌کشد تا زندگی عادی به چنین مکان‌هایی برگردد. جالب است که بدانید وقتی زمین لرزه ایجاد می‌شود، صداهایی را تولید می‌کنند که گاه‌ها در حجم‌های بسیار بالا شنیده می‌شوند. این صدا گاه‌ها به شکل صدای قطاری که از درون تونل می‌گذرد، شنیده می‌شود و این صدا در بیشتر مواقع باعث ترس و وحشت مردم می‌شود.

## حق آیندگان

معمولا زمین لرزه‌ها را در دو مقیاس ریشتر و Mercalli اندازه گیری می‌کنند که میزان ریشتر، انرژی ناشی از خارج شدن انرژی حاصل از زمین لرزه را به ما نشان می‌دهد و مقیاس اصلاح شده Mercalli که میزان آسیب و تخریب زلزله را اندازه‌گیری می‌کند. زمین لرزه‌ها ممکن است، موجب آسیب گسترده و حتی تخریب صد درصدی مدارس، خانه‌ها، پل‌ها، سدها، بزرگراه‌ها و حتی ساختمان‌ها و برج‌های خیلی بلند شوند. وقتی زمین لرزه‌های سنگین رخ می‌دهد، خطوط گاز و برق می‌توانند دچار آتش سوزی شدید شوند که به نوبه خود می‌توانند خطرات جانی و مالی حاصل از زلزله را تشدید ببخشند. وقتی چنین شرایطی به وجود می‌آید، خطوط انتقال آب نیز با مشکل مواجه می‌شوند از این رو احتمال خاموش کردن آتش با آب غیر ممکن می‌شود. تخریب لوله‌های فاضلاب و مخلوط شدن آن با آب قابل شرب می‌تواند بیماری‌های زیادی را پس از وقوع زلزله در میان مردم انتشار دهد. تقریباً صدها زلزله در سراسر جهان در هر سال رخ می‌دهد، اما تنها چند مورد باعث آسیب شدید، تخریب و مرگ و میر می‌شوند.

## فوت کودک ۲ ماهه سرپل ذهابی در بیمارستان کرمانشاه تایید شد؛

جامعه آسیب‌ها - ایلنا نوشت: فوت کودک ۲ ماهه سرپل ذهابی در بیمارستان کرمانشاه توسط روابط عمومی بیمارستان تایید شد.

هانیه محمدی، روابط عمومی بیمارستان امام رضا کرمانشاه در رابطه با خبر فوت یک نوزاد دیگر سرپل ذهابی به نام کارن الیاسی ۲ ماهه در بیمارستان امام رضا کرمانشاه بیان داشت: طبق گفته پزشک معالج این نوزاد در ۱۸ بهمن ماه با علایم سرفه و تب به بیمارستان امام رضا (ع) مراجعه کرده و در این مرکز بستری شده و بلافاصله تحت درمان آنتی بیوتیکی و مراقبت های پرستاری قرار می‌گیرد و برنامه درمانی او به اجرا در می‌آید.

روابط عمومی بیمارستان امام رضا (ع) کرمانشاه با اشاره به اینکه دکتر کی‌قباد قدیری پیگیر درمان این نوزاد بوده است، بیان داشت: براساس اظهارات دکتر معالج، یک روز پس از شروع

## حق آیندگان

درمان، تب بیمار قطع و سرفه‌های او کاهش یافته و بدون دیسترس تنفسی و با حال عمومی خوب، روند درمان را طی کرده و رو به بهبودی بود؛ اما براساس گزارش پرستاری که در پرونده بیمار موجود است، ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه صبح امروز در حالی که در آغوش مادر در حال شیرخوردن بوده، دچار حالت سرفه و سیانوز و بالا آوردن شیر و حالت خفگی می‌شود و بلافاصله عملیات احیاء برای بیمار شروع می‌شود. متاسفانه احیاء ناموفق بوده و کودک جان خود را از دست می‌دهد.

جلسه کمیته بررسی علت مرگ کودک صبح امروز در بیمارستان امام رضا (ع) برگزار شد و این کمیته علت احتمالی فوت را آسپیراسیون شیر<sup>۱</sup> تشخیص داده است، اما طی هماهنگی با مقام قضایی، جسد برای تعیین علت دقیق فوت به پزشکی قانونی منتقل شد و برای اظهارنظر دقیق در مورد علت فوت باید منتظر اعلام نظر پزشکی قانونی بود.



## حدود ۱۵ کودک در زلزله اخیر تک سرپرست شده اند

1



محمد نفریه، مدیر کل دفتر امور کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی کشور گفت: تعداد کودکانی که در زلزله اخیر یکی از والدین خود را از دست داده اند، کمتر از ۱۵ نفر است. ایران آنلاین / محمد نفریه مدیر کل دفتر امور کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی کشور اظهار کرد: تعداد کودکانی که در جریان وقوع زلزله در استان کرمانشاه، یکی از والدین خود را از دست داده اند کمتر از ۱۵ کودک است و در حال حاضر تمام این کودکان نزد خانواده‌های خود نگهداری می شوند.

وی ادامه داد: کودکانی که یکی از والدین خود را از دست داده‌اند، توسط پدر یا مادر نگهداری شده و یا اگر والدین کودک آسیب دیده و بستری باشند، تا اتمام ساماندهی اولیه زلزله‌زدگان، توسط اقوام درجه یک و با نظارت مستمر سازمان بهزیستی نگهداری می شوند. مدیر کل دفتر امور کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی کشور تاکید کرد: تاکنون کودکی که در زلزله اخیر کرمانشاه و شهرهای همجوار آن، هر دو والد خود شامل پدر و مادر را از دست داده باشد و بی سرپرست شده باشد، مشاهده نشده است.

### استقرار تیم‌های روان‌شناسی و مددکاری بهزیستی در مناطق زلزله زده

نفریه تصریح کرد: تیم‌های روان‌شناسی و مددکاری سازمان بهزیستی کشور، بلافاصله پس از وقوع زلزله در این مناطق مستقر شدند و وضعیت کودکانی را که هر یک به نحوی در زلزله دچار آسیب دیدگی شده اند را به طور مستمر رصد می‌کنند و از جمله اولویت‌های کاری سازمان بهزیستی کشور، ساماندهی کودکان آسیب دیده در جریان زلزله است.

## حق آیندگان

وی یادآور شد: پس از بررسی های بیشتر، اگر کودکی نیاز به نگهداری در مراکز شبه خانواده و یا سایر زیر مجموعه های های نگهداری از کودکان بی سرپرست داشته باشد، به بهزیستی استان های معین یعنی کردستان و خوزستان (استان هایی که در زمان وقوع بحران، وظیفه امدادرسانی در جهت کاهش مشکلات را برعهده دارند) سپرده می شود.

### افزایش تعداد مهدهای کودک در مناطق زلزله زده غرب کشور

مدیر کل دفتر امور کودکان و نوجوانان ادامه داد: به دلیل اینکه عوارض وقوع حوادثی چون زلزله تا مدت ها بر روح و روان افراد و به ویژه والدین باقی می ماند، تعداد مهدهای کودک در مناطق زلزله زده ظرف روزهای آینده افزایش می یابد.

نفریه اظهار کرد: مهدهای کودک و مراکز دوستدار کودک در مناطق زلزله زده، در نگهداری از کودکان و تهیه برنامه های مناسب برای آن ها فعالیت می کنند و تا مدت ها پس از این حادثه، کار خود را ادامه داده و خدمات ویژه ای را به کودکان آسیب دیده ارائه می دهند.

وی تاکید کرد: کودکانی که به هر نحوی در جریان وقوع زلزله آسیب دیده باشند، تحت پوشش انواع حمایت های سازمان بهزیستی کشور قرار می گیرند و هیچ کودکی به حال خود رها نمی شود. / باشگاه خبرنگاران



سه ماه از زلزله کرمانشاه می گذرد و با وجود فراهم شدن بسیاری از زیرساخت ها و کمک های مردمی، قشرهای آسیب پذیر و نیازهای آنها همچنان با مشکلات متعددی روبه رو هستند که نیاز به توجه ویژه دارند. خبرگزاری مهر- گروه جامعه: بیش از سه ماه از زمین لرزه ۷,۳



## حق آیندگان

ریشتری کرمانشاه می گذرد، زلزله ای که خسارت های جانی و مالی بسیار سنگین و وسیعی داشته است و بر اساس آخرین آمار، تعداد کشته شدگان این زمین لرزه ۶۲۰ نفر بوده و ۱۲ هزار و ۳۸۶ مصدوم داشته است. در این زلزله به ۱۰ شهرستان و هزار و ۹۳۰ روستای استان کرمانشاه خسارت وارد شده است. براساس ارزیابی صورت گرفته از ۸۴ هزار واحد مسکونی شهری و روستایی آسیب دیده، حدود ۱۸ هزار واحد مسکونی کاملاً تخریب شده و ۵۰ هزار واحد نیز خسارت جدی دیده اند.

اکنون سه ماه از این زمین لرزه گذشته است؛ اولویت ها تغییر کرده و فصل گرم در منطقه سرپل ذهاب در حال آغاز شدن است. هنوز بسیاری از خانواده ها از کمبود کانکس ها گلایه دارند و از زندگی چندین نفره در چادرهای ۹ و ۱۲ متری گلایه مند هستند. پزشکانی که از جای جای کشور به سرپل ذهاب آمده اند، نگران آغاز فصل گرما، کمبود بهداشت و شیوع وبا هستند. در میان گلایه مردم زلزله زده، نبود سرویس های بهداشتی و حمام بسامد بسیار بالایی دارد.

اما آن چه در کنار این موارد، پزشکان و روان شناسان را دلنگران می کند، نقاشی کودکان است که در بیشتر آن ها ترس از زلزله و نمایش آوار حرف اول را می زند و افسردگی مادران بارداری است که آینده فرزند هنوز متولد نشده شان را مه آلود می بینند و تغذیه نامناسب مادران شیرده است که اگر از هم اکنون جبران نشود، اثرات خود را تا سال های سال خواهد داشت.

پزشکان و روان شناسان بسیاری به دعوت نهادهای مختلف از جمله بنیاد ملی خانواده به سرپل ذهاب آمده اند؛ پزشکانی که بیشتر آن ها جوان هستند، اما در این میان حضور هر چند کوتاه مدت متخصصان و فوق تخصص های نامدار در میان زلزله زدگان، باعث امید در دل آن ها می شود.

دکتر طاهره لباف، متخصص ایمونولوژی، زنان و زایمان و بانوی نخبه سال ۸۷ یکی از چهره هایی است که با توجه به اهمیت موضوع زنان باردار و بیماری های آن ها خود را به کرمانشاه رسانده است. در ادامه گفتگوی خبرگزاری مهر را با وی می خوانید.

وقتی با مردم زلزله زده صحبت می کنیم از مشکلات متعددی صحبت می کنند که عمدتاً مربوط به آینده مبهم است و نبود کانکس و وضعیت فصل گرما و... اما در این میان بخش آسیب پذیرتری هم وجود دارد که کمتر مورد توجه رسانه ها قرار گرفته اند؛ از کودکان گرفته

## حق آیندگان

تا زنان باردار و شیرده. آن طور که ما شنیده ایم وزن جنین در شکم مادران زلزله زده کمتر از میزان استاندارد و طبیعی است و این ناشی از نبود تغذیه مناسب است. به عقیده شما چقدر تمرکز بر این موضوع حائز اهمیت است؟

ابتدا باید بگویم سازمان های بین المللی در شعارهای خود جمعیت را عامل پیشرفت یک جامعه معرفی می کنند و معتقدند اگر جمعیت نباشد، تولید از بین می رود و صنعت دچار رکود می شود. این اهمیت جمعیت و تولید مثل را می رساند. اما در حوادث این چنینی مانند زلزله عمدتاً دو نوع مشکل به وجود می آید؛ اول مشکلات جسمی و صدمات حاصل از آن و تنگناهای بهداشتی و تغذیه است و دیگری مشکلات روحی و روانی است که مردم با آن رو به رو می شوند. هر دو بخش حائز اهمیت است و هر دو در هم اثرگذاری دارند، اما در این میان قشرهای آسیب پذیری هم داریم که بسیار مهم است که مورد توجه قرار گیرد، مانند کودکانی که در سن رشد قرار دارند. اگر به این کودکان در همین زمان رسیدگی نشود بعدها با کمبودهایی رو به رو می شوند که دیگر قابل جبران نیست، مثلاً پسر نوجوان اگر دچار افسردگی حاصل از زلزله شود و به این موضوع رسیدگی نشود، تمام زندگی اش را از دست می دهد و این گونه نیست که ما بتوانیم دو سه سال بعد به او کمک کنیم. یا یک زن حامله یکسری رسیدگی های جسمی و روحی می خواهد که اگر به او نرسیم در نسل او اثر می گذارد، بچه او دچار سوء تغذیه می شود و از نظر روانی دچار مشکل می شود. ما فکر می کنیم که برای این مسائل وقت داریم، اما واقعا وقت برای این مسائل نیست. متأسفانه شاهد هستیم که این مسائل مهم در میان اولویت ها قرار ندارند و این موضوع می تواند بسیار آسیب رسان باشد و تبعات بسیار بدی را با خود به همراه داشته باشد، لذا تأکیدم تمرکز بر این بخش و به ویژه قشرهای آسیب پذیر است.

یعنی به عقیده شما این موضوعات هم پایه مسائلی مانند اسکان و تغذیه حائز اهمیت است و تا این حد ما نسبت به این موضوعات کوتاهی کرده ایم؟

در حوادث این چنینی مانند زلزله عمدتاً دو نوع مشکل به وجود می آید؛ اول مشکلات جسمی و صدمات حاصل از آن و تنگناهای بهداشتی و تغذیه است و دیگری مشکلات روحی و روانی است که مردم با آن رو به رو می شوند. هر دو بخش حائز اهمیت است و هر دو در هم اثرگذاری دارند، اما در این میان قشرهای آسیب پذیری هم داریم که بسیار مهم است که مورد توجه قرار گیرد، مانند کودکانی که در سن رشد قرار دارند. اگر به این کودکان در همین زمان



## حق آیندگان

رسیدگی نشود بعدها با کمبودهایی رو به رو می شوند که دیگر قابل جبران نیستدقیقا همین طور است؛ گاهی فکر می شود که مسائل خورد و خوراک و اسکان اهمیت اول را دارد اما واقعا این گونه نیست. اگر خانمی دو سه هفته نتواند حمام برود ممکن است دچار عفونت هایی شود که در صورت مزمن شدن دیگر امکان درمان ندارد. متاسفانه آن طور که من شنیده و دیده ام، بحث های بهداشتی و تغذیه قشرهای آسیب پذیر چندان مورد توجه نبوده است و همین موضوع باعث بروز مشکلات شده است. امروز شاهدیم که بسیاری از زنان منطقه دچار بیماری ها و عفونت هایی شده اند که اگر به آن ها رسیدگی نشود می تواند بسیار آسیب رسان باشد. در حوادث این چینی آن گونه که قبلا هم تجربه کرده ایم، متاسفانه برخی مسائل در حاشیه قرار می گیرد که اتفاقا موضوعات مهم و حائز اهمیتی است و بعدها این کوتاهی ها و سهل انگاری ها خودش را نشان می دهد.

در حال حاضر بیشتر مطالبات مردم زلزله زده کرمانشاه کمبود کانکس و لوازم گرمایشی و نگرانی از روزهای گرم است... این موضوع البته اولویت اول کمک های مردمی و کمک دستگاه ها و نهادهای دولتی هم هست؛ اما با روان پزشکان که صحبت می کنیم، می گویند بچه ها عمدتا نقاشی هاشان تخریب خانه هاست و ترس از آوار؛ زنان هم مشکلات عمده پیدا کرده اند و این مسائل روانی در میان زنان باردار به مراتب بیشتر است. در حوزه بهداشت روانی و فردی چه توصیه ای دارید که مردم به این موارد هم توجه کنند؟

بیشترین مشکلاتی که خانم ها پیدا می کنند، مسائل بهداشتی است. باید در این زمینه آموزش های درست داده شود. یعنی در این حوزه ما دو وظیفه عمده داریم؛ ابتدا آموزش به خود افراد زلزله زده ای که در شرایط نامناسب زندگی می کنند و دیگر روشن گری افکار عمومی و به ویژه توجه دادن رسانه ها به اهمیت این موضوع. رعایت نوع استفاده از آب مصرفی یا فراهم کردن امکانات استحمام بسیار اهمیت دارد. من شنیدم سرویس بهداشتی بسیار کم است. وقتی یک زن عمدتا حامله نیاز به رفتن به دستشویی داشته باشد و به دلیل کمبود سرویس بهداشتی یا اشتراکی بودن آن به سرویس نرود، همین عامل عفونت بسیار می شود و تبعات بسیار بدی برای او و فرزندش ایجاد می کند. نباید فکر کنیم زلزله تمام شده است و باید آن ها که متصدی هستند مسائل را دسته بندی کنند و به صورت بسیجی و جهادی نیازمندی ها را مرتفع کنند. اطلاع رسانی از وضعیت کنونی زلزله زدگان کم است و باید در این زمینه توجه بیشتری شود. مثلا سرویس بهداشتی ها الان بسیار محدود است و باید آمار بدهیم که به ازای هر چند نفر یک سرویس وجود دارد، چقدر کمبود سرویس بهداشتی داریم و چقدر نیاز به

## حق آیندگان

اعتبار برای جبران آن داریم. همان طور که شما هم اشاره کردید، در حال حاضر وقتی صحبت از زلزله می شود، همه چادرهای زلزله زدگان را به یاد می آورند و نیاز به امکانات زیستی برای آن ها را؛ اما باز هم باید تاکید کنم مسائل بهداشتی در حوزه فردی و روانی بویژه برای اقشار آسیب پذیر بسیار اهمیت دارد و اهمیت آن کمتر از کانکس و چادر نیست. نباید نگاه لوکس به این مسائل داشته باشیم. باید رسانه ها اطلاع رسانی کنند و مردم در این زمینه ها هم بسیج شوند؛ شاید بشود گفت اهمیت حمام و سرویس بهداشتی حتی از کانکس برای سکونت هم بیشتر است بویژه برای زنان باردار.

شما تجربه موارد مشابه را هم داشتید؟ یعنی پیش از این هم به مناطق زلزله زده رفته بودید؟

من اردوهای جهادی زیادی رفتم و این موقعیت خوبی بوده برای درک این موضوع که نیازهای اصلی چه چیزهایی است، معمولا انترن ها و پزشکان جوان برای کمک رسانی می آیند و اتفاقا همراهی یک متخصص یا فوق تخصص با آن ها بسیار می تواند آموزنده باشد. به عنوان مثال حضور من در آن اردوها محل آموزش خیلی خوبی برای این پزشکان جوان بود. در یک اردوی جهادی با پسر و برخی دانشجویان پزشکی سمت خوزستان در روستای ممبین رفتیم که آن جا مواجهه با آسیب های بسیار و نقش آموزش را همه تجربه کردند. خدا توفیق داده که در این اردوهای جهادی حضور داشتم و کمکی اندک کرده ام. یادم است در منطقه قلعه شاهین هم با مسائل مشابه اینجا رو به رو شده بودیم و دیدیم که آن چه اهمیت دارد، مسائل بهداشتی است. به عده ای که در آن جا فعال بودند می گفتیم باید سرویس بهداشتی فراهم شود، اما آن ها در پاسخ می گفتند ما برای اسکان کمک کردیم. معتقدم این نگاه باید اصلاح شود. باید برای مردم ملموس شود که کسانی که صاحب مال و مکنت و امکانات بودند حالا در چه فشاری هستند و چه مسائلی آن ها را عذاب می دهد و نباید فکر کنند حالا که کانکس و کنسرو دادند مسائل زلزله زدگان رفع شده است. باید اولویت بندی شود و مردم بسیج شوند برای کمک کردن. رسانه باید با زبانی همه فهم این مسائل را ملموس کند و حساب شده بگوید نیازها چقدر است و مردم چقدر باید کمک کنند. کمک به زلزله زدگان فقط اسکان و تغذیه بویژه در ماه های اول نیست و ما همه باید این را یاد بگیریم.

همان طور که اشاره شد، پزشکان زیادی به منطقه زلزله زده آمدند که عمدتا جوان هستند و تازه درس ها و دوره هاشان را به پایان رساندند. علت اصلی حضور شما چیست و مهمترین نکته هایی که با آن رو به رو شدید چه بوده است؟

## حق آیندگان

من هم یک انسان هستم و وقتی دیدم پزشک متخصص زنان مورد نیاز است این حداقل کاری بود که انجام دادم. من می خواستم از ابتدا بیایم اما اعلام می شد که به دلیل حضور گسترده مردم در منطقه زلزله زده، تلاش کنید حضورتان را به تعویق بیندازید. این شد که من با سه ماه فاصله آمدم و علت حضورم شنیدن مشکلات بهداشتی به ویژه برای زنان باردار و شیرده بوده است. اینجا آن چه ملموس و مشهود است، ضرورت تقویت بحث روانی و تغذیه زنان باردار و شیرده و وضعیت بهداشتی آن هاست که الان شرایط مناسبی ندارد. البته من در اینجا با موضوعات قابل توجهی هم رو به رو شدم که خوشایند بود، به عنوان مثال حضور بنیاد ملی خانواده که به زنان باردار و شیرده به صورت هفتگی برخی اقلام مانند گوشت و میوه می دهد. این اتفاق خیلی خوبی است، عالی است اما بسیار کم است. باید بیشتر کار شود. ما نیاز به این مجموعه ها در منطقه زلزله زده داریم. الان جاهایی به شکل حلبی آباد شکل گرفته است. پس وضعیت بهداشتی برای زنان و بویژه زنان حامله چگونه است؟ مردم باید بیشتر بسیج شوند. کمک هایی که بنیاد ملی خانواده می کند، خیلی عالی است، فکر می کنم باید تعداد این بسته ها بیشتر شود و اگر گوشت به خانواده ای نمی رسد حتما پروتئین های گیاهی مانند عدس به جای آن استفاده شود. اما مهمتر این است که این مسائل به اطلاع همه مردم برسد. مردم باید با این حرکت ها و اهمیت آن ها مطلع شوند. متأسفانه فرهنگی در جامعه ما شکل گرفته است که فرزندآوری عامل افزایش مشکلات خانواده است و اعتقاد به روزی دهی از سوی خداوند کم رنگ شده است. همچنین تغییر سبک زندگی در ایران باعث شده است که علاقه به فرزندآوری کاهش یابد. همه اینها در کنار مشکلات اقتصادی سبب شده که تمایل به داشتن فرزند در میان خانواده ها کم شود. در کنار این تغییر سبک، نباید اجازه دهیم بروز مسائل و مشکلاتی مانند زلزله هم شرایطی را فراهم کند که بار روانی منفی به خانواده ها اضافه شود و مادران دچار بحران شوند. ما نیاز به عزم ملی در این زمینه داریم.

## بخش ششم

# کودکان اعدام



## پوریا طبائی، نوجوان دیگر در خطر اعدام در ایران



پوریا طبائی هنگام ارتکاب جرم تنها ۱۶ سال داشته

پوریا طبائی که به اتهام قتل عمد ناپدری خود به اعدام محکوم شده است، در زندان رجایی شهر کرج در انتظار اعدام به سر می‌برد. این نوجوان که دارای دو هویت است، در هنگام وقوع جرم تنها ۱۶ سال داشته است.

پوریا طبائی هنگام ارتکاب جرم تنها ۱۶ سال داشته

با این‌که دادگاه هویت اصلی او را پذیرفته و ثبت احوال برای او شناسنامه جدیدی صادر کرده است، مسئولان قضایی از فرستادن او به پزشکی قانونی برای تعیین رشد عقلی خودداری می‌کنند.

پوریا طبائی (ملقب به مهدی سلطانی)، متولد ۲۶ تیر ماه ۱۳۷۱، در زمان ارتکاب قتل ناپدری خود در تاریخ ۲۶ تیر ماه ۱۳۸۸ که مصادف با روز تولدش نیز بود، تنها ۱۶ سال داشته است.

یکی از نزدیکان پوریا به سازمان حقوق بشر ایران گفته است که هنگامی که پوریا خردسال بود، مادر او از پدرش طلاق می‌گیرد، اجازه دیدن پوریا را به پدرش نمی‌دهد و پوریا را مخفی می‌کند. زمانی که پوریا حدوداً پنج سال سن داشت، مادر او با فردی به نام به عنوان همسر دوم

## حق آیندگان

ازدواج می‌کند و پس از آن، هر دو زن در یک خانه زندگی می‌کنند. مادر پوریا برای اینکه همسر سابقش نتواند پوریا را پیدا کند، شناسنامه‌اش را مخفی کرده و از شناسنامه فرزند فوت شده همسر جدیدش که متولد ۲۰ فروردین ماه ۱۳۶۸ بود، برای وی استفاده می‌کند.

این منبع با اشاره به مشکلات پوریا در کودکی از جمله اعتیاد ناپدری به تریاک، دعوا و مشاجرات همیشگی ناپدری با مادرش، بدرفتاری‌های ناپدری با پوریا و کتک‌زدن‌های مداوم او، گفته که علاوه بر اینها، پوریا همیشه مورد بی‌مهری و بی‌توجهی مادر خود هم قرار می‌گرفت.

به گفته این منبع پوریا می‌دانست که همسر مادرش پدر واقعی‌اش نیست ولی از هویت واقعی خود نیز بی‌اطلاع بود. او در روز ارتکاب قتل با ناپدری خود که مشغول کشیدن تریاک بود، درگیر می‌شود و کنترل خود را از دست می‌دهد. سپس به پشت بام می‌رود تا خودش را به پایین پرت کند. در پشت بام یک میله می‌بیند، آن را برمی‌دارد، به طبقه پایین برمی‌گردد و ناپدری را که هنوز در حال کشیدن مواد مخدر بود، به قتل می‌رساند. این منبع تاکید کرده که پوریا هیچ نقشه قبلی برای انجام این کار نداشته و بر اثر یک عصبانیت آنی این اتفاق افتاده است.

پوریا طبائی در هنگام بازداشت از هویت واقعی خود خبر نداشته و خود را مهدی سلطانی معرفی کرده اما مادرش که شناسنامه اصلی او را در دست داشت، در هنگام بازپرسی این راز را برملا کرده و نام واقعی او را گفته است.

هم اکنون ثبت احوال برای پوریا طبائی شناسنامه جدیدی صادر کرده و دادگاه نیز هویت او را تا حدودی پذیرفته است. با این وجود تا این لحظه دادگاه حاضر نشده تا این کودک-مجرم را که در زندان رجایی شهر کرج نگهداری می‌شود، برای مشخص شدن سن واقعی و همچنین تعیین رشد عقلی به پزشکی قانونی ارسال کند.

بر اساس این گزارش، در سال ۱۳۹۳ اولین اعاده دادرسی در پرونده او ارائه شده که شعبه ۳۸ تجدیدنظر آن را رد کرده و خواستار شناسنامه اصلی پوریا شده است. با ارائه شناسنامه اصلی

## حق آیندگان

گفته‌اند سال ۸۹ دادگاه می‌توانست به دلیل زیر ۱۸ سال بودن قصاص ندهد؛ در صورتی که این قانون [ماده ۹۱] سال ۱۳۹۲ تصویب شده و سال ۱۳۸۹ این قانون اصلاً وجود نداشته است که از قصاص جلوگیری کند.

در تقاضای اعاده دادرسی برای بار سوم، بدون این‌که پرونده به پزشکی قانونی و کمیسیون پزشکی ارسال و پرونده برای تصمیم‌گیری به دادگاه کیفری ارسال شود، شعبه ۳۸ گفته که مدرکی مبنی بر اینکه پوریا در آن زمان ماهیت جرم را تشخیص نمی‌داده، وجود ندارد. این در حالی است که قانوناً این نظر را کمیسیون پزشکی و پزشکی قانونی باید اعلام کند.

در آخر، ریاست شعبه ۳۸ به وکیل پوریا گفته است که هر بار که اعاده دادرسی را رد می‌کند، زیرا ماده ۹۱ را شخصاً قبول ندارد.

در بخشی از حکم محکومیت پوریا به اعدام، به صورت مبهم و اشتباه آمده: «دفاعیات وی و وکیل مدافع ایشان نیز مؤثر در مقام نبوده و با اوصافی که گذشت، بلوغ شرعی و قانونی نیز دارد. منصرف از اینکه شناسنامه وی یکی دو سال با سن واقعی او اختلاف هم اگر داشته باشد و سال تولد وی ۱۳۷۱ فرض شود، باز بالغ بر ۱۸ سال سن دارد».

در این حکم که از سوی شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی همت‌یار صادر شده، قاضی بدون ارسال به پزشکی قانونی نتیجه گرفته که این کودک-مجرم بلوغ شرعی و قانونی دارد و بالغ بر ۱۸ ساله بودن پوریا را نسبت به روز صدور حکم حساب کرده است و نه روز ارتکاب قتل.

در ۲۰ روز گذشته دو کودک-مجرم به نام‌های علی کاظمی و محبوبه مفیدی اعدام شدند. این افراد هم طبق ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی، برای تعیین رشد عقلی به پزشکی قانونی اعزام نشده بودند.

ایران جزر کشورهایی است که میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را امضا کرده که طبق آن اعدام کودکان ممنوع شده است.

## حق آیندگان

ایران پیمان نامه حقوق کودک را هم امضا کرده که طبق ماده ۳۷ آن، اعدام و سلب حیات و همین طور حبس ابد غیرقابل بخشش برای کودکان ممنوع اعلام شده



### اعتراض سازمان عفو بین‌الملل به اعدام یک جوان ۲۲ ساله در ایران

علی کاظمی ظهر ۱۰ بهمن در زندان بوشهر به دار آویخته شد. گفته می‌شود او تا یک ساعت پس از اجرای حکم اعدام در قید حیات بوده و نهایتاً در بیمارستان جان باخته است.



### نوعروس ۱۷ ساله را مخفیانه اعدام کردند

محبوبه مغیدی را در ۱۷ سالگی به عقد مردی درآوردند. او متهم بود بعد از فقط یک ماه همسرش را به قتل رسانده. این سومین اعدام یک کودک-مجرم در یک ماه در ایران است.

است



## در ایران در یک ماه سه متهم زیر ۱۸ سال اعدام شدند

دیده‌بان حقوق بشر اعلام کرد که در ماه ژانویه ۲۰۱۸ حداقل سه «مجرم کودک» در نقاط مختلف ایران اعدام شده‌اند. این نهاد حقوق بشری از جمهوری اسلامی خواست به اعدام افرادی که در هنگام ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال بوده‌اند، پایان دهد.

دیده‌بان حقوق بشر روز چهارشنبه (۱۸ بهمن/۷ فوریه) از اعدام سه کودک در ماه ژانویه ۲۰۱۸ خبر داد. طبق گزارش این نهاد حقوق بشری اعدام‌ها با فاصله زمانی یک روز انجام گرفته است.

علی کاظمی در ۱۵ سالگی متهم شده بود که در جریان دعوایی گروهی یک نفر را کشته است  
علی کاظمی در ۱۵ سالگی متهم شده بود که در جریان دعوایی گروهی یک نفر را کشته است

به گفته این سازمان حقوق بشری مقامات زندان کرج (۴ ژانویه) امیرحسین پورجعفر را به جرم تجاوز در ۱۶ سالگی به دختری سه ساله و قتل او اعدام کرده‌اند. پورجعفر در زمان اعدام ۱۸ ساله بوده است. او در ۳۰ دسامبر ۲۰۱۷ به روزنامه‌ی شرق گفته بود که در زمان ارتکاب جرم تحت تأثیر الکل بوده است. مجتبی فرحبخش، وکیل پورجعفر، هم به روزنامه شرق گفته بود که موکلش در دوران بازداشت در یک بیمارستان روانی بستری شده بوده، اما با وجود این اعدام شده است.

علی کاظمی را هم به جرم قتلی که در سن ۱۵ سالگی مرتکب شده بود (۳۰ ژانویه) در نوشهر اعدام کردند. او متهم شده بود که در جریان یک دعوی گروهی مرد دیگری را کشته است. کاظمی به هنگام اجرای حکم اعدام ۲۲ سال سن داشت.

## اعتراض آلمان به اعدام کاظمی

اعدام کاظمی اعتراض نهادهای حقوق بشری را در سطح جهان برانگیخت. بربل کوفلر، مسئول امور حقوق بشر در دولت آلمان روز ۱۱ بهمن ماه (۳۱ ژانویه) اعدام علی کاظمی در ایران را محکوم کرد و آن را «غیرقابل قبول» و ناقض قوانین بین‌المللی خواند.

مسئول امور حقوق بشر در دولت آلمان گفت، وکیل این جوان حتی از تصمیم‌گیری درباره اجرای حکم اعدام موکل خود بی‌اطلاع بوده است.

نفر سوم اعدامی‌های زیر ۱۸ سال در ماه ژانویه خانم محبوبه مفیدی است. او در زندان نوشهر مازندران به جرم قتل همسرش اعدام شده است. محبوبه مفیدی در ۱۳ سالگی ازدواج کرده بود و در هنگام ارتکاب جرم (سال ۲۰۱۴) ۱۷ ساله بود.

این آمار مربوط به اعدام افراد زیر ۱۸ سال در ایران فقط در ماه ژانویه ۲۰۱۸ است که از طرف نهادهای حقوق بشری رسانه‌ای شده است.

سارا لی ویتسون، مدیر بخش خاورمیانه‌ی دیده‌بان حقوق بشر می‌گوید: «به نظر می‌رسد ایران با اعدام چند کودک و آغازی خونین در سال ۲۰۱۸ تصمیم دارد هر برداشت مثبتی که از اصلاحات سال گذشته در این کشور بر قوانین اعدام‌های مربوط به جرایم مواد مخدر شکل گرفته بود را از بین ببرد.»

خانم ویتسون تاکید می‌کند: «قوه‌ی قضائیه‌ی ایران چه زمانی می‌خواهد واقعاً مأموریتش را انجام دهد، عدالت را تضمین کند، و اقدام اسفناک اعدام کودکان را پایان دهد؟»

## نقض حکم اعدام ۶ نوجوان زیر ۱۸ سال در ایران

دیده‌بان حقوق بشر در تارنمای خود در رابطه با اعدام افراد زیر ۱۸ سال در ژانویه ۲۰۱۸ می‌نویسد که ایران یکی از تنها ۴ کشوری است که از سال ۲۰۱۳ کودکان مجرم را اعدام کرده است. دیگر کشورها پاکستان، عربستان سعودی و یمن هستند. غزه نیز کودکانی را اعدام کرده است. به گفته این نهاد حقوق بشری، ایران به کنوانسیون حقوق کودک پیوسته که اعدام کودکان مجرم را ممنوع می‌کند.

دیده‌بان حقوق بشر از قوه قضائیه جمهوری اسلامی خواسته است اعدام‌ها را متوقف کند، و به سمت حذف مجازات مرگ برود.



## کودکان از صف اعدام در ایران

تعداد زیادی از کودکان با مجازات اعدام مواجه هستند

اعدام گروهی ۲۰ زندانی در زندان رجایی شهر در ایران تنها خبر ناگوار این کشور در هفته‌ی گذشته نبود. در تاریخ ۱ اوت، "علیرضا تاجیکی" که در سن ۱۵ سالگی بازداشت و در طی محاکمه‌ای که از پایین‌ترین حد استانداردهای بین‌المللی برخوردار بود به اعدام محکوم شد، به

## حق آیندگان

لطف تلاشهای خانواده و وکیل پرونده "نسرین ستوده" از مرگ نجات یافت. اما متاسفانه این تعویق اجرای حکم موقت است.



علیرضا در حال حاضر ۱۹ سال دارد و به اتهام "قتل و تجاوز" به اعدام محکوم شده و قرار بود به این اتهام در تاریخ ۳ اوت اعدام شود. امین تاجیکی، برادر علیرضا به دیده بان حقوق بشر گفت که خانواده این زندانی درخواست اعاده دادرسی بر اساس شواهد جدید را کرده اند اما دادگاه این درخواست را رد کرده است.

با وجود انکار رئیس قوه قضائیه "آیت الله صادق آملی لاریجانی"، در ایران تعداد زیادی کودک به اعدام محکوم شده اند. سازمان عفو بین الملل ۴۹ کودک زیر حکم اعدام را در ایران شناسایی کرده و از طرف دیگر سازمان ملل متحد معتقد است که این تعداد می تواند تا ۱۶۰ کودک افزایش پیدا کند. اکثر کودکان در ایران به اتهام قتل در دادگاه هایی که از استانداردهای بین المللی، بسیار فاصله دارند به اعدام محکوم شده اند. در بسیاری از موارد شکنجه و بدرفتاری با آنها در بازداشتگاه گزارش شده است.

## حق آیندگان

سازمان عفو بین الملل گزارش داد که مقامات ایرانی "حسن افشار" که در سن ۱۷ سالگی دستگیر شده بود را به اتهام "لواط به عنف" در تاریخ ۱۸ ژوئیه در حالی اعدام کرده‌اند که وی هیچ‌گاه دسترسی به وکیل نداشته است.

ایران به عنوان یک عضو "میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی" و "کنوانسیون حقوق کودک" موظف به پایان دادن به اعدام کودکان شده است. با این وجود این کشور تنها چند گام کوچک در این زمینه برداشته است. از سال ۲۰۱۳ قضات این اختیار را دارند که در صورتی که کودکان ماهیت عمل خود را در هنگام وقوع جرم درک نکرده باشند حکم مرگ صادر نکنند. قضات اکنون می‌توانند نظر پزشک قانونی را برای ارزیابی وضعیت روانی کودک جویا شوند. همچنین تمام کودکان محکوم به اعدام که زیر سن قانونی بازداشت شده‌اند می‌توانند مطابق قانون سال ۲۰۱۳ در خواست اعاده دادرسی دهند.

اما نه تنها این اصلاحات جدید موفق به پایان دادن به اعدام کودکان در ایران نشد، بلکه در عمل مراجع قضائی با سوء استفاده مداوم این اصلاحات را نفی می‌کنند. مقامات ایرانی اغلب اجازه دسترسی کودکان به یک وکیل پیش از محاکمه را نمی‌دهند. بسیاری از کودکان بیش از یک دهه در صف اعدام بسر برده‌اند و طبق اظهارات معتبر تحت شکنجه از ایشان اعتراف اخذ شده است.

در حال حاضر قوه قضائیه ایران باید با برگزاری دادگاه‌های عادلانه و مطابق با استانداردهای بین‌المللی همه کودکان مجرم را از سرنوشت شوم اعدام نجات دهد. در گام نخست کودکان مجرم مانند علیرضا هرگز نباید در انتظار اعدام بسر برند

## **انتقاد شدید عفو بین الملل از اعدام یک نوجوان در ایران**

سازمان عفو بین الملل دستگاه قضایی جمهوری اسلامی را به خاطر اعدام یک نوجوان در زندان اراک به شدت محکوم کرد. این سازمان می‌گوید "شوق نفرت‌انگیز" مقام‌های قضایی ایران برای اعدام نوجوانان مرزی نمی‌شناسد.



سازمان عفو بین‌الملل در بیانیه‌ای که شامگاه سه‌شنبه (۱۲ مرداد/ ۲ اوت) منتشر شد، جمهوری اسلامی را به نقض میثاق‌های بین‌المللی مبنی بر ممنوعیت اعدام افرادی که هنگام ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال سن داشته‌اند، متهم کرد.

مطابق این بیانیه جوان ۱۹ ساله‌ای به نام حسن افشار که سال گذشته به اتهام "لواط" محاکمه و محکوم شده بود، ۲۸ تیرماه در زندان اراک اعدام شده است.

عفو بین‌الملل با اشاره به این که حسن افشار در زمان بازداشت ۱۷ ساله بوده، مقام‌های قضایی ایران را متهم کرده که ظاهراً در محکوم کردن این نوجوان به اعدام عجله نیز داشته‌اند و حکم را تنها دو ماه پس از بازداشت این دانش‌آموز دبیرستانی صادر کرده‌اند.

نادیده گرفتن میثاق‌های بین‌المللی

بنابر این گزارش حکم اعدام حسن افشار در حالی اجرا شده که دفتر رئیس قوه قضائیه به خانواده او وعده داده بود، پرونده در هفته پایانی شهریور ماه بار دیگر بررسی شود.



بر اساس برآورد سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر، از سال ۲۰۰۵ تاکنون دست‌کم ۷۳ متهم نوجوان در ایران اعدام شده‌اند

## حق آیندگان

این نخستین مورد اعدام یک متهم نوجوان در سال جاری میلادی است. این کار اما در گذشته بارها تکرار شده و گفته می‌شود، حدود ۱۶۰ نفر دیگر که در نوجوانی محکوم به اعدام شده‌اند در زندان‌های ایران به سر می‌برند.

به گفته‌ی مدیر بخش خاورمیانه و شمال آفریقای سازمان عفو بین‌الملل اجرای حکم اعدام افشار ثابت می‌کند که "شوق نفرت‌انگیز" دستگاه قضایی جمهوری اسلامی برای اعدام نوجوانان و بی‌اعتنایی به حقوق بین‌المللی مرزی نمی‌شناسد.

او افزود مقام‌های قضایی به بهانه اجتناب از آزار دیدن این متهم مدت هفت ماه حکم اعدام را به اطلاع افشار نرساندند، اما در نهایت این حکم را اجرا کردند و بار دیگر نشان دادند چگونه به راحتی قوانین حقوق بشری را نادیده می‌گیرند.

تعویق دوباره اعدام تاجیکی

سازمان عفو بین‌الملل در ادامه خاطر نشان کرد که دستگاه قضایی جمهوری اسلامی چند روز پس از اعدام افشار، از برنامه اعدام جوان دیگری به نام علیرضا تاجیکی در روز چهارشنبه، ۱۳ مرداد خبر داده بود.

علیرضا تاجیکی که اکنون ۱۹ سال دارد، از ۱۵ سالگی به اتهام تجاوز و قتل به اعدام محکوم شده و در زندان عادل‌آباد شیراز به سر می‌برد.

قرار بود حکم تاجیکی خرداد ماه امسال به اجرا گذاشته شود که به تعویق افتاد. به گفته عفو بین‌الملل اجرای این حکم به خاطر فشار افکار عمومی و اعتراض‌های بین‌المللی بار دیگر به تعویق افتاده است.

فعالان حقوق بشری دستگاه قضائی جمهوری اسلامی را متهم می‌کنند که به جای تغییر قوانین و پایبندی به میثاق‌های بین‌المللی که ایران نیز به اجرای آن متعهد شده، تنها زیر فشار افکار عمومی اجرای حکم اعدام را به تعویق می‌اندازد یا مانند مورد حسن افشار این کار را بدون خبررسانی انجام می‌دهد.

## فشار افکار عمومی

ایران از جمله امضاءکنندگان میثاق بین‌المللی حقوق کودکان و نوجوانان است. این میثاق اعدام افرادی را که هنگام ارتکاب جرم به سن قانونی ۱۸ سال نرسیده باشند، ممنوع کرده است.



عبدالکریم لاهیجی در جمهوری اسلامی برای موجه جلوه دادن اعدام متهمان نوجوان، اجرای حکم این افراد تا زمانی که به سن ۱۸ سالگی برسند به اجرا گذاشته نمی‌شود.

عبدالکریم لاهیجی، رئیس فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر می‌گوید، جمهوری اسلامی ایران سال‌هاست که در زمینه اعدام متهمان نوجوان رتبه نخست در جهان را به خود اختصاص داده و تا کنون "چندین متهم نوجوان" را پیش از رسیدن به سن ۱۸ سالگی اعدام کرده است.

او روز سه‌شنبه (۱۲ مرداد/ ۲ اوت) در نامه‌ای سرگشاده که نسخه‌ای از آن به دست دویچه‌وله رسیده، از کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحده درخواست کرد که با اقدامی فوری از اعدام علیرضا تاجیکی در ایران جلوگیری کند. بر اساس برآورد سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر، از سال ۲۰۰۵ تاکنون دست‌کم ۷۳ متهم نوجوان در ایران اعدام شده‌اند.



## بخش هفتم

# از دواج کودکان



## ازدواج کودکان در هفت شهر خراسان رضوی در سن زیر ۱۰ سال

خبرگزاری هرانا - مدیرکل دفتر امور زنان و خانواده استانداری خراسان رضوی گفت "به گزارش ثبت احوال تنها ۱۰ دختر در هفت شهر خراسان رضوی در سن زیر ۱۰ سال ازدواج کرده‌اند و ازدواج ۲۷ پسر زیر ۱۵ سال نیز ثبت شده است که باید تلاش شود این آسیب‌ها به حداقل برسد." وی افزود "بر اساس یک پژوهش در هفت استان کشور در حوزه ازدواج کودکان، خراسان رضوی در بین آن‌ها بدترین شرایط را دارد."

به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از ایسنا، فرشته سلجوقی امروز، ۲۲ تیرماه، در سمینار تخصصی «آسیب‌شناسی ازدواج کودکان در مشهد»، با اشاره به اینکه آمارهای ارائه شده در کودک‌آزاری بسیار غیر واقعی است، عنوان کرد: "بر اساس آمار بهزیستی میزان کودک‌آزاری در سال گذشته ۹۴ مورد است، اما آیا ۹۴ مورد کودک‌آزاری در یک سال بیانگر واقعیت‌های حوزه کودکان است؟ قطعاً نیست البته در همین آمار خشونت علیه دختران، دو برابر پسران است."

وی خاطرنشان کرد: "به گزارش ثبت احوال تنها ۱۰ دختر در هفت شهر خراسان رضوی در سن زیر ۱۰ سال ازدواج کرده‌اند و ازدواج ۲۷ پسر زیر ۱۵ سال نیز ثبت شده است که باید تلاش شود این آسیب‌ها به حداقل برسد." مدیرکل دفتر امور زنان و خانواده استانداری خراسان رضوی با بیان اینکه در سال‌های گذشته گام‌های موثری در راستای احقاق حقوق کودکان برداشته شده است، اظهار کرد: "امیدواریم که واقعه دردناک ستایش‌ها، آتناها و کیاناها که وجدان جامعه را زخمی کرده آنچنان به حرکت درآورد که دیگر شاهد چنین فجایی در حوزه کودکان نباشیم."

با بیان اینکه آسیب‌های اجتماعی آتشی است که خشک و تر را با هم می‌سوزاند، تصریح کرد: "اگر همه ما تصمیم گرفته و در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی با هم همکاری کنیم و به این مسئله ایمان داشته باشیم بدون تردید می‌توانیم گام‌های موثری در این زمینه برداریم بنابراین باید همه بخش‌ها به ویژه دولتی شرایط را برای حضور و فعالیت بخش خصوصی و غیردولتی در این امور تسهیل کنند." وی با اشاره به مهم‌ترین مشکلات موجود در موضوع ازدواج کودکان،

## حق آیندگان

خاطر نشان کرد: “محرمانه محسوب شدن بسیاری از آمارهای موردنیاز در حوزه کودکان در بخش‌های حاکمیتی یکی از معضلات و چالش‌های جدی است در این حوزه است”



مدیرکل دفتر امور زنان و خانواده استانداری خراسان افزود: “ممکن است بسیاری از آمارها را برای جلوگیری از تشویش اذهان رسانه‌ای نکنیم، اما چرا نباید اطلاعات در اختیار بخش‌های مرتبط دولتی و خصوصی فعال در این حوزه قرار گیرد و تشکلهایی که به خوبی در این زمینه فعالیت می‌کنند از این آمارها محروم باشند؟” بسیاری از حوزه‌هایی که برای اقدام و کاهش این آسیب‌ها نیازمند آمار، اطلاعات صحیح و واقعی هستند از این آمار محرومند و محدودیت‌ها به حدی است که بعضی آمارها در اختیار ما به عنوان متولی و بخش حاکمیتی نیز قرار نمی‌گیرد.” معضل بزرگتر را عدم آشنایی مدیران دستگاه‌های اجرایی و سازمان‌های دولتی در خصوص وظایف و مسئولیت‌هایشان در حوزه کودکان برشمرد و گفت: “ازدواج امری مقدس است، اما وقتی برای کودکان رخ می‌دهد نه تنها تقدس خود را از دست می‌دهد بلکه تبدیل به آسیبی خطرناک می‌شود.” وی افزود: “بر اساس یک پژوهش در هفت استان کشور در حوزه ازدواج کودکان، خراسان رضوی در بین آنها بدترین شرایط را دارد.”

## جدیدترین آمار از ازدواج کودکان در ایران



۱۷ درصد از ازدواج‌های کشور مربوط به ازدواج دختران زیر ۱۸ سال بوده و همچنین آنکه در سال ۹۴ بیش از پنج درصد ازدواج‌ها در سنین کمتر از ۱۵ سالگی ثبت شده؛ این در حالیست که این آمار تنها آمار ازدواج‌های ثبت شده در دوران کودکی است.

به گزارش ایسنا، زهرا کهرام دبیر سمینار ازدواج کودکان در مناطق حاشیه که عصر روز گذشته در دانشگاه علم و صنعت با حضور فعالان اجتماعی، حقوقی، دانشگاهی و ... برگزار شد، با بیان آنکه جمعیت امداد دانشجویی امام علی (ع) پژوهشی را در خصوص عوامل و پیامدهای ازدواج کودکان در محلات حاشیه‌ای کشور در میان اقوام مختلف انجام داده است، اظهار کرد: از سال ۹۲ سمینارهای تخصصی جمعیت امام علی (ع) در زمینه‌های مختلفی همچون کودکان کار و خیابان، اعتیاد کودک و ... برگزار شد و امروز یکی دیگر از مسائلی که ما به عنوان فعال اجتماعی هر روز با آن درگیر هستیم و نباید در مقابل آن سکوت کنیم مسئله نگران کننده و تلخ «ازدواج کودک» در کشور است.

وی در تشریح نتایج پژوهش مذکور گفت: تعداد زیادی از ازدواج‌هایی که در سنین کودکی رخ می‌دهند، به هیچ عنوان ثبت نمی‌شوند و به همین دلیل کودکان حاصل از این ازدواج‌ها فاقد شناسنامه بوده و در نهایت به جمعیت پنهان کشور می‌افزایند، این در حالیست که هر چند در حاشیه شهرها ازدواج در سن پایین رواج دارد اما از طرفی در متن شهر و به ویژه در مناطق مرفه‌نشین سن ازدواج رو به افزایش بوده و بالاتر می‌رود.

## حق آیندگان

وی ادامه داد: پژوهش جمعیت امام علی (ع) در خصوص ازدواج کودکان در میان اقوام مختلف ایران، تابستان و پاییز ۹۵ در ۱۷ استان کشور بر روی بیش از ۵۰۰ مورد کودکی که تجربه ازدواج در سنین پایین داشته‌اند انجام شده است.

وی افزود: مطالعات و شواهد موجود نشان می‌دهد که ریشه بسیاری از معضلات زنان به ازدواج آنها در سنین کودکی باز می‌گردد از جمله این معضلات می‌توان به رشد بی‌رویه جمعیت بدون اوراق هویتی در مناطق حاشیه، محرومیت از تحصیل، ثبت نشدن ازدواج‌ها و شیوع پدیده کودک - بیوه و ... اشاره کرد.



وی در ادامه ضمن اشاره به نبود آمار دقیق از ازدواج‌ها و طلاق‌های ثبت نشده در کشور، عدم توجه به جمعیت پنهان در سیاستگذاری‌های کشور، فقدان بررسی‌ها و اقدامات لازم در خصوص آسیب‌های اجتماعی حاصل از ازدواج کودکان، رشد منفی جمعیت در مرکز شهرها و رشد مثبت جمعیت در حاشیه شهرها و همچنین کاهش شاخص توسعه انسانی در کل کشور، گفت: همه این عوامل باعث شده‌اند که به اهمیت بررسی مسئله ازدواج کودک در ایران واقف شویم و این موضوع را در دستور کار خود قرار دهیم زیرا در حال حاضر لزوم ارائه راهکارهایی به منظور به حداقل رساندن آسیب‌های ناشی از ازدواج کودک به ضرورت در جامعه احساس می‌شود.

دبیر سمینار ازدواج کودک ادامه داد: این پژوهش در استان‌های قم، خوزستان، سیستان و بلوچستان، تهران، بوشهر، خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، گلستان، مازندران، ایلام، اصفهان،

## حق آیندگان

هرمزگان، البرز، کرمانشاه، کرمان، زنجان و همدان انجام شده است و موارد مورد مطالعه در آن زنان و مردان کمتر از ۳۵ سالی که قبل از ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند، بودند.

وی ادامه داد: بر اساس ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط به اذن ولی به شرط مصلحت با تشخیص دادگاه صالحه است.

وی در خصوص آمار و ارقام ازدواج کودکان در ایران نیز اظهار کرد: ۱۷ درصد ازدواج دختران در ایران پیش از رسیدن به ۱۸ سالگی بوده و طبق تازه‌ترین آمار ثبت شده در سازمان ثبت احوال کشور بر اساس آمار ۹ ماهه اول سازمان ثبت احوال ایران در سال ۹۴ اعلام شد که بیش از ۵ درصد زنانی که در این مدت ازدواج کرده‌اند کمتر از ۱۵ سال سن داشته یعنی ۲۸ هزار و ۲۴۲ نفر قبل از رسیدن به ۱۵ سالگی ازدواج کرده‌اند و بیش از ۲۰۴ هزار ازدواج دختران در سنین ۱۵ تا ۱۹ سال در این دوره از سال ثبت شده است.

کهرام ادامه داد: بر اساس آمار رسمی ثبت شده بیشترین آمار ازدواج و طلاق کودکان در استان‌های سیستان و بلوچستان، خوزستان، خراسان رضوی، آذربایجان شرقی و غربی، فارس، زنجان، تهران، همدان و مازندران است.

وی در خصوص علل ازدواج کودک در ایران نیز بر اساس این پژوهش اظهار کرد: ارزش‌های سنتی و مذهبی در راستای حفظ آبرو و شرف خانوادگی در زمینه فرهنگی در راستای سیستم پدرسالاری از عوامل موثر بر ازدواج کودکان در ایران محسوب می‌شود.

دبیر سمینار ازدواج کودک ادامه داد: آسیب‌های اجتماعی خانواده از جمله فقر، محرومیت از تحصیل، اعتیاد و مهاجرت در راستای کاهش بار اقتصادی و تامین هزینه‌های ناشی از اعتیاد خانواده از دیگر عوامل ازدواج زودرس کودکان در ایران محسوب می‌شود.

کهرام در ادامه پیامدهای ازدواج کودک را در دو جنبه اجتماعی و جسمی دانست و گفت: پیامدهای اجتماعی ازدواج کودک از جمله ثبت نشدن ازدواج‌ها و نداشتن اوراق هویتی، ظهور پدیده کودک بیوه، خشونت خانگی و همسرآزاری، رشد بی رویه جمعیت پنهان در مناطق

## حق آیندگان

حاشیه، تن فروشی، فرار از خانه، کارتن خوابی، محرومیت تحصیلی، فاصله سنی زیاد با همسر، خودسوزی و خودکشی، محدودیت حمایت اجتماعی و قانونی با تولید چرخه اعتیاد، نداشتن مهارت برای ورود به بازار کار، نداشتن مهارت فرزندپروری، بازتولید چرخه فقر، چرخه کار کودک و چرخه ازدواج کودک است.

وی در خصوص پیامدهای جسمی ازدواج کودک نیز تصریح کرد: افزایش سقط، زایمان زودرس، افزایش تولد نوزادان کم وزن در سنین نوجوانی، فشار زیاد برای بارداری، حاملگی و سایر بیماری‌های مرتبط با HIV مثبت، افزایش آسیب پذیری در برابر انزوای اجتماعی، بلوغ زودرس، سوء تغذیه، شاخص و توده بدنی پایین، قد کوتاه، لگن باریک، زایمان طولانی، خونریزی شدید، عدم آگاهی از بهداشت باروری و تنظیم خانواده و ... نیز از پیامدهای جسمی ازدواج کودکان محسوب می‌شود.

وی در خصوص پیامدهای روانی ازدواج کودک نیز اظهار کرد: شیوع اختلالات خلقی از جمله افسردگی، اختلالات اضطرابی، وسواس و اختلالات پانیک، فقدان رسیدن به استقلال شخصی و بلوغ فکری، جدایی از خانواده و دوستان، از دست دادن حمایت آنها همچنین از دست دادن آزادی تعامل با همسالان و مشارکت در فعالیتهای اجتماعی، تضعیف فرصت‌های رشد و توسعه و طی کردن ناقص مراحل رشد روانی اجتماعی از پیامدهای روانی ازدواج کودکان است.

دبیر سمینار ازدواج کودک در خصوص پراکندگی قومیتی ازدواج کودک در ایران نیز اظهار کرد: این مسئله ۱۵ درصد در میان اقوام ترک، ۴,۵ درصد در اقوام کرد، ۳,۸ درصد در اقوام لر، ۱۵ درصد فارس، ۴,۵ درصد لک، ۸,۵ درصد بلوچ، ۸ درصد عرب، ۲,۵ درصد سیستانی، ۴,۷ درصد هزاره، ۸ درصد پشتو، ۱۰ درصد تاجیک، ۱۲ درصد مازنی، ۲,۵ درصد ازبک، ۰,۵ درصد گیلک و ۰,۵ درصد در میان سایر اقوام پراکندگی دارد.

## حق آیندگان

کهرام در خصوص شیوع جنسیتی ازدواج کودک در ایران اعلام کرد: فراوانی ازدواج کودک در ایران ۳۵ درصد در میان مردان و ۶۵ درصد در میان زنان است و از نظر میزان سواد نیز ۳۷,۵ درصد آنها بی سواد، ۳۷,۵ درصد کمتر از سیکل، ۲۲ درصد کمتر از دیپلم و ۳ درصد بالاتر از دیپلم هستند. دبیر سمینار ازدواج کودک در خصوص میزان درآمد این افراد نیز اظهار کرد: ۶۹,۵ درصد آنها میزان درآمد ماهیانه‌شان در صورت شاغل بودن کمتر از ۵۰۰ هزار تومان، ۲۷ درصد بین ۵۰۰ تا یک میلیون تومان، و ۳,۵ درصد بیش از یک میلیون تومان است.

وی در خصوص وضعیت تاهل آنها نیز گفت: ۸۲ درصد این افراد همچنان متاهل، ۵ درصد مطلقه، ۵ درصد دارای همسر فوت شده، ۴ درصد همسر رها کرده، ۲ درصد همسر از کار افتاده و ۲ درصد همسران زندانی هستند.

وی در خصوص سن ازدواج در این افراد نیز تصریح کرد: ۲۵,۵ درصد بین ۱۱ تا ۱۳ سال، ۵۵ درصد بین ۱۴ تا ۱۶ سال، ۱۸ درصد بین ۱۷ تا ۱۸ سال و ۲ درصد کمتر از ۱۰ سالگی ازدواج کرده‌اند.

دبیر سمینار ازدواج کودک در خصوص وضعیت اعتیاد در میان آنها نیز گفت: ۷۸ درصد این افراد دارای پدر معتاد، ۱۶ درصد دارای مادر معتاد و ۶ درصد دارای والدین معتاد بوده‌اند.

وی دلایل ازدواج این افراد را نیز تصریح کرد: ۶۸ درصد این افراد به علت سنت‌های قومی، ۲ درصد به علت اعتیاد، ۹ درصد فقر، ۱۷ درصد علاقه و ۱۱ درصد بنا به سایر علل مجبور به ازدواج در کودکی شده‌اند.



## حق آیندگان

دبیر سمینار ازدواج کودک در خصوص رضایت این افراد از سن ازدواجشان نیز گفت: ۴۰ درصد این افراد اصلاً از سن ازدواج خود راضی نبودند، ۱۱ درصد خیلی کم، ۱۲ درصد کم، ۱۳ درصد تا حدودی، ۱۷ درصد زیاد و ۷ درصد خیلی زیاد از ازدواجشان در سن کودکی راضی هستند.

وی در خصوص سابقه سقط جنین این افراد نیز گفت: ۸۰ درصد آنها سابقه سقط مکرر نداشته و ۲۰ درصد نیز سابقه سقط داشتند؛ همچنین آنکه ۵۶ درصد از این افراد از وسایل پیشگیری از بارداری استفاده کرده و ۴۴ درصدشان نیز از این وسایل استفاده نکرده‌اند؛ علاوه بر آن ۱۱ درصد از این افراد ازدواج قبل از بلوغ داشته، ۷۴ درصد ازدواج بعد از بلوغ و ۱۵ درصد ازدواج همزمان با بلوغ را تجربه کرده‌اند. کهرام در خصوص میزان تجربه خشونت‌های خانگی در این افراد نیز اظهار کرد: ۴۷ درصد این افراد دارای تجربه کوفتگی، ۲۱ درصد جراحی، ۵۳ درصد شکستگی و ۳ درصد نقص عضو شدند؛ این در حالیست که ۵ درصد از آنها اختلاف سنی ۱۵ تا ۴۰ سال، ۱۰ درصد اختلاف سنی ۱۰ تا ۱۵ سال و ۸۵ درصد اختلاف سنی کمتر از ۱۰ سال را تجربه کرده‌اند. وی در پایان پیشنهاد کرد: به منظور جلوگیری از بروز و شیوع این آسیب در کشور می‌توان فرهنگ سازی از طریق رسانه، آموزش و پرورش، ایجاد زیرساخت‌های آموزشی، ضمانت اجرایی برای تحصیل کودکان، ارائه پیشنهادات کاربردی و تخصصی در راستای اصلاح ساختارهای اجرایی و سنت‌ها را در دستور کار قرار داد.

## بخش هشتم

# مقالات نقض حقوق کودک



## چرا اعدام؟

لیدا اشجعی



بی عدالتیها به چوبه های دار قربانیان را می آویزند ، تا مستبدان به چشم جامعه ، تجسم عدالت به حساب آیند. منشا اعدام پدیده ایست مشترک که ریشه ان نظامهایی را به چالش می خواند که ناتوان از توان بخشیدن به پویایی حقوق انسانی در حوزه حکومت و دولت زیر دست ان عمل میکنند ، نظامهایی که در روابط اجتماعی در قوانین جزایی خود اعدام را ابزاری بازدارنده در مقابل هجوم جرائم و ان را اصل مسلم و حق قربانی ترسیم میکنند ، تا در کنترل

## حق آیندگان

و نقش پاسداری جامعه بی سؤال محق قلمداد شوند. جامعه ایران از بدو تشکیل جمهوری اسلامی با تهاجم گسترده این پدیده روبرو بوده که تا کنون همچنان چرخ این ابزار چرخیده و قربانیان خود را بلعیده و پا بر جا به داد عدالت خانه جمهوری اسلامی در اجرای قوانین جزا به کار آمده تا این جمهوری تبلور عدالت اسلامی باشد. واما این تهاجم این سؤال را به جا میگذارد که بازتاب جامعه ایران نسبت به این بی عدالتی چه بوده است؟ و چرا انسانهایی که برای لغو این پدیده شوم به پا خواسته اند، در بی اغوشی اتحاد مردمانش در گوشه های تاریک زندانها جسمشان رنگ می بازد که حتی برای شنیدن صدای فرزند از حق مادری محروم می شوند، انسانهایی که با زبانی گویا حیات و بقای هر جامعه را در پیوند احیای حقوق انسانی ان می جویند و انرا فریاد کرده و میکنند، که با خموشی مردم به طول روزهای زندانی آنان اضافه می شود، آیا این خموشی از نبود آگاهی و اتحاد خود جوش برای لغو اعدام نیست؟ از انجائیکه اعدام در ایران قانونی است. جرائمی که در قانون برای اعدام پیش بینی شده شامل قتل، تجاوز، آزار جنسی کودکان، لواط، قاچاق مواد مخدر، سرقت مسلحانه، آدم ربایی و محاربه می باشند.

بنا بر گزارش احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران، از اول ژوئیه ۲۰۱۳ تا آخر ژوئن ۲۰۱۴ (۱۰ تیر ۱۳۹۲ تا ۹ تیر ۱۳۹۳)، تعداد اعدام شدگان در ایران به رقم کم سابقه ۸۵۲ نفر رسیده است. آقای شهید، در ششمین گزارش خود از وضعیت حقوق بشر در ایران، که برای بررسی در نشست اکتبر مجمع عمومی سازمان ملل متحد تهیه شده، تصریح کرده که در شش ماهه اول سال ۲۰۱۴ (۱۱ دی ۱۳۹۲ تا ۹ تیر ۱۳۹۳) ۴۱۱ نفر اعدام شده اند که ۸ نفر آنها هنگام ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال سن داشته اند.

این تعداد اعدام در سال ۲۰۱۴ در حالی صورت گرفته که روند صدور احکام اعدام در ایران در یک دهه گذشته، رو به افزایش بوده و از ۹۹ مورد در سال ۲۰۰۴، به ۶۸۷ مورد در سال ۲۰۱۳ رسیده است.

بنا بر گزارش سازمان عفو بین الملل ایران در سال ۲۰۱۴ میلادی در اجرای حکم اعدام پیشتر بود. بر اساس این گزارش بیشترین حکم اعدام در جهان در این سال در ایران اجرا شده است

## حق آیندگان

در سال ۲۰۱۶ تعداد ۳۰۰ گزارش از سوی نهاد آمار و نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران به ثبت رسیده است که شامل محکومیت ۴۵۷ نفر به اعدام و اجرای حکم اعدام ۵۰۸ نفر می باشد که از این تعداد ۳۲ نفر در ملاء عام اعدام شدند که از میان هویت های مشخص شده اعدام شدگان، ۵۰۰ نفر از ایشان مرد یا با جنسیت نامشخص و ۸ تن زن بوده اند. بر اساس این گزارش ۵۹٪ اعدام شدگان به اتهام جرایم مربوط به مواد مخدر در ایران اعدام شدند. ۲۷٪ به اتهام قتل، ۶٪ به اتهام تجاوز به عنف و ۴٪ به اتهامات امنیتی-سیاسی در ایران اعدام شدند. مجموعاً از ۳۰۰ گزارش گردآوری شده ۳۰۱ مورد نقض حقوق برای ۹۷۱ شهروند به ثبت رسیده است. در بررسی صدور و اجرای حکم اعدام در دادگاه های مختلف کشور بر اساس جرم، جرایم مربوط به مواد مخدر با ۵۹٪ در صدر و قتل با ۲۷٪ در رده بعدی قرار دارد. استان البرز با دو زندان پرجمعیت و مهم کشور با ۳۲٪ در صدر و استان آذربایجان غربی با ۱۲٪ در رده دوم و خراسان رضوی با ۸٪ در رده سوم لیست استانهای اجرا کننده حکم اعدام در کشور قرار دارند. زندان رجایی شهر کرج و زندان مرکزی ارومیه در صدر اجرای اعدام در کشور قرار دارند. بر اساس آمارهای ارایه شده ۶٪ اعدام ها در ملاء عام و انظار عمومی به اجرا در آمده است. ۲٪ از اعدام شدگان زن بوده اند، ۶۲٪ اعدام شدگان مرد بوده اند و جنسیت ۳۶٪ اعدام شدگان نامعلوم است. اعدام زنان تقریباً دوبرابر نسبت به سال ۲۰۱۵ افزایش پیدا کرده است.

استان فارس با ۲۳٪ سهم در اجرای احکام اعدام در ملاء عام برای سومین سال متوالی در صدر تمام کشور قرار دارد در سال گذشته ۸۱٪ اعدام شدگان به صورت مخفیانه یا بدون اعلام در رسانه های جمعی اعدام شده اند. در حوزه اعدام، اجرای حکم شهروندان نسبت به سال ۲۰۱۵ دستکم ۲۲٪ کاهش داشته است، هم چنین صدور احکام اعدام نیز با کاهش ۱۴٪ همراه بوده است. تعداد اعدام ها در ملاء عام ۲۰٪ نسبت به سال ۲۰۱۵ کاهش داشته است. در مقایسه ماهانه صدور و اجرای حکم اعدام بر اساس تعداد نقض موردی حقوق بشر نسبت به سال قبل ۴٪ کاهش داشته است، بیشترین صعود در این حوزه در آگوست و بیشترین نزول در فوریه و مارچ گزارش شده است. این ارقام از انسانهایی سخن میگوید که بهای بی عدالتی در جامعه اسلامی ایران را با واگذاری حق حیات خود می پردازند، حقی که در ماده یک اعلامیه

حق آیندگان

حقوق بشر ذاتی است که در حرمت و حقوق همه انسانها را برابر میداند. و اما مصلحت نظام در جمهوری اسلامی این حق را باطل می کند. و انسانها را لایق اعدام میداند. ماده ی ۱۲۹. هر فردی در برابر جامعه اش که تنها در آن رشد آزادانه و همه جانبه ی او میسر می گردد، مسئول است.

## ده نکته با آقای قرائتی در باب ازدواج دختران در سیزده سالگی

لیدا اشجعی

در مساله ازدواج باید عجله کرد و دختر و پسر باید ازدواج کنند. البته من با ازدواج دانشجویی مخالفم، بلکه ازدواج باید دبیرستانی باشد. زیرا دختران در سن سیزده سالگی شوهر می خواهند و آن کسی که او را خلق کرده، بهتر می داند که برای او چه چیزی بهتر است.

برخی می گویند فلان پسر کفو ما نیست، این کفو به چه معناست؟ در حالی که دختر عمه پیامبر(ص) با زیدی که برده بود ازدواج کرد. متأسفانه اکنون دختران ما لیسانس می گیرند، لذا شوهر دیپلم را قبول نمی کنند و منتظر پروفیسور می مانند و چنین فردی هم نیست؛ در نتیجه سن ازدواج بالا می رود.

وقتی به عمق این گفته توجه میشود، تاریخ و ریشه دواندن این ذهنیت مذهبی را به خوبی اشکار میکند که این پدیده سیری طولانی را در تاریخ فرهنگی و سیاسی ایران پیموده است.

تهاجم اعراب به ایران نمی بایستی منزلگاه طولانی را می پیمود، مگر با اسلحه فکری و عقیدتی که با خود به همراه داشت، به هر روی انحطاد درونی سیستم دولتی ساسانیان این صفحه تهاجم را به روی متجاوزان باز نمود و در نتیجه آنها غالب آمده و با خود سوغات مذهبی را جاگزین کردند، و زمان این سوغات را سیقل داده و با فرهنگ ایرانی در امیخت و آنچه حاصل ماند امروز در طبق سیاسی اجتماعی و فرهنگی به خورد مردم ایران میرود و چهل سال است که مردم را گرفتار امواج طوفان اقتصادی و فرهنگی و سیاسی ان کرده است.

مسلمها بحث آگاهی سیاسی و اجتماعی و حقوق انسانی در این مقوله حرف اول را در کنار رفتن و شکست تحجر و واپسگرایی مستبدان میزند، ولی در حال حاضر با این حجم بزرگ

## حق آیندگان

نقصان در هر طیف از مسایل اجتماعی ایران فرصت و ظرفیت کاری و نیروی انسانی را میطلبد و مجال زمان را آنچه امروز جامعه ایران با آن دست و پنجه میساید بر کرسی نشستن همین متولیان شرع و مکتب اسلام است که هر روز از گوشه ای فتوایی میدهند و ساز علم میکنند و نسخه اجتماعی میپیچند که چگونه بتوانند با عقب راندن جامعه بر طول صدارت و بقای خود بیفزایند .

این گفته قرائتی نمیتواند بی ریشه باشد چرا که در قانون اساسی ایران مجرای اجرایی قوانین با اجازه از در قوانین شرع میگردد ، که در انتهای هر ماده ای این اصل به کار گرفته می شود که هر ماده ای از قانون اساسی را ملزم به رعایت اصول شرع میکند .همانگونه که در قرآن مردان را قیم و سرپرست زنان و مسؤول حفاظت از آنها می داند. که عنوان میشود مردان مسلط بر زنان و سرپرست ایشان اند، چرا که خداوند برخی را بر برخی دیگر برتری داده است؛ پس مردان از اموال خویش به زنان نفقه دهند و زنان شایسته و مطیع و حافظان خانه در غیاب شوهر باشند و آنچه خداوند به نگهداری آن دستور داده، نگه دارند. بنابراین این مکتب حد حقوقی ما زنان و دختران را مشخص نموده است .

وقانون مجازات اسلامی ایران که مهمترین مجموعه قوانین کیفری در جمهوری اسلامی ایران است که در هشت مرداد هزار و سیصد و هفتاد توسط کمیسیون امور قضائی مجلس شورای اسلامی تصویب و در هفت آذر هزار و سیصد و هفتاد از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام تأیید شده است از همین افکار پیروی میکند .

البته در هفت اردیبهشت سال نود و دو حسینعلی امیری عضو شورای نگهبان از تصویب نهایی قانون جدید مجازات اسلامی خبر داده بود.

در این قانون زن به عنوان برده جنسی به کار میرود و با کمی مطالعه در باره این قوانین پی خواهیم برد که در کجای قعر قهقرایی قرار داریم. ارمغان این قانون اسلامی برای زنان کشور ایران -یک - نابرابری در سهم ارث در صورت نبودن هیچ وارث دیگر به غیر از زوج یا زوجه شوهر تمام ترکه زن متوفای خود را می برد و لیکن زن فقط نصیب خود را و بقیه ترکه شوهر

## حق آیندگان

در حکم اشخاص بلاوارث و تابع ماده ۸۶۶ خواهد بود. امکان طلاق از جانب زن با شرط ضمن عقد (قانون مدنی، ماده هزار و صد و نوزده

ممنوعیت کار شب برای زنان. (قانون کار، مصوب هزار و سیصد و شصت و نه اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است. (قانون مدنی، ماده هزار و پنج

سن بلوغ-سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است. (قانون مدنی، تبصره یک، ماده هزار و دویست و ده

نکاح دختر باکره اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری اوست  
سمت قیمومت نمی تواند بدون رضایت شوهر خود سمت قیمومت را قبول کند. (قانون مدنی، ماده هزار و دویست و سی و سه، شهادت و گواهی زنا چه موجب حد شلاق باشد و چه موجب حد رجم با شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل و دو زن عادل ثابت می شود. (قانون مجازات اسلامی، ماده هفتاد و چهار .

در صورتی که زنا فقط موجب حد جلد باشد به شهادت دو مرد عادل همراه با چهار زن عادل نیز ثابت می شود. (قانون مجازات اسلامی، ماده هفتاد و پنج) شهادت زنان به تنهایی یا به ضمیمه مرد انحراف خاص مرد را ثابت نمی کند. (قانون مجازات اسلامی، ماده صد و نوزده) شوهر میتواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یازن باشد منع کند (ماده هزار صد و هفده- قضاوت و داوری-ماده واحده. قضات از میان مردان واجد شرایط زیر انتخاب می شوند. (قانون مصوب هزار و سیصد و شصت و یک

قصاص-هر گاه مرد مسلمانی عمدا زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل، نصف دیه مرد را به او بپردازد. (قانون مجازات اسلامی، ماده دویست و نه) دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به ثلث دیه کامل برسد. در آن صورت، دیه زن نصف دیه مرد است. (قانون مجازات اسلامی، ماده سیصد و یک -بنابراین این قوانین مسیر تفکر امثال آقای قرائتی- را ساخته است، این آقایان در مدرسه های دینی، درس زن ستیزی و به بردگی کشیدن آنان را میاموزند و اما در طیف مقابل این تفکر غیر انسانی با منشور اعلامیه حقوق بشر که حق حیات و برابری را برای نوع بشر به رسمیت می شناسد، آشنا



## حق آیندگان

شده ایم که زنان و مردان بر هم هیچ برتری ندارند و نوع بشر شمرده میشوند و ماده یک کنوانسیون حقوق کودک، که به کودک هویت انسانی میبخشد، از نظر این کنوانسیون، منظور از کودک افراد انسانی زیر سن هیجده سال میباشد مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود. در ماده یک کنوانسیون حقوق کودک، انسانهای زیر هیجده سال کودک به شمار میآیند،

ولی از نظر قوانین اسلامی کودک هویتی ندارد چرا که تعریفی از این هویت در قوانین اجرایی آن دیده نمی شود، دختران نه ساله را موجب ازدواج میدانند و قوانین شرع این حد را واجب می شمارد. چرا که طبق این قوانین و حکم شرع دختران در نه سال به حد بلوغ میرسند و این فجایع انسانی سالهاست که دختران کشور ما را در خود فرو میکشد قوانین بس غیر اخلاقی و ظالمانه که امار خبری نشان از آن میدهد که این فجایع انسانی چه عواقب وخیمی را در نسل بعدی به جا خواهد گذاشت. در استان اردبیل هر روز قضات، زندگی چهار دختر را با ازدواج اجباری، به محرومیت از تحصیل، تجاوز در چهارچوب زناشویی و خشونت روانی و جسمی می کشانند. - در سال گذشته سال نود معادل ظرفیت صد و نود نه مدرسه ابتدایی و راهنمایی از دانش آموز دختر، به دلیل ازدواج تخلیه شده است. هم زمان با اولین روز جهانی دختر و بچه ها، نوزده مهر هزار و سیصد و نود (یازده اکتبر دو هزار و یازده)، گروهی از کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل،

سنت ازدواج اجباری را تقبیح کردند و اعلام داشتند: "دخترانی که قربانی این ازدواج های دون شان انسان می شوند، قربانی بندگی خانگی، بردگی جنسی و نقض حقوق دیگرشان همچون حق سلامت، حق آموزش و برخورداری از حق عدم تبعیض و آزادی از خشونت فیزیکی، روانی و جنسی می شوند. براساس آمار منتشره توسط ادارات ثبت احوال، فقط در سال گذشته هزار و سیصد و نود و یک، حداقل هزار و پانصد و سی و هفت دختر زیر ده سال به ازدواج اجبار شده اند. در همان سال، تعداد ازدواج های ثبت شده دختران بین ده تا چهارده سال، بیست و نه هشتصد و بیست و هفت بوده است

جمهوری اسلامی آمار را که سن دقیق این دختران را نشان دهد منتشر نکرده تا مشخص

## حق آیندگان

شود که چه تعداد از این دختران در هنگام ازدواج کمتر از سال، یعنی سن قانونی ازدواج، بوده اند. به علاوه، آمارهای رسمی نشان می‌دهد که در طول پنج سال گذشته، تعداد دانش آموزان دختر در مدارس افت چشمگیری داشته است. همچنین، نرخ مرگ و میر مادران در هنگام زایمان بیش از همیشه در طول بیست سال گذشته افزایش یافته است.

ماده چهارده کنوانسیون حقوق کودک - کشورهای طرف کنوانسیون حق آزادی فکر، عقیده و مذهب را برای کودک محترم خواهند شمرد. کشورهای طرف کنوانسیون حقوق و وظایف والدین و سایر سرپرستان قانونی کودک را درباره هدایت کودک در جهت اعمال حقوق وی به طریقی که باعث اعتلای استعدادها و تواناییهای کودک شود، محترم خواهند شمرد.

آزادی ابراز عقیده و مذهب فقط طبق محدودیتهایی که در قانون تصریح شده و برای حفظ امنیت، نظم، سلامت و اخلاقیات عمومی و یا حقوق و آزادیهای اساسی دیگران لازم است، محدود می‌شود.

ماده نوزده همین کنوانسیون - کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت حمایت از کودک در برابر تمام اشکال خشونت‌های جسمی و روحی، آسیب‌رسانی یا سوءاستفاده، بی‌توجهی یا سهل‌انگاری، بدرفتاری یا استثمار منجمله سوءاستفاده جنسی در حینی که کودک تحت مراقبت والدین یا قیم قانونی یا هر شخص دیگری قرار دارد، به عمل خواهند آورد. به امید تغییر بنیادین در روند حقوق انسانی کشورمان ایران که مردمانش به اسایش و امنیت فکری و حقوقی دست یابند .

## تصویب مجازات‌های سنگین برای مواردی از (کودک آزاری) در ایران

لیدا اشجعی

دولت جمهوری اسلامی بعد از شش سال بلاتکلیفی برای تصویب لایحه حمایت از کودکان آسیب دیده با تصویب سه ماده از این لایحه؛ در واقع با تلگنری به کودک ازاران و تهدید آنان

## حق آیندگان

به مجازات و زندان و جریمه نقدی می‌خواهد این ریشه بد خیم را که خود ان را تنیده از جا برکند؛ و نگاه و گناه کبیره را متوجه کودک ازارن کرده و خود راز این بلا برهاند؛ البته بر اینداین گشاده دستی برای تصویب همین سه لایحه هم شش سال به طول کشیده است که در ازای این سالها کودک ازاران همچنان به کار خود مشغول و جگر گوشه های مردم را مورد اذیت و ازار جسمی و روحی قرار میدادند؛ و از طرف دیگر خبرهای کودک ازاری چنان ابعاد وسیعی را به خود گرفته بود که دولت جمهوری اسلامی را مجبور به تصویب چنین لوایحه ای میکند در صورتی که از نظر حقوقی مشکلات کودکان در ایران با تصویب چنین لوایحه ای باز دارنده نخواهد بود زیرا به اصل موضوع توجه نمیشود و در واقع نه تنها فکری در جهت بریدن ریشه اصلی سرطان کودک ازاری که جامعه ایران را در خود فرو برده نمیشود بلکه با بریدن یکی از سران این سرطان می‌خواهند به نتیجه مطلوب رسیده و به جامعه ایران این را القا کند که دولت جمهوری اسلامی در فکر اعلاج این سرطان است .

راستی این دولت مردان نمیدانند جامعه ایران با سرطان یک سر روبرو نیست بلکه این سرطان چند سر دارد که کودکان ما را مبتلا نموده ؛ و از طرفی کودک ازارن را فقط بزرگسالان تشکیل نمیدهند بلکه خود کودکان هم قربانی این رشته ناهنجاری واقع میشوند و در ان وقت دولت جمهوری اسلامی با طیفی از کودکان مجرم روبرو میشود که باید آنها را به جزا و کیفر بسپارد و برای این کار زندانها را پر کند و مجرمین و بزهکاران جدیدی را به جامعه تزریق کند ؛ انجایی که قوانین شرع و موازین اسلامی تکالیف دولت و مسئولین را مشخص نموده بنابراین آنها چاره ای ندارند جز این که برای یافتن مجرمین قد علم کنند؛ هر چند و با علم به اینکه اشکار است ریشه این معظلات از کجا نشات می گیرد؛ نیروی انسانی و مالی را در جهت منفی به هدر میدهند؛ با تصویب این سه لایحه که حسن نوروزی، سخنگوی این کمیسیون، روز سه شنبه (هفت شهریور/ بیست ونه اوت) اعلام میکند که در جلسه کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس مواد دوازده، سیزده و چهارده این لایحه بررسی و تصویب شده است.

و اوبا اشاره به تصویب ماده دوازده این لایحه می‌افزاید : «مجرمانی که اقدام به خرید و فروش یا قاچاق اعضای بدن کودک کنند به مجازات حبس ده تا پانزده سال محکوم می‌شوند».

## حق آیندگان

این لایحه حدود شش سال پیش از سوی دولت به مجلس ارائه شده، اما رسیدگی به جزئیات آن که از مدتی پیش آغاز شده، هنوز ادامه دارد.

ماده دوازده این لایحه «هر گونه معامله "بر سر کودکان" از جمله خرید و فروش "آنان" را ممنوع کرده و برای این جرم مجازات "درجه شش" تعیین کرده است. مجازات درجه شش در قانون مجازات اسلامی، بین شش ماه تا دو سال حبس، جریمه نقدی تا هشت میلیون تومان و محرومیت از حقوق اجتماعی بین شش ماه تا پنج سال را شامل می‌شود.

این کمیسیون همچنین مواد سیزده و چهارده لایحه «حمایت از حقوق اطفال و نوجوانان» را تصویب کرده است.

ماده سیزده این لایحه برای قاچاقچیان اطفال و نوجوان مجازات درجه سه در نظر گرفته و در ماده چهارده هم آمده «هرگاه فردی موجب انتقال یا خرید و فروش و قاچاق اعضا و جوارح طفل یا نوجوان شود به مجازات درجه سه محکوم می‌شود.»

مجازات درجه سه شامل حبس بیش از ده تا پانزده سال و جزای نقدی بیش از سیصد و شصت میلیون ریال تا پانصد و پنجاه میلیون ریال است.

که این مجازاتها به مانند نقدی است که دولت به بهای هزینه سنگین خانواده های است که کودکانشان را گرفتار کرده است؛ میپردازد تا دیگر راه شکایت و اعتراض باقی نماند و اما و هیئات اگر مجازات و جزا و اعدام مجرمین میتواندست راه حل این مشکلات باشد؛ چرا این حجم اعدامها؛ دولت جمهوری اسلامی در فکر ساختن زندان های جدید است؟

و چرا دولت جمهوری اسلامی برای پذیرفتن کنوانسیون حقوق کودک شرط میگذارد؟

و با این شرط ها کودکان را به ازدواج های اجباری میسپارد ایا این خود نقض حقوق کودکان نیست ایا این خود به معنای فروش و استفاده جنسی از کودکان نیست؛ اگر دولتی قوانین ضد حقوق کودکان را به رسمیت ببخشد هیچ گاه ان دولت و حاکمیین بر قدرتش نخواهند توانست معطل و مشکلات کودکان را حل کنند چرا که خود مروجین ان هستند.

کنوانسیون حقوق کودک:

## حق آیندگان

ماده یک (تعریف) مطابق این پیمان نامه، یک کودک، انسانی است که سن هجده سالگی را هنوز تمام نکرده است مگر اینکه سن بلوغ از نظر حقوق جاری در کشورهای مربوطه زودتر تعیین شده باشد.

ماده سه بند یک (نفع کودک) یک) در انجام هر اقدامی که به نوعی به کودک مربوط میشود، چه در بخش عمومی، خصوصی، اداری، غیر اداری و یا هر بخش دیگری، رعایت نفع و تامین سلامت کودک بر سایر مسائل تقدم دارد

ماده شش بند یک (حق زندگی) یک) هر کودکی حق زندگی دارد و این حق مادرزادی اوست که از طرف همه حکومت‌های عضو پیمان به رسمیت شناخته میشود.

ماده سیزده (آزادی آگهانش) یک) کودک حق آزادی بیان دارد و این حق در پیوند با آزادی آگهانش است که کودک بدون ترس از محدودیتهای حکومتی، دانستنیها و افکار متنوع خود را در قالب کلمات، دست نویس یا چاپ، کارهای هنری یا هر طریق و یا هر وسیله‌ی انتخابی دیگر، بیان کرده، دریافت نموده و یا به دیگران بدهد.

ماده چهارده (آزادی مذهب، وجدان و افکار) یک) حکومتها به حق کؤودک برای آزادی افکار، وجدان و مذهب توجه میکنند. ماده هجده (نگهداری کودک توسط والدین) یک) حکومت‌ها تاکید و تضمین میکنند که پدر و مادر هر دو با هم مسوول تربیت و رشد کودک هستند. ماده نوزده (حمایت کودکان در برابر سوء استفاده) یک) حکومتها با تکیه بر تمام امکانات قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی، کودک را در مقابل هر شکل از رفتار سهل انگارانه با آنها، سوء استفاده جنسی و تجاوز جسمی یا روانی، حمایت میکنند.

## چرا جمهوری اسلامی ایران تعریف کودکی را هویت قانونی نمی بخشد

### لیدا اشجعی

من تعریف کودکی را با این مطلب شروع میکنم: کریس جنکس در مقدمه کتاب خود مطلبی

## حق آیندگان

از افلاطون ذکر کرده که می گوید. تنها کسانی می توانند لطافت جسم و روح داشته باشند که خوب بار آمده باشند. از نظر او راه های خوب بار آمدن اهمیت سرنوشت ساز آموزش؛ در شعر و موسیقی ضرباهنگ و هماهنگی است؛ که در ژرفای روح کودک اثر مستقیم می گذارد. تنها این انسان است که می تواند نسبت به انحرافات زیبایی و نقصان و زشتی در هنر و طبیعت حساس و زیرک باشد.

بنابراین هر کودکی در بطن مادرش در چشمه اب حیات او شنای زندگی را میاموزد و با اولین گریه؛ بانگ صدایش را به گوش این جهان میخواند که من یک انسانم؛ انسانی آزاد و با حق زندگی کردن و گویا این جهان با این نغمه او سر سازگاری ندارد و با تلنگری دست به کار میشود و بل فور سمت وسو و جایگاه او را مشخص میکند که ای فرزندم تو در این مکان که من تعیین کردم زندگی خواهی کرد یا خموش و دلسرد و پژمرده یا شاد و روح افزا و پرتوان

بنابراین با اولین نگاه ها در مکانی که محل زندگی اوست آشنا میشود؛ لبخند پدر و مادر و دیگرانی که به نام خانواده نام گرفته اند یا تلخی و دلسردی نگاه آنها به او

ولی مکان و اجتماعی که در آن پا میگیرد؛ یا او را به عنوان یک انسان به رسمیت می شناسد؛ و حق حیات و زندگی را تابع قوانین حقوقی محترم میدارد یا از او ابزاری میسازد برای رفع مشکلات سیاسی و فرهنگی خود بنابراین بهتر است ببینیم که در جمهوری اسلامی کودک چه ارزش و بهایی دارد و تعریف کودکی چیست.

اگر منشأ عدالت اجتماعی را در یک جامعه منوط به اجرای قوانین حقوقی و جزایی آن بدانیم که شامل حال تک تک افراد انسانی میشود در مهمترین اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی که رکن و اساس و اجرا کلیه قوانین را مطرح میکند اصل چهار قانون اساسی جمهوری اسلامی است که آن را میخوانم. بر طبق اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی - سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد و این اصل به اطلاق یا عموم همه ی اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص آن برعهده فقهای شورای نگهبان است؛ و اینکه درخصوص کودک و طفل از چه سنی تا چه سنی را شامل می شود هنوز رویه یکسانی در

## حق آیندگان

قوانین و مقررات مشاهده نمی شود! بر طبق ماده ۹۵۶ قانون مدنی ایران «اهلیت برای دارا بودن حقوق، با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می شود. و اما علما و فقهای اسلامی، دوره های مرتبط با کودکی را به ۳ دوره تقسیم کرده اند: از ولادت تا ۷ سالگی (صبی غیر ممیز)، از ۷ سالگی تا ظهور بلوغ (صبی ممیز)، از سن بلوغ به بعد که شخص دارای مسئولیت کامل است. از این نظر به کودکی که در بطن مادر شکل میگیرد تابع کدام دوره و تقسیم است مشخص نمیشود.

انچه مشخص است در تقسیم بندی بر طبق موازین اسلامی کودک به انسانی نامیده میشود که هنوز در او اثر بلوغ ظاهر نشده است و بعد از آن یک انسان بالغ است و دارای تکالیف شرعی که معیار آن در پسران احتلام و دختران عادت ماهانه است. ثانیاً در روایات حد سن بلوغ پسران از ۱۳ تا ۱۵ سالگی و دختران از ۹ تا ۱۳ سالگی است که می توان آن را اماره بلوغ نیز تلقی کرد.

(اماره عبارت از اوضاع و احوالی است که به حکم قانون؛ یا در نظر قاضی؛ دلیل بر امری شناخته می شود) کودک در قانون مدنی ایران در تبصره یک ماده ۱۲۱۰ که در سال ۱۳۶۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده، اعلام داشته است: «سن بلوغ در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است. «طبق این ماده از قانون مدنی جنسیت؛ مبنای قانونگذار در تعریف طفل بوده است، و اما حمایت از این کودکان در قانون شرع و موازین اسلامی چگونه است؟ در قانون اساسی جمهوری اسلامی و طبق اصل بیست و یک از کودک چنین حمایت میشود

-حقوق زنان بند دو و پنج -دو- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست.

پنج -اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی. بنابراین حمایت از کودکان منوط به بند دو و پنج است

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کودک را تعریف نکرده است لکن در اصل بیست و یکم خود از واژه «کودکان بی سرپرست» استفاده میکند؛ که این استفاده به نظر می رسد با توجه به اصل چهارم قانون اساسی باید بر آن کودکی اطلاق شود که به لحاظ شرعی کودک محسوب

## حق آیندگان

می شود و به تعبیر ساده که کودکی در این اصل قانونی اساسی همان صغیر و طفل شرعی را شامل می شود که مشخص است که به سن بلوغ نرسیده است. لیکن در قانون کار، طبق ماده ۷۹ مصوب ۱۳۶۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام، تعریف واحدی از طفل ارایه شده و تمایزی میان دختر و پسر وجود ندارد. به علاوه مبنای تعیین سن بلوغ در قانون مدنی سال قمری است و در قانون کار ظاهراً با توجه به اصل ۱۷ قانون اساسی مبنای تعیین سال شمسی به عنوان سال رسمی ایران بوده است. در ضمن بر اساس ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، پسران در سن ۱۵ سال قمری و دختران در سن ۹ سال قمری بالغ محسوب می شوند. لیکن براساس قانون کار همگی در سن ۱۵ سال شمسی از حالت طفولیت در می آیند، خواه دختر یا پسر باشند.

بگذارید علت برخورد جمهوری اسلامی با کنوانسیون حقوق کودک بهتر روشن شود کنوانسیون حقوق کودک و برخورد جمهوری اسلامی با این کنوانسیون - با وجود اینکه ماده پنجاه و یک کنوانسیون حقوق کودک حق شرط نسبت به این کنوانسیون را فقط در زمان تصویب یا الحاق مجاز می داند، اما دولت جمهوری اسلامی ایران هنگام امضای کنوانسیون حق شرطی بدین شرح برای خود مقرر نمود: «دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد مقررات و موادی از کنوانسیون که ممکن است مغایر با شریعت اسلام باشد، اعمال رزرو می نماید و این حق را برای خود محفوظ می دارد که هنگام تصویب نیز چنین رزروی را اعمال نماید.

ودو سال بعد از امضای کنوانسیون، لایحه اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران در تاریخ بیست و سه شهریور هزار و سیصد و هفتاد و دو برای مجلس شورای اسلامی ارسال شد .

این لایحه در جلسه مورخ بیست و هشت آذر ماه هزار و سیصد و هفتاد و دو کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس مطرح و مورد تصویب قرار گرفت و سپس در تاریخ نوزده دی ماه هزار و سیصد و هفتاد و دودر جلسه علنی مجلس مطرح و طی ماده واحده ای بدین شرح به تصویب رسید: «کنوانسیون حقوق کودک مشتمل بر یک مقدمه و (پنجاه و چهار) ماده به شرح پیوست، تصویب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده می شود. مشروط بر اینکه مفاد آن در هر مورد و در هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی قرار گیرد



## حق آیندگان

از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعايه نباشد.

از نظر برخی از حقوقدانان معنای این عبارت جدید این است که دولت جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم تصویب کنوانسیون، نه تنها قوانین داخلی خود را به منظور تطبیق با مفاد کنوانسیون اصلاح نخواهد کرد، بلکه ممکن است در آینده نیز قوانینی را وضع و اجرا نماید که با مقررات کنوانسیون مغایرت داشته باشد

از نظر شورای نگهبان مواد مغایر با موازین شرع اسلام عبارتند از: « بند یک ماده دوازده؛ و بندهای یک و دو ماده سیزده؛ و بندهای یک و سه ماده چهارده؛ و بند دوماده پانزده؛ و ماده شانزده و بند یک و دو ماده بیست و نه»

ماده دوازده (آزادی عقیده)-بند یک) از سوی حکومت‌های امضاکننده این پیمان نامه، حق کودکی که که توانایی ساختن نظر شخصی خودش را دارد، به رسمیت شناخته میشود. کودک در تمامی امور مربوط به خود، آزادی بیان و اظهار عقیده شخصی را که مطابق سن و رشد اوست، دارد.

ماده سیزده (آزادی آگهانش)-یک) کودک حق آزادی بیان دارد و این حق در پیوند با آزادی آگهانش است که کودک بدون ترس از محدودیتهای حکومتی، دانستنیها و افکار متنوع خود را در قالب کلمات، دست نویس یا چاپ، کارهای هنری یا هر طریق و یا هر وسیله ی انتخابی دیگر، بیان کرده، دریافت نموده و یا به دیگران بدهد. دو ) اجرای این حق میتواند از طرف قوانین دیگری که لازم هستند، محدود شود:

ماده چهارده (آزادی مذهب، وجدان و افکار)-یک) حکومتها به حق کودک برای آزادی افکار، وجدان و مذهب توجه میکنند.سه) آزادی مذهب و جهان بینی تنها در شرایط قانونی تعیین شده قابل تحدید است که آنها هم بخاطر حفظ امنیت ملی، نگهداری نظم اجتماعی، حفظ سلامتی و یا عفت عمومی و یا وقتی منافی حقوق اولیه و آزادی دیگری باشد.

ماده پانزده (آزادی تشکیل انجمن و گروه)-یک) حکومتها حق کودک برای شرکت در اجتماعات را به رسمیت می شناسند.

## حق آیندگان

بند دو؛ اجرای این حق نباید با امنیت ملی و نظم عمومی مبادرت داشته و منافی اخلاق عمومی و یا برخلاف حقوق اولیه و آزادی دیگری باشد.

ماده شانزده (حفظ محدوده خصوصی) یک) محدوده شخصی و خصوصی هیچ کودکی قابل تعرض نیست. این محدوده که شامل همه جوانب مربوط به امور خانوادگی، مسکونی، حیثیتی و مکاتبات شخصی است، نباید بطور عمد یا غیرقانونی آسیب ببیند. دو) برخورداری از حمایت قانونی در مقابل چنین آسیبی، حق کودک است. ماده بیست و نه (اهداف تربیتی)

یک) حکومت های عضو پیمان تایید می کنند که تربیت باید:

الف) شخصیت، استعداد و توانایی های روانی و جسمی کودک را تقویت و شکوفا نماید.

ب) احساس احترام و توجه به حقوق بشر و آزادی های پایه ای مصوب سازمان ملل متحد را، در کودک پرورش دهد.

نکته قابل توجه است اینکه دولت جمهوری اسلامی ایران به یکی از دو پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک یعنی پروتکل اختیاری در خصوص فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان ملحق شده است. قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل مزبور در تاریخ نه مرداد هزار و سیصد و هشتاد و شش به تصویب مجلس رسید و در تاریخ هفده مرداد همان سال مورد تأیید شورای نگهبان واقع شده است. پروتکل از تاریخ بیست و شش سپتامبر سال دوهزار و هفت میلادی برای ایران لازم‌الاجرا محسوب می‌شود. به این ترتیب مشکلات ثبت قانونی رعایت شرع و موازین اسلامی را که از مراجع علمی گزارش میشود چگونه میشود ارزیابی کرد و ریشه این معضلات را چگونه میشود خشکاند؟ زمانی که دولت حاضر در جمهوری اسلامی مدافع رعایت موازین شرعی است و آن را قانونی میدانند. و خبری که به تازگی از دویچه وله منتشر شد تاریخ بیست و چهار اگست دوهزار و هفده خیرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، در سال هزار و سیصد و نود پنج گزارش کرد که هفده درصد از ازدواج‌های کشور مربوط به ازدواج دختران زیر هجده سال است و یکسال پیش از آن پنج درصد ازدواج‌های ثبت شده در سنین کمتر از پانزده سالگی بوده است. این در حالی است که پژوهشگران اجتماعی معتقدند بسیاری از این ازدواج‌ها در واقع ثبت نمی‌شوند و این باعث بی‌شناسنامه ماندن نسلی است که از این

## حق آیندگان

پیوندها پدید می‌آید. این نسل بی‌هویت را محرومیت از تحصیل و حقوق اجتماعی، فقر، بزهکاری و اعتیاد تهدید می‌کنند. بنابراین پرداختن و پایان دادن به موضوع ازدواج کودکان می‌تواند از تداوم یک چرخه معیوب اجتماعی جلوگیری کند.

اما استفاده جمهوری اسلامی از ماده یک کنوانسیون حقوق کودک -ماده یک (تعریف)

مطابق این پیمان نامه، یک کودک، انسانی است که سن هجده سالگی را هنوز تمام نکرده است مگر اینکه سن بلوغ از نظر حقوق جاری در کشورهای مربوطه زودتر تعیین شده باشد.

در واقع جمهوری اسلامی اتکا به این قسمت از این ماده دارد که ( مگر اینکه سن بلوغ از نظر حقوق جاری در کشورهای مربوطه زودتر تعیین شده باشد).

## سرنوشت کودکان چوپان

### لیداشجعی

تاریخ انسان تصویربست از دینای نابرابری و بیعدالتی که انسانها را تقسیم کرده و موهبت طبیعی و حق زندگی را ا آنها میگیرد تا مزرها شناخته شوند؛ چه در حیطه خاکی ان که از قدرت و حاکمیت دولتی در پشت حصار مزری خبر میدهد؛ و چه در بین انسانها که محیط زیست و برخورداری از نعمات زندگی ترجیحا یکی بر دیگری را غالب می سازد تا دیگرانی در گرسنگی بمانند در ازای سیری و بی نیازی اندکی کم.

کشور ما ایران سرزمین موهبت های طبیعی ایست که مولد ثروت ملی به شمار میاید که وجود این ثروت طبیعی به تاخت و تاز و گوناکونی تغییرات سیاسی در کشور انجامیده .دولتها تشکیل شده و ناپدید شده اند ولی در پس این گذارچه تحولات اساسی برای نسلی باقی مانده همان است که ما در حال حاضر ان را به دوش کشیده و میکشیم که نه تنها این تحولات مایه رشد فکری و تغییرات اساسی در منش سیاسی و حقوقی و فرهنگی و اجتماعی نبوده؛ بلکه در اثر کم فکری و بی توجهی ما ایرانیان؛ مارابه سمت قهقرایی کشانده است؛ به طوری که توده ای بیسواد و متحجر با نام دین ومنبر چنان بر ما احاطه کردند که همه سطوح فرهنگی و اصول

## حق آیندگان

انسانیمان را از یاد ببریم . در این میان این سوال پیش میاید ؛ که تا چه اندازه ما ایرانیان میتوانیم در تغییرات سیاسی و فرهنگی و اجتماعی سهیم باشیم و این تغییرات را چگونه در جهت حقوق خویش به کار بسته تا با تحولات سیاسی و با روی کار آمدن حاکمین و دولتی جدید؛ ما را نتوانند نادیده بگیرند و خود همه کاره شوند و از خود قانون بسازند که سرنوشت ما را تعیین و به ما تکلیف کنند با قانون های ضد انسانی خود . به هر حال ما با داشتن ثروت فقیریم با داشتن تمدن به دنبال اش نذری روان میشویم و مهمترین اسیب در انجایی متوجه ما میشود که اگر صدایی بلند میشود بر علیه ستم بی صدا هستیم ؛ و اگر ما زنان را از مردان جدا میکنند بی تفاوت به قوانینی که این نابرابری را میکارد می مانیم که تا کودکان طلاق امار خود را در پس سانسور حاکم در خبرهای رسمی عریان کند و از طرف دیگر کودکان کاری که در کارگاه ها جان میکنند و صدای آنان را کسی نمیشنود و کسی نمیتواند دستی برای یاری به آنها برساند چرا که نه کارگاه مجوز رسمی دارد و نه کارفرما تعداد کودکان را تا رقم ده افزایش میدهد تا گلویش را بیمه و سایر موارد قانونی نگیرد بنابراین این کارگاه ها منابع سودجویی از کودکان فقیر و حاشیه نشین های شهری هستند که به دلخواه کودکان را مورد ستم و آزار و ادیت و استثمار قرار میدهند البته این مسئله در جمهوری اسلامی موضوع پیش و پا افتاده ای است چراکه خود مامورین دولتی یعنی شهرداریها مولد استثمار کودکان کار (زباله گرد) با همدستی مامورین خیابان یعنی پلیس انتظامی هستند و در این میان کودکان چوپان داستان تراژدی خود را دارد که بسیاردهشتناکتر است که باید پرسید این نوع رفتار غیر انسانی را چگونه میتوان توجیه و یا مورد بی توجه ای قرارداد و چگونه این رفتار در جامعه ما مورد انگیزش و اعتراض واقع نمیشود ؟ و حاکمین و دولت تابع دستور هم راحت از این مسئله میگذرد ؛ کودکان چوپان ؛ کودکان بی سرپرست یا بد سرپرست ؛ که اکثرا از خانواده های مردمان حاشیه نشین های شهری که شامل خانواده های مهاجرین و مردمان رانده شده روستایی را شامل میشود تشکیل میشوند ؛ مردمانی که باز دست دادن محصول کشاورزی بر اثر بی ویا افات ویا ستم و جور زورمندان از زمین و خانه خود رانده میشوند و به سوی شهرها روانه شده تا قوت و زندگی را به نحوی بگذرانند و تبدیل به خانواده های زباله گرد شهری میشوند و کودکانشان به چوپانی در صحرهای اطراف شهرها و دامپروری ها و یا در کارگاههای

## حق آیندگان

بی نام و نشان به کار گرفته میشوند که این کودکان نه تنها قوتی به دست نمیآورند بلکه کودکان چوپان توسط صاحبان گله و کارفرمایان به مواد مخدری چون شیشه مبتلا میشوند تا نخوابند و شب تا صبح به گوسفندان چشم بدوزند تا سوی زندگی از چشمانشان به در رود و در واقع با به کار گرفتن مواد مخدر و معتاد کردن این کودکان توسط صاحبان گله؛ آنها خاطر جمع میشوند که دیگر این کودکان راه فرار و گریز از این کار طاقت فرسا را نخواهند داشت و ماندگار شده و پاسدار گله خواهند بود که به مرور زمان تفاله این کودکان تحویل خانواده میشود که البته اگر خانواده ای باشد؛ به این کودکان ماهی سیصد هزار تومان حقوق میدهند؛ در دامپروری های سنتی هیچ نظارت دولتی وجود ندارد. و در دامپروری های حاشیه های شهریار، اغلب این کودکان چوپان معتاد می شوند و اصغر برائی نژاد، مدیرکل دامپزشکی استان تهران می گوید که نظارت بر این دامداری ها به عهده آنها نیست: «هر کجا که به این دامپروری ها مجوز داده، وظیفه نظارت را هم باید برعهده بگیرد. بخش های دولتی و غیردولتی به این دامپروری ها مجوز می دهند. یک سری از مجمع های امور صنفی دام هم هستند که می توانند پروانه فعالیت صادر کنند، حتی جهاد کشاورزی هم این کار را می کند، بنابراین هر جایی که مجوز می دهد باید نظارت هم داشته باشد.» برائی نژاد به «شهروند» می گوید که این دامپروری ها در حاشیه شهرها، دامداری های سنتی و روستایی به شمار می روند که اگر هم از جایی مجوز داشته باشند، معمولاً بر بهداشت گوشت آنها نظارت می شود، نه شرایط کارگری که آن جا مشغول به کار شده است: «دامپزشکی استان تهران تنها بر واحدهایی که مجوز داده، نظارت می کند و این دامداری ها در حیطه وظایف بازرسی ما نیست.» پیام محبی، رئیس هیأت مدیره جامعه دامپزشکان ایران است و از آنچه در برخی از دامداری های سنتی می گذرد، بی اطلاع است: «فکر می کنم بخش بهداشت آن به عهده دامپزشکی است و وضع کار و کارگران، به عهده وزارت کار.»

سعید سلطانی هم که کارشناس دامپروری است میگوید «قوه قضائیه و فرمانداری می تواند این موضوع را به صورت ویژه پیگیری کند.» هادی شریعتی یک فعال حقوق کودک کار در گفتگو با مهرمیگوید کارهای ناشناخته جدید توسط کودکان کار در حال بروز و پیدایش است به طوری که در مناطقی از کشور این کودکان برای روده پاک کنی دام به کار گرفته می شوند،

## حق آیندگان

بخشی در مشاغل خانگی و کارگاه‌های کوچک فعالیت می‌کنند، عده ای دیگر در برخی از استان‌ها کوله بری می‌کنند و اما سخن‌های متناقض مسئولین را باز گو میکنم:

به گزارش روز جمعه خبرنگار اجتماعی ایرنا، مظفر الوندی درباره احقاق حقوق کودکان با اشاره به اینکه این موضوع از گذشته وجود داشته اما اکنون اطلاع‌رسانی و انتشار آمار بیشتر شده است، افزود: براساس ماده ۶۶ آئین دادرسی کیفری، به سازمان‌های مردم‌نهاد فعال حقوق کودک اجازه داده شده است که اگر در جایی تضييع حقوق کودک را دیدند، بتوانند شکایت کنند و دادگاه نیز مکلف است این مساله را بپذیرد.

وی اضافه میکند: در اصلاح این ماده در قانون دائمی توسعه ششم نیازی به تشریفات که قوه قضائیه لیست سازمان‌های مردم‌نهاد را به دادگاه بدهد، حذف شد و هر مدافع حقوق کودکي اگر اساسنامه‌ای داشته باشد و در هر نقطه کشور موردی از نقض حقوق کودک ببیند، می‌تواند به دادگاه مراجعه کند. الوندی تصریح کرد: متأسفانه کسی جرات شکایت از این موضوع را به لحاظ فرهنگی ندارد و کسانی که مدافع حقوق کودک هم هستند، از ظرفیت قانونی که قانون در اختیارشان قرار داده است استفاده نمی‌کنند و یا اطلاع کافی ندارند.

و اما سخنان خانم طراوت مظفریان که از حال و روز خانواده‌های کودکان چوپان می‌گوید که از بچه‌ها سوءاستفاده‌های زیادی می‌شود، خصوصاً در کارگاه‌های مختلف، که چوپانی هم یکی از کارهایی است که کودکان در آن مشغول به کار میشوند «در خیلی از کارگاه‌های زیرزمینی مثل پرس‌کاری، شیشه‌گری و... اتفاقات عجیب و غریبی برای کودکان می‌افتد. یکی از دلایل آن هم نبود نظارت بر این کارگاه‌هاست. براساس قانون کار، کارگاه‌هایی که کمتر از ۱۰ کارگر دارند، کارگاه به شمار نمی‌روند و نظارتی هم بر آنها نمی‌شود. سارا رضایی، عضو «جمعیت امام علی» به ایسنا می‌گوید که براساس آمارهای رسمی، دو میلیون کودک کار در ایران وجود دارد اما آمارهای غیررسمی تعداد کودکان کار را هفت میلیون تن اعلام کرده است.

در رابطه با تصویب لایحه حمایت از کودکان انگونه که خبرگزاریها اعلام کرده و میکنند با توجه به صرف بودجه و توجه اساسی به این مسئله حیاتی که مجلس از توان آن عاجز است پرداختن به این گونه لوایح از دستور کاربه کنار می‌رود چراکه بیشتر وقت مجلس صرف بحث‌های مربوط

## حق آیندگان

به بودجه و امور سیاسی می‌شود و رسیدگی و پرداختن به مسائل اجتماعی از قبیل مشکلات کودکان را باقی نمی‌گذارد البته در هر دوره‌ای از مجلس عده‌ای از حقوقدانان و فعالان اجتماعی بحث این لایحه را به میان می‌کشند اما در آخر هیچ نتیجه‌ای از این پیگیری‌ها نمی‌گیرند و باز هم لوایح مربوط به مسائل اجتماعی پشت درهای بسته مجلس می‌ماند،

به گفته رییس هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان طرح جمع‌آوری کودکان کار و خیابان تا امروز موفق نبوده است، چرا که با وجود ۳۰ بار اجرای این طرح طی ۳۵ سال گذشته، کودکان بارها و بارها به خیابان‌ها بازگشته‌اند و هیچ گزارشی در خصوص اثربخشی این طرح در جایی منتشر نشده است. و اما دولت حمایت خود را با تصویب جزای نقدی و «شلاق» به اجرا می‌گذارد. و در حمایت از کودکان را می‌بندد و فراغ بال و اسوده از نگرانی در این مورد به دنبال ذغدغه‌های سیاسی اش بوجه‌ها را برآورد میکند که لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان بنا به پیشنهاد قوه قضاییه در جلسه نهم مرداد ۱۳۹۰ هیات وزیران وقت تصویب و به مجلس شورای اسلامی ارائه شده. این لایحه برای کاهش خطرات و جبران آسیب‌های ناشی از جرم برای کودک و نوجوان در معرض خطر یا بزه دیده در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس در حال بررسی است که در صورت تصویب نهایی آن، دفتر حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان در قوه قضاییه تشکیل می‌شود.

لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان که شش سال است معطل مانده، در ۴۹ ماده و چهار فصل تهیه شده است که در سرفصل‌های آن به موضوعاتی همچون تعاریف، تشکیلات، جرائم و مجازات‌ها و تحقیق، رسیدگی و تدابیر حمایتی پرداخته شده است.

باید پرسید آیا با تصویب لایحه مجازات جزای نقدی و شلاق که خود موضوع نقض حقوق انسانی را در بردارد و شکنجه به حساب می‌آید این دولت میتواند مشکل و معطل کودکان کار و کودک ازاری را در کشور خاتمه دهد؟

و در انتها این واقعیت دردناک سرنوشت ملیونها کودک کار و بی سرپرست و بد سرپرستی است که با بذل و بخشش ثروت ملی به کشورهای دیگر برای رونق و رواج و تبلیغ ایده و تفکری که منشایی جز وانمودکردن به قدرت نظامی و جنگ افزوزی در منطقه و تبعض و فساد دولتی

## حق آیندگان

نیست از حق داشتن زندگی سالم و سلامتی روح و جان بی بهره میمانند و ضرر و نقضان این بی همتی و ناتوانی با رعایت موازین قوانین اسلامی در حق کودکان خود را بهتر نمایان میسازد.

ماده ۲۶ پیمان نامه جهانی حقوق کودک: هر کودکی حق دارد از تامین اجتماعی از جمله بیمه اجتماعی برخوردار شود. ماده ۲۷ کودکان باید از سطح زندگی که تامین کننده رشد جسمی، ذهنی و اجتماعی آنها است، برخوردار شوند،

ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق کودک: کودک باید در برابر هر کاری که رشد و سلامت او را تهدید می کند حمایت شود و دولت ها باید حداقل سن کار و شرایط کار کودکان را مشخص کنند . ماده ۷۹ قانون کار در ایران: اشتغال به کار کودکان زیر ۱۵ سال ممنوع است .

## علل گرایش دانش آموزان به مواد مخدر

### لیداشجعی

متن این مقاله را با سخنان رییس انجمن آسیب شناسی اجتماعی ایران شروع میکنم که عنوان میکند : افرادی که نتوانسته اند به درستی هیجانات خود را در دوران نوجوانی تخلیه کنند، خیلی زود دچار افسردگی و اختلالات روانشناختی همچون ترس، اضطراب می شوند، از نگاه این افراد مصرف مواد مخدر موجب تسکین و کنترل اختلالات رفتاری اشان می شود.

به گزارش ایسنا، دکتر کوروش محمدی گفت: در ارتباط با گرایش نوجوانان به مواد مخدر باید مجموعه عوامل را بررسی کنیم و نمی توانیم تنها یک عامل یا یک بعد را برای این آسیب در نظر بگیریم. البته ایشان به درستی به مجموعه عواملی که یک دانش آموز را به سمت مواد مخدر می کشد اشاره میکنند؛ و بسیار گوشنواز که مسئولین میدانند ریشه این بیماری جان کاه که دانش آموزان کشورمان را در حین نوجوانی گرفتار میکند چیست؛ ولی برای درمان آن هیچ راهکاری را مد نظر قرار نمیدهند در واقع میتوان اینان را ظبیبان بی عملی دانست که فقط در پی کسب روزی مسندی را غصب میکنند و در اوج امار نوجوانان مبتلا ؛ زبان به سخن باز



## حق آیندگان

کرده و از درجه علمی خود دفاع میکنند که ما میدانیم مشکل کجاست؛ و چرا این طور میشود؟ و بعد تاریخ سخن را به رشد امار بعدی میسپارند.

همانطوری که این مسله گویاست؛ نوجوانی دوران بسیار حساس و حائز اهمیت برای مسئولین و دولتمردانی که اصول کشورداری را براساس حقوق انسانی و قانون پی ریزی میکنند به حساب میاید و در ورای ان غافل شدن از این موضع حیاتی؛ که شاهرگ اصلی جامعه بشری به شمار میرود خطرات و اسیب های جبران ناپذیری را تولید که رفع و درمان ان را باید به زمان سپرد.

نوجوانان یک کشورنیروی بالقوه و پر انرژی میباشند که نیاز به غذای سالم مانند مواد پروتئینی و کالری دارند؛ و پرورش که سهم اساسی و بنیادی که حول این محور چرخیده تا تعادل یک نوجوان و سمت و سو این انرژی شتاب گیرنده را به نفع آینده کشور به حرکت در آورد. البته خانواده هم در میان هماهنگ با این جریان نقش خود را ایفا میکند. سه روند در رشد و تکامل جوانان موثر و پر رنگند؛ خانواده که خود تابع محیط اجتماعی است و پرورش و آموزش که تابع روند سیاسی و فرهنگی یک دولت است. که در دولت جمهوری اسلامی همه قوانین تابع موازین شرعی و از این حیث به جامعه انسانی ایران میپردازد که اول دستور الهی و حاکمیت فقیه و بعد انسان زیر سلطه خواه کودک و نوجوان و زن و مرد؛ و بر این منوال رکورد و فساد و بی توجهی و اعتیاد یکی و بعد از دیگری از راه میرسند. مدیرکل دفتر پیشگیری از آسیبهای اجتماعی آموزش و پرورش کیایی میگوید: صد و سی و شش هزار نفر از دانش آموزان در معرض خطر ابتلا به مصرف مواد مخدر هستند و از این میان سه هزار و ششصد نفر حداقل یکبار مصرف کننده مواد مخدر بوده اند.

به گزارش تسنیم، آسیبهای اجتماعی روند رو به رشدی را در پیش گرفته است و محیط مدارس نیز تحت تأثیر فضای حاکم بر جامعه در تیررس آسیبهای اجتماعی قرار دارد.

اما زنگ خطر زمانی به صدا درآمد که سال گذشته نتایج تحقیقات خسرو رشید یک استاد دانشگاه در فصلنامه رفاه اجتماعی وابسته به دانشکده علوم بهزیستی منتشر شد. بر اساس تحقیقی که روی گروهی از پسران و دختران دبیرستانی در تهران انجام شده است، کشیدن

## حق آیندگان

قلیان و سیگار، رابطه جنسی، کتک‌کاری بیرون از خانه و نوشیدن الکل به ترتیب شایع‌ترین رفتارهای پرخطر بین دانش‌آموزان هستند.

بعد از خواندن این مطلب باید گفت مفهوم آسیب اجتماعی توجیه شده و علت آن به درستی روشن نمیشود چرا که انسانها تابع محیط پیرامون خود هستند البته خود هم نقش دارند ولی اگر به کفرو لعن و راندن از محیط به انواع برچسبها محکوم شوند مجبورا به قهر اجتماعی روی میاورند و جوانان در این میان عضیان و گریزرا هدف اسانتری می یابندواز انجایی که پرورش نوجوانان با بار علمی وروانی در سطح مدارس همراه نیست و خطای دید بسیار عمیق است؛ و آنچه دیکته میشود پرورش و الگوسازی نوجوانان برای رهبرد تفکر دینی وپیشبرد ان مقاصد است نه پرورش روحی و جسمی نوجوان برای آینده یک کشور؛ بنابراین با شکست این نوع پرورش اجباری و عقب نشینی نوجوانان از این دریچه برای کنترل طغیان در نوجوانان و جوانان ورود مواد مخدر اسانترین راه انتخاب میشود چرا که بیکاری را و نبود سالنهای ورزشی ازاد را و استخرهای مختلط شنا را و گردش های جمعی دختران و پسران را و اواز و ساز را؛؛ تنها وسیله ای که به راحتی میتواند این عصیان ها را به در خود شکستگی برساند مواد مخدر خواهد بود و از این گذر؛ گاه به گاه خبری از تهاجم مواد مخدر که جان نوجوانان کشور را تهدید میکند مانند بادی میاید و میگذرد و مسئولی هم با درج درصدی امار؛ سکوت و مسند خویش را بغل میکشد

یک شاهکار دیگر از توانایی در آموزش کشور سرانه تربیتی هر دانش‌آموز کمتر از هزار و هفصد تومان. قائم مقام سازمان دانش‌آموزی با اشاره به اینکه سرانه تربیتی به ازای هر دانش‌آموز کمتر از هزار و هفتصد تومان است، گفت: چرا نظام آموزش و پرورش برای چهار سال اولویت دولت نمی‌شود. و اما تفاوت همه بچه ها در شش سالگی می توانند در یک کلاس پیش دبستانی ثبت نام کنند. تحصیل در سوئد تا کلاس نهم برای همه اجباری است. در همه مراحل آموزشی از مهد کودک تا تحصیلات دانشگاهی دختران و پسران در کنار هم هستند و به طور مختلط در کلاس های درس و محیط آموزشی حضور دارند. بچه ها از مهد کودک و دبستان عادت می کنند دیگران را با نام کوچک آنها صدا کنند. حتی معلم با اسم کوچک و ضمیر «تو» مورد خطاب قرار می گیرد.

## حق آیندگان

در دبستان ها برای تمیز نگه داشتن محیط کلاس های درس، دانش آموزان قبل از ورود به کلاس کفش های خود را درمی آورند. با تمیز بودن زمین دانش آموزان و معلم می توانند در گردهمایی هایی که دارند، دایره وار روی زمین بنشینند

همه مدارس دارای سالن ناهارخوری اند که دانش آموزان نهار را در آنجا صرف می کنند. در مناطقی که خانواده های کارگری زندگی می کنند، صبحانه نیز در مدارس آماده می شود تا بچه هایی که مایل باشند، قبل از شروع کلاس ها از آن استفاده کنند. در همه مدارس کتابخانه وجود دارد که به تعداد مورد نیاز کتاب، نوار و سی دی در اختیار دارد. این کتابخانه ها به کتابخانه مرکزی شهر وصل هستند و از طریق آن تغذیه می شوند.

سوئدی ها پیشتاز آموزش امور جنسی در مدارس هستند. آموزش جنسی به عنوان بخشی از درس زیست شناسی از سال ها پیش در این کشور رایج بوده است. این آموزش از کلاس چهارم دبستان شروع می شود و تا کلاس نهم ادامه دارد. هدف از این آموزش آشنایی با بیولوژی اعضای جنسی و چگونگی روابط جنسی سالم و نیز اطلاعات وسیعی پیرامون بیماری های مقاربتی است.

و اما ایران اسلامی فعالیت هفت هزار هیأت مدرسه ای در محرم/ اجرای طرح «رادیو محرم» در مدارس دبیرکل اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان از فعالیت هفت هزار هیأت دانش آموزی در مدارس و پانصد و چهل هیأت شهری در کشور خبر داد و گفت: امسال در مراسم اربعین حسینی، موکب دانش آموزی انصارالمهدی (عج) در کربلا برپا می شود.

فعالیت دوازده هزار مرکز قرآنی مردمی در کشور به گزارش ایرنا، مهدی قره شیخو روز پنجشنبه در حاشیه همایش تدبیر در کلام وحی در تالار شهیدان نژاد فلاح در کرج، افزود: در بخش مردمی پنج هزار موسسه قرآنی و حدود شش هزار خانه قرآنی شهری و روستایی در کشور وجود دارد که البته این آمار به جز جلسات سنتی است. فرزندان «مدافعان حرم» در کتاب های درسی ریاضی تفکیک بازی های کودکان به «دخترانه» و «پسرانه» و عواقب آن نهادینه شدن فرهنگ قرآنی جامعه را در مسیر تکامل قرار می دهد

## حق آیندگان

معاون پرورشی و فرهنگی وزیر آموزش و پرورش، گفت: جامعه‌ای مسیر تکامل را طی می‌کند که فرهنگ قرآنی در آن نهادینه شود. بنابراین نوجوان ایرانی را این ارگان‌ها پرورش میدهند برای منافع و سود خویش نه برای رشد خود نوجوان و آینده دلخواه او؛ بنا بر این تقدیر؛ نوجوان یا باید تابع ولایت فقیه باشد و راهی اربعین حسینی؛ و یا باید به جرمی راهی زندان؛ و یا معتاد؛ و یا سرگشته و حیران چرا که در تنگنای این قفس که با سر در موازین اسلامی برای او ساخته میشود ققط و فقط میماند پر زدن. پر زدن و کوبیدن تن بیمار خود به هر در و دیواری به سخنان آقای وزیر کشور توجه کنید. وزیر کشور گفت: گردش مالی مواد مخدر در کشور سالی سه میلیارد دلار معادل ده هزار میلیارد تومان است که اساس اقتصاد کشور را به لرزه در آورده است.

به گزارش ایسنا، عبدالرضا رحمانی فضلی در شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان همدان، اظهار کرد: در بحث ضربه زدن به پیکره اقتصادی قاچاقچیان ضعف قانونی داریم به طوری که قاضی نمی‌تواند تشخیص دهد که آیا کسب مال فرد از راه مجاز بوده است یا خیر؟

بابک دین پرست، معاون کاهش تقاضا و توسعه مشارکت‌های مردمی ستاد مبارزه با مواد مخدر در گفت و گو با روزنامه ایران یادآوری می‌کند. برنامه سند جامعه پیشگیری عملی از اعتیاد که از سال نود روی میز مذاکره آمد و قرار بود تا سال نود و چهار عرضه و تقاضای مواد مخدر را کاهش دهد به اجرا در نیامد؛ سندی که برای اجرای آن سالانه به صد و پنج میلیارد تومان نیاز بود اما آن طور که او می‌گوید: «بودجه مورد نظر عملیاتی نشد.»

و اما این بوجه صرف چی شده معلوم نیست ولی انطور که درآمد قاچاقچیان مواد مخدر نشان میدهد و آقایان وزیر و معاون هم از آن با اطلاع هستند کشور ایران دیگر احتیاجی به سازماندهی بخش اشتغال و رفع بیکاری و توسعه و عمران ندارد چرا که برادران همیار در امور گردش پول و امور اقتصادی در کسب و توسعه رفاه اجتماعی سهم به سزایی ایفا میکنند و درآمد کشور روز به روز از این لحاظ رونق میگیرد و بخش واردات و توضیح هم در سطوح گسترده انجام میگیرد و نوجوانان و جوانان هم بهترین و آماده‌ترین ماهیان این تور و خاتمه مطالب را با سخنان آقای وزیر به پایان میبرم.

## حق آیندگان

اقای رحمانی وزیر کشور میگوید؛ قاضیان باید قدرت تشخیص داشته باشند: به عنوان مثال فردی سی و پنج ساله که فقط پنج کلاس سواد دارد ظرف دو سال دو هزار میلیارد تومان در حسابش واریز شده و حتی به اسم مردگان حساب باز کرده است، آیا این فرد پول را از راه بیل زدن به دست آورده است؟ ولی باید به آقای وزیر این را خاطر نشان کرد که به دستور ولایت فقیه قاضیان انتخاب و بر سر کار مبارزه با مواد مخدر حاضر میشوند؛ و روابط بر پایه موازین شریعت و ایمان و اخوت ایمانی ضوابطی هستند که روابط درونی و بیرونی این آقایان از ان نشات میگیرد و جوانان و نوجوانان را منجلا بعتیاد میکشاند. ماده سی و نه کنوانسیون هزار و نصد و هشتاد و نه حقوق طفل ( بازسازی اجتماعی کودکان آسیب دیده) برای سلامتی روحی، جسمی و اجتماعی کودکی که قربانی نوعی از بدرفتاری، شکنجه، استثمار یا هر عمل غیرانسانی شده است، حکومت های عضو پیمان همه اقدامات مناسب را انجام می دهند.

بازسازی جسمی و روانی باید در محیط و شرایط مناسب، سلامتی و منزلت کودک را تامین کند.

## ناگفته‌هایی از سازمان «گدایان» و زنانی که مسئول زائیدن کودکان هستند

### لیدا اشجعی

قدر مسلم کلمه مادر در ذهن بشر تجسمی از مهر و عاطفه نسبت به فرزند را تداعی میکند؛ و هر کودکی امن ترین پناهگاه را اغوش مادرش می یابد؛ و این موهبت طبیعی زیباییست که به انسان بخشیده شده است؛ ولی متأسفانه موهبت های طبیعی هم در تلاطم امواج نابرابریهای اجتماعی رنگ میبازند و از خود بوی تعفن و مردابی را به جا میگذارند؛ مردابی که ساختار مرگ و برهنگی ناهنجاریها است و از اشفتگی و درهم ریختگی یک جامعه خبر میدهد؛ و این بار این مرداب بستر زایمان مادرانی میشود که با خوردن دارو و دیگر کارهای غیر انسانی

## حق آیندگان

کودکانی معیوب به دینا می‌آوردند که چرخش بازار و سوداگری مافیای خرید و فروش کودکان و مادران آنها رونقی بیشتریابد. مادرانی که که خود پا به زنجیر این چرخه چشم به دینا گشوده و کودکانی را میزایند تا نفیر و بانگ بیعدالتی این دینا باشند.

نابرابرای گمشدگی حس مادری را میزاید و سودجویانی که نرخ این گمشتگی را ارزیابی میکنند تا پیکره یک جامعه را از دورن فرو بریزند؛ مسلماً ورودی این چرخه معیوب اجتماعی را میتوان با خروجی از دیدگاه یک نظم فکری از بعد حقوق و علمی آن طالب بود. و آیا اینکه این خروجی در کشور ما طالب دارد؟ یا اینکه بخشی از بخش اداری و مسئولین خود در این بازار به رتق و فتق امور زندگی خود مشغولند؟! قدر مسلم فقدان برخورداری از حقوق انسانی در هر بعد از زنگ خطر محرومیت و بی توجهی عناصر دست اندر کار و عاملین را به صدا در می‌آورد.

که در مورد نقض حقوق کودکان طی چهل سال این زنگ خطر به صدا درآمده و هنوزهم گوشها برای شنیدن یا تنبلاند یا کر؛ و انسان در تعجب این باقی میماند که با حاکم کردن فشار و زور و دستار بگیر و به بند و سانسور؛ گزارشی درج میشود که از عمق فجیع روزگار کودکان کشورمان خبر میدهد. دکتر مجید ابهری در کارگاه آموزشی نقش سازمان‌های مردم نهاد در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی که با محوریت کودکان کار و خیابانی تشکیل شده بود؛ اظهار میکند

گروهی از کودکان خیابانی بزهدکار، جیب‌زن، زاغ‌زن... هستند. بیشتر این کودکان به عنوان وسایل دزدی استفاده می‌شوند، پنجاه تا هفتاد و پنج درصد از دزدی‌های لوازم خودرو، توسط این کودکان انجام می‌شود. این کودکان بزهدکار، مدرسه جیب‌بری دارند و در آنجا انواع و اقسام آموزش‌ها را می‌یابند

و این بخش از گفته‌های این مسئول که در واقع در باره سازمان مخوفی است که در ایران پا گرفته که بسیار جای تعمق؛ و نظر هر بیننده و شنونده‌ای را به خود جلب میکند بسیار شنیدنی است تشریح میکند. در خصوص سازمان گ.ت.ت که مخفف سازمان گدایان تهران و توابع است، هشت سال پیش با صرف بیست و پنج میلیون هزینه، در مورد این سازمان

## حق آیندگان

اطلاعاتی کسب کردم. معمولاً سازمان‌های گدایی دارای هفت سرپل یا پدرخوانده هستند. یکی از وظایف این سازمان تعریف جغرافیای گدایی برای متکدیان است. در شهر تهران هیچ گدایی نمی‌تواند خارج از محدود جغرافیایی تعیین شده به گدایی بپردازد. تعیین سرقفلی برای اماکن شلوغ، از دیگر وظایف این سازمان است.

ابهری میافزود: در سازمان گ.ت.ت، زن‌هایی وجود دارند که مسئول زائیدن کودکان هستند. هر زن حداقل دوازده کودک دارد و آنها را برای گدایی اجاره می‌دهند. بهای اجاره کودکان معلول بیشتر است. بنابراین این زن‌ها با خوردن قرص و دیگر اقدامات، سعی می‌کنند کودکان معلول بدنیا بیاورند. به گفته این مسئول: هفتاد و پنج تا هشتاد درصد کودکان کار و خیابانی، از مهاجرین بیگانه هستند که از پدر و مادرهایشان یا دزدیده یا اجاره یا خریداری شده‌اند. بیست درصد این کودکان ملیت ایرانی دارند. و مسلماً این بازار هم ابزارهای خاص خود را می‌سازد که یکی از مهمترین آنها معتاد کردن کودکان به مواد مخدر است تا تسلط و زنجیر این گردن شکستگان نابرابر برای جامعه و بی توجهی مسئولین در این زنجیر نفس آخر را بکشند و رهایی از آن برایشان ممکن نباشد. و این خبر ورودی یک تهاجم همه گیر برای کودکانمان است ولی برای رفع این مشکل چاره اندیشی چیست؟ و مسئولین چه میکنند

محسنی پندپی رئیس سازمان بهزیستی میگوید: برخی از این کودکان تحت استثمار گروه‌های مافیایی هستند که باید نسبت به شناسایی آنان اقدام کنیم. این اقدامات باید آنچنان اثربخش باشند که شاهد بازگشت این کودکان نباشیم. و ساماندهی این کودکان باید به شکل علمی باشد و از اقدامات مقطعی، انتزاعی و مجزا خودداری کند. حمدتقی رستم‌وندی قائم مقام وزیر کشور در امور اجتماعی و فرهنگی وزارت کشور گفت که معضل خرید و فروش نوزادان توسط مادران معتاد قابل انکار نیست

با وجود درج چنین خبرهای ناگوار سوال برانگیز است که چرا کنوانسیون حقوق کودک را جمهوری اسلامی با شروطی میپذیرد و حاضر نمیشود که تمام و کمال به این قوانین حقوق کودکان گردن گذارد؛ از انجایی که میگویند دیوار از پای بست ویران است این مثل در مورد جمهوری اسلامی صدق میکند چرا که خود مسبب معضلات اجتماعی است چرا که خود مسبب

## حق آیندگان

ازدواج کودکان است که خود مسبب کودکان کار است و سن پانزده سالگی را برای یک کودک واجب میدانند و در واقع با مراعات موازین و قوانین اسلامی روح انسانی بشرایرانی را در هم میشکنند .

آنچه را که خود مسئولین جمهوری اسلامی هم در لوای انتشار خبرها و گزارشات خبری خود بروز میدهند همه و همه در گیر مراعات موازین اسلامی هستند نه در فکر شکستن دیوار شورای نگهبان با نگرهبانی از حقوق کودکان این حقوق با برپا شدن میتواند جامعه ایران را از رکورد و سقوط انسانی نجات دهد چرا که آینده سازان ما ایرانیان کودکانمان خواهند بود ؛ کودکانی که با اشنایی حقوق خود در ورای کتاب های درسی به یکدیگر احترام و از از یکدیگر حمایت خواهند کرد نه اینکه برای داشتن عقیده و بیان و وضعیت مالی بر یکدیگر غلبه کنند ؛ این اصول انسانی را در کتاب های درسی به کودکان باید آموخت و در انتها با یک اشاره کوتاه آقای ابهری جامعه شناس ایران با صرف هزینه بیست و پنج میلیون ظرف هشت سال توانست به سازمان مخوفی مانند گ ت ت پی ببرد و ان را افشا کند و به جامعه مصیب دیده ایران آگاهی ببخشد ایا آنچه که در مجلس به بوجه چند رقمی و طولانی ان اشاره میشود ؛ مسئولین امور کودکان که در فکر جمع کردن آنان از خیابانها هستند در فکر باز سازی این کودکان آسیب دیده نمیتوانند باشند ؟ ویا دروازه این بازار فروش کودکان و این مرداب متعفن که کودکان را به کام میکشد را ببندند

برای شما مقدار بوجه سالیانه سال نود و شش را که تقدیم مجلس شورای اسلامی شده را میخوانم

به گزارش خبرنگار مهر، «قیمت نفت سال ۲۰۱۷ میلادی چند دلار خواهد بود؟» این پرسشی است که این روزها موسسات معتبر بین‌المللی با انتشار گزارش‌هایی سعی در پاسخگویی به آن دارند و بر اساس نتایج تحلیل‌های منتشر شده قیمت هر بشکه نفت سال آینده میلادی بین ۴۹ تا ۵۵ دلار خواهد بود.

ایران سال ۲۰۱۶ میلادی هر چند در برخی از روزها رکورد صادرات دو میلیون و ۴۴۰ هزار بشکه نفت را ثبت کرد اما متوسط صادرات نفت و میعانات گازی کشور امسال حدود دو میلیون



## حق آیندگان

بشکه در روز بوده که با احتساب متوسط قیمت بشکه‌ای ۴۰ دلار، درآمد نفتی ایران امسال حدود ۲۹ میلیارد دلار خواهد بود. با این مقدار درآمد چه مقدار صرف پرورش و آموزش کودکان ما میشود؟ سوالی است مجهول در جمهوری اسلامی.

مطابق ماده یک کنوانسیون حقوق کودک: ماده یک (تعریف) مطابق این پیمان نامه، یک کودک، انسانی است که سن هجده سالگی را هنوز تمام نکرده است مگر اینکه سن بلوغ از نظر حقوق جاری در کشورهای مربوطه زودتر تعیین شده باشد.

ماده سه (نفع کودک) - (۱) در انجام هر اقدامی که به نوعی به کودک مربوط میشود، چه در بخش عمومی، خصوصی، اداری، غیر اداری و یا هر بخش دیگری، رعایت نفع و تامین سلامت کودک بر سایر مسائل تقدم دارد.

(۲) حکومت‌های عضو پیمان موظف اند با رعایت حقوق والدین و یا سرپرست، از کودکان حمایت نموده و اقدامات لازم حقوقی و قانونی را بعمل آورند.

(۳) حکومت‌های عضو پیمان، اطمینان میدهند که ارگانها و نهادهای مسئول حمایت کودک، دارای استانداردهای تعیین شده مربوط به تعداد و تخصص نیروی شاغل و تکنیک موجود در موسسات هستند و به ویژه در زمینه ایمنی و بهداشت کنترل کافی وجود دارد.

ماده چهار (وظایف دولتها) - حکومت‌های عضو پیمان، اقدامهای ضروری و مناسب قانونی، اداری و غیره را بعمل می آورند تا حقوق پذیرفته شده در این عهدنامه را اجرا نمایند. حکومتها برای تحقق مفاد این عهدنامه با توجه به حقوق و اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، تا آخرین حد ممکن از تمامی منابع موجود ملی خود و در صورت نیاز بین المللی استفاده میکنند.

## یاسمین، شش ساله از «تپه کنیز»، شناسنامه ندارد

لیدا اشجعی

خبرگزاری هرانا - «بیا تو خونه منو نگاه کن. دختر من از بقیه دخترا چی کم داره؟ چشمه مگه؟ بیا تو. بیا قشنگ توی خونه رو نگاه کن. مگه فرق ما با بقیه چیه؟». «یاسمین»، دختر ۶ ساله است که ماه‌ها در انتظار پدرش مانده که برای خانواده پول بفرستد. یاسمین هیچ تفریح خاصی ندارد و کارش زل‌زدن به همین کاهگل‌های خانه است. یاسمین هم هنوز نتوانسته شناسنامه‌دار شود و برای همین از بسیاری حق و حقوق محروم است. یک‌جورهایی هم بی‌نام است، هم بی‌نان. و خبر دیگرافزایش آمار افراد بی‌شناسنامه دارای پدر و مادر ایرانی شنبه بیست دی هزار و سیصد و نود و شش انتشار این دو خبر به تازگی که تکراری است از بی توجهی مسئولین جمهوری اسلامی به بی‌هویتی کودکان در طول چهار سال؛ این سوال را مطرح میکند که آیا گره این مشکل حل خواهد شد و یا به قرنی نیازمند خواهد بود؟

در کشور ما کودکان به دنیا می‌آیند و این حق ذاتی آنان است که شاد باشند سلامت باشند و بازی کنند که تا رشد بیابند و برای فردای خود و جامعه خود نقشی بیافرینند و دران نقش اثری بر جای بگذارند. و اینکه این حق چگونه ضایع میشود و تخریب آن چه سو اثری بر جامعه دارد؛ با نگاهی به اخبار داخلی و چهره معضلات و آسیب‌های اجتماعی و افت‌های آن که مولد بیماری‌هایی چون کودکان کار و بی‌هویت و زباله‌گرد و حاشیه‌نشین است؛ حیطة و رشد این پدیده‌های شوم خود رابه خوبی اشکار میکنند.

وهشدار به این مسئله مهم که پرداختن به نقش کودکان در هر کشوری چه اندازه مهم؛ و احیا هویت و پرورش آنان به سلامت یک جامعه بستگی تام دارد. البته در این میان مراعات قوانین غیر انسانی و متابعت از آنها در جمهوری اسلامی که بی‌عدالتی محض رادر مورد کودکان به اجرا می‌گذارد اجتناب ناپذیر است؛ و باید به چالش کشیده شوند و مورد بحث و تجدید نظر قرار بگیرند؛ که چگونه این قوانین غیر انسانی با هویت و زندگی کودکان کشورمان بازی میکند و آنها را از دید دهکده جهانی پنهان نگاه میدارد؛ تا بر این حیث تحولی برای آینده نسلی که پدیدار

## حق آیندگان

میشوند حاصل شود. در کنوانسیون حقوق کودک در ماده هفت ان که مربوط به تولد کودکان است.

در بند اول اشاره میشود به اینکه کودکان باید یک نام داشته باشند که ان نام باید در دفاتر رسمی کشور ثبت بشود و هم چنین داشتن تابعیت راحق ذاتی کودکان میدانده که باید ازان برخوردار باشند و در صورت امکان والدینشان را بشناسند و با انها زندگی کنند.

البته این بند در ایران چگونه شناسایی میشود؛ و تابعیت از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی چگونه لحاظ میشود؛ در وحله اول به مفهوم تابعیت میپردازم و در مرحله بعدی به علت بی هویتی کودکان با قانون تابعیت در ایران میپردازم.

تابعیت یک رابطه سیاسی و حقوقی بین یک فرد و مردم و دولت است که تعلق خاطر افراد یک جامعه را نسبت به یکدیگر فراهم میکند و وابستگی شخصی فرد را به ملتش استوار میکند و از طرف دیگر این رابطه با دولت معین به هویت سیاسی ان شخص منجر میشود که در روابط بین المللی این هویت به وسیله حقوق بین الملل به رسمیت شناخته میشود.

در اصل چهل ویکم قانون اساسی جمهوری اسلامی تابعیت کلیه ساکنین ایران محرز میشود و این حق؛ حق مسلم هر فرد ایرانی به شمار میرود بنابراین هرایرانی در وحله اول با وابستگی به خاک خود هویت ایرانی مییابد و قانون هم از ان حمایت میکند.

و اما بر طبق ماده نهم و هفتاد و شش قانون مدنی علاوه بر به رسمیت شناختن تابعیت هر ایرانی از وابستگی فرد به خاک خویش حمایت میکند؛ ولی در بند دو کسانی را ایرانی میشناسد که از پدر ایرانی متولد میشوند و نه از مادر ایرانی؛ در صورتی که در اصل چهل ویکم قانون اساسی صحبت از ساکنین خاک ایران است که شامل زنان ایرانی هم میشود در واقع ماده نهم و هفتاد و شش قانون مدنی به بیراهه رفته است و توجه لازم را میطلبد که ساکنین یک خاک را زنان و مردان و کودکان ان خاک تشکیل میدهند و مرز جنسیتی را خاک کشورشان بر نتابیده است و همه ساکنینش را چون فرزند در دل خود جای داده است.

## حق آیندگان

این بند از ماده نهمصد و هفتاد و شش که ساخته تفکر غیر انسانی افراد است کودکان را مورد ستم و بی عدالتی قرار میدهد و بامُهر بی‌هویتی آنان را به داغ میکشد؛ و به خاکی که به همه فرزندان‌شان تابعیت یک سان بخشیده است را به دیده اغماض مینگرد؛ و با کشیدن مرز بین زنان و مردان تحفه بی هویتی را برای کودکان دامن میزند؛ و کودکانی که از مادران ایرانی به دینا می‌آیند ولی پدرانشان ایرانی نیستند را با قانون غیر انسانی در بند دو ماده نهمصد و هفتاد و شش قانون مدنی با داغ بی‌هویتی بر پیشانی از حق زندگی و تحصیل و شادی و مدرسه محروم می‌کند که عمده این کودکان حاصل ازدواج های فقر و مهاجرینی هستند که برای به دست آوردن نان و کار و اسایش به کشورمان وارد شده اند که امار این کودکان قابل توجه هم است؛ که نماینده رباط کریم و بهارستان در تابستان هزار وسیصد و نود و شش از افزایش جمعیت پنج میلیونی در پی اعطای تابعیت به کودکان فاقد شناسنامه در یک دهه را خبر داده بود که حاصل ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی هستند. و اما آقای شکور پورحسین در خصوص اصلاح قانون مدنی در دولت برای اختصاص شناسنامه برای افراد بدون هویت، هم میگوید: اختصاص شناسنامه به افراد بدون هویت نیازمند اصلاح قانون مدنی نیست، باید قوانین جدیدی در این خصوص تصویب شود. قانون مدنی دچار مشکل نبوده و تنها باید مجلس شورای اسلامی قانون موردنظر برای این موضوع تصویب کند.

و به این ترتیب سرنوشت ماده نهمصد و هفتاد و شش قانون مدنی همچنان در ابهام باقی میماند که آیا کودکانی که در خاک ایران از مادران ایرانی به دینا می‌آیند جزو ساکنین این خاک به حساب آورده میشوند؟ یا نه همچنان با بی‌هویتی عمر را به پایان خواهند برد. و در بند دو کنوانسیون حقوق کودک ماده هفت خطاب به دولتها ی عضو پیمان آنها را موظف میکند که در حقوق و قوانین داخلی خود در رابطه با وظایف بین المللی حقوق عنوان شده در این پیمان نامه را تضمین کرده و به اجرا بگذارند؛

ایا با این بررسی کوتاه که اغماض و نقض اشکار در حقوق کودکان کشورمان هویدا میشود و کودکان را با داغ بی هویتی به محرومیت از حق زندگی وا میدارد نباید جمهوری اسلامی را به چالش کشید؟ با آنکه این پیمان نامه را امضا کرده ولی از اجرای آن سرباز میزند و با نقض اشکار این پیمان نامه کودکان را به سرآشویی عمر و زندگی فرا میخواند؛ ایا این بی‌عدالتی و عدول

حق آیندگان

از مراعات حقوق و قانون حمایت از کودکان را به کدام دادگاه در ایرانی که فاقد دادگاهی مستقل است باید کشاند؟

## وضعیت کودکان زلزله زده در جمهوری اسلامی ایران

لیدا اشجعی

زلزله زدگان کرمانشاهی از مرگ پنج کودک خردسال بر اثر سرما و سرماخوردگی خبر داده‌اند. یک دختر هفده ساله معلول نیز در پی عفونت ریوی درگذشته است. مسئول هلال احمر می‌گوید ساخت و نصب کانکس زمان و مدیریت می‌طلبد.

سرما و کمبود امکانات در مناطق زلزله زده کرمانشاه بی‌داد می‌کند. آنها که از زمین لرزه هفت ریشتری جان سالم به در برده‌اند، از سرماخوردگی ساده یا آنفولانزا و عفونت می‌میرند. کنوانسیون حقوق کودک در ماده شش از (حق زندگی) می‌گوید.

بند یک ( که هر کودکی حق زندگی دارد و این حق مادرزادی اوهست که از طرف همه حکومت‌های عضو پیمان هم به رسمیت شناخته می‌شود. بند دو) ادامه حیات و رشد کودک از طرف حکومت‌های امضاکننده این پیمان نامه بطور کامل تضمین می‌شود. باید از جمهوری اسلامی پرسید این حق را شما مسئولین به کودکان زلزله زده چگونه پرداختید؟

سازندگان مسکن مهر که بی‌مهری و بی‌پناهی را به کودکان کرمانشاهی هدیه داد در این باره چه می‌گویند و حق زندگی که از این کودکان گرفته شد؛ به مادران و پدران داغ دیده پاسخشان چیست؟ مردمی که از یک طرف پول هزاران زحمت و دست رنج خود را از دست داده‌اند و از طرف دیگر عزیزانشان را با همان دستان به گور کرده‌اند؛ چه واقعیت تلخ و وحشتناکی در جمهوری اسلامی اتفاق می‌افتد و کسی هم زیر سوال نمی‌رود؟ آیا این اتفاق را باید یک پدیده طبیعی انگاشت و پرونده آن را بست؟

اقای عکاشه پدر زلزله شناسی ایران: می‌گوید روی گسل نشستیم بر اساس آمار هر ماه یک زلزله بیش از چهار ریشتر، هر سه سال یک زلزله بیش از شش ریشتر و هر ده سال یک زلزله

## حق آیندگان

بالای هفت ریشتر در کشور اتفاق می‌افتد. این نظر کارشناسی مانند برف روی آب میماند که در بحبوحه فساد اداری و کشوری مجال اندیشیدن برای رفع این مشکل را نمیدهد.

پزشکی قانونی استان کرمانشاه آخرین آمار جان‌باختگان زلزله این استان را چهار و صد و سی نفر اعلام میکند که در این میان از تعداد کودکان کشته شده امار دقیقی وجود ندارد.

فرماندار سرپل ذهاب با انتقاد از کندی روند اسکان موقت، میگوید: مردم با سختی فراوان زیر چادرهای ده متری زندگی می‌کنند و یادآوری میکند از سرعت توزیع کانکس‌ها بسیار گله داریم، زیرا مردم در شرایط بسیار سختی در سرما زندگی می‌کنند. فرماندار سرپل ذهاب، از کیفیت برخی از کانکس‌هایی که به منطقه می‌آید نیز گلایه میکند و ادامه میدهد متأسفانه کیفیت فدای سرعت کار می‌شود و کانکس‌هایی به مناطق زلزله زده می‌آید که کیفیت چندانی ندارد و خوب چفت و بست نشده است.

و فاطمه دانشور، عضو پیشین شورای شهر تهران و مدیریت مرکز خیریه مهرآفرین، هم به «شرق» میگوید: «تاکنون خبر مرگ پنج کودک زیر پنج سال به ما رسیده» و «این مرگ‌ها از سرماخوردگی ناشی شده» است این خبرها حق زندگی را برای کودکان در جمهوری اسلامی بیان میکند.

و در این میان سرما همچنان بر جان کودکان و انسانهایی که نیاز به سرپناه دارند میتازد. و اما آقای دزد پول کانکس‌ها تازه سر از توبره دزدی برمیدارد و چهره نشان میدهد. سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی بیان میکند که اختلاس گر صد میلیاردی وزارت نفت از سال هزار و سیصد و هشتاد و شش به تدریج اقدام به اختلاس کرده و رقم این اختلاس سالانه ده میلیارد تومان بوده و این فرد تنها سه ساعت پس از مطلع شدن دستگاههای نظارتی توانسته از کشور فرار کند. البته استبداد حاکم و دستگاه سانسورو سازمان اطلاعات و سپاه فقط در جهت بستن دهان مردم و بگیر و بند هر معترضی در خدمت ولایت فقیه بیست و چهار ساعت جان فشانی میکند

ولی در رساندن امکان رفاهی برای مردم اسیر سرما دچار سردرگمی و مشکلات و بی‌امکانی میشوند؛ سارینا‌ها را سرما میرباید و بی‌کفایتی دولت مندان را دزدان دولتی جواب میدهند. و

## حق آیندگان

حق کودکان در میان گم میشود. این دزد حرفه ای وزارت نفت که از سال هزار و سیصد و هشتاد و شش مشغول خالی کردن خزانه ملی کشور بوده و با یک حساب ساده اگر دولت تدبیر حسن روحانی ده میلیارد تومان را در طی این سالها صرف ساخت خانه های ضد زلزله میکرد چند درصد از کودکان این مناطق میتوانند زنده و به شادی و بازی کودکانه خودپردازند که اکنون در خاک سرد ارامیده اند؛ البته دولت اعتدال گرای احمدی نژاد هم سهم خود را دارد.

این آقای دزد فعال وزارت نفت بنا بر گفته اسدالله قره خانی سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، : حدود سی و یک سال در این مجموعه مشغول به فعالیت بوده و عمدتاً در بخش مالی کار می کرده و به طریقی اعتماد مجموعه را جلب کرده بود، عجباً چه اعتمادی این بزرگترین دستگاه تولید بوجه کشور به افراد خود دارد که به تنهایی در امور دزدی و چاپیدن سالها به کار خود مشغول و همه بازرسان مالی این دستگاه عریض و طویل هم در خواب و از انسوی کشور کودکان فاقد امکانات رفاهی یکی پس از دیگری به خواب سرما فرو میروند و از حق زندگی محروم میشوند عجباً از این جمهوری اسلامی؛ واقعا که چه دولت هوشمند و با تدبیری مردم را رهبری میکند؛ آنها فکر میکنند مردم کر و کورند و جگر گوشه هایشان را

دفن میکنند و این آقایان دم از خداد بلاای طبیعی میزنند؛ دزدان حرفه ای در خالی کردن بوجه ای که حق کودکان است مهارت خود را در فرار و دور شدن از بلا به خرج میدهند و بلاای طبیعی دست این دزدان را قطع نمیکند و فقط متوجه دزدانی میکنند که برای رفع بیکاری در جمهوری اسلامی برای سیر کردن شکم خود قطعی دست را به جان میخرند و قضاوت جمهوری اسلامی برای تادیب افراد خطاکار از چشم پنهان نمیماند. عجباً از این مروت و اجرای عدالت اسلامی زمین لرزه هفت؛ سه ریشتری کرمانشاه که در بیست آبان ماه هزار و سیصد و نود و شش رخ میدهد، بیش از ششصد کشته برجای میگذارد و خانه های ده ها هزار نفر را ویران میکند. و با این که در بیش از سه ماه از وقوع این زمین لرزه می گذرد؛ گزارش های زیادی در رسانه ها و شبکه های اجتماعی از کمبودها و انتقادات مردم منطقه منتشر میشود که هر کدام از فریاد انسان نیازمند به کمکی سخن میگویند که خانم فاطمه دانشور به شرق عنوان میکند «هنوز پنجاه درصد مردم سرپل ذهاب در چادر زندگی می کنند .

## حق آیندگان

پنجاه درصد مردم چند درصد کودکان را شامل میشود و این کودکان در چه وضعیتی از لحاظ سلامتی و تغذیه قرار دارند جای سوال است و این خبر هفت بهمن است.

کودکان در جمهوری اسلامی فقط توسط زلزله به اماج مرگ و بلا نمیروند بلایای طبیعی در جمهوری اسلامی بسیار است که این دولت منتخب ولایت فقیه را مورد فشار قرار میدهد امار میلیونی از کودکان کار و خیابان امار از ازدواج کودکان و کودکانی که در انتظار هویت همچنان با بی هویتی در این کشور در لابه لای زباله ها به دنبال چرای این ستم هستند. هر پدیده ای در جمهوری اسلامی فوراً از طریق وحی الهی جواب میگیرد؛ ولی لایحه حمایت از حقوق کودکان خیر. لایحه حمایت از حقوق کودکان در انتظار ورود به صحن علنی مجلس خبری تازه و اما کی این لایحه ورود پیدا میکند بعد از چهل سال که بعدتواند با پای قانونی خود طی طریق کند آیا کسی میتواند به طول و عرض سالهای آن فکر کند و تکلیف کودکان در این میان چه میشود مثل همه سوال های بی جوابی است که در جمهوری اسلامی بی جواب است. کمیسیون تلفیق، بودجه سال نود و شش را یک میلیون و صد و چهل و شش هزار میلیارد تومان تعیین کرده که سهم بودجه عمومی دولت سیصد و نود و شش هزار میلیارد است چند در صد از این بوجه شامل دانش آموزان میشود. که علی اللهیار ترکمن معاون توسعه، مدیریت و پشتیبانی وزیر آموزش و پرورش میگوید بین ده تا سی هزار تومان بوجه سرانه هر دانش آموز است که اضافه میکند همین میزان، برای بسیاری از مدارس حتی در استان تهران هم بسیار ناچیز است، مدارس که در طول سال باید میلیون ها تومان بابت قبض برق، گاز و آب پرداخت کنند و برای تهیه گچ مدرسه هم دستشان جلوی خانواده ها دراز است. خبرو امار در مورد کودکان زلزله زده بسیار اندک است و نمیشود از واقیعت آن صحبت کرد و آنچه که آشکار میشود هم بسیار دردناک و اسفبار است که در یک سو فساد علنی است و جلوداری از آن امکان پذیر نیست و از طرف دیگر سرما و بی امکانی مردمانی که هنوز هم مجبور به زندگی در زیر چادر هستند یعنی اینان اوارگانی هستند که در کشور خود مجبورا به زندگی در زیر چادرها چون پناهندگان و مهاجرین جنگی هستند راستی درآمد پول های نفتی که مستقیم زیر نظر ولایت فقیه شمرده میشود در کجا صرف میشود و چه مقدار برای رفاه کودکان کشور خرج میشود.



## حق آیندگان

کنوانسیون حقوق کودک در سال هزار و سیصد و هفتاد و دو در کمیسیون قضایی و حقوق مجلس جمهوری اسلامی مطرح و تصویب میشود. که باید پرسید به کدام یک از ماده های این کنوانسیون جمهوری اسلامی عمل کرده اگر در مورد ماده یک که تعریف کودکی است اشاره ای داشته باشیم که دیده میشود جمهوری اسلامی تعریف شرعی را جایگزین تعریف این ماده کرده است در ماده دو کنوانسیون که رفع تبعیض است که باید گفت کدام تبعیض در مورد کودکان اعمال نمیشود کودکان با تبعیض جنسی و مذهبی در مدارس که محوریت آن بر اساس تعلیم قرآن و فقه نهاده شده روبرو هستند و در ماده سه که نفع کودک است کودکان زلزله زده چه نفعی از ثروت ملی در تامین سلامت و و سرپناه متوجه بوده اند و در ماده شش که صحبت از حق زندگی است که میبینیم به راحتی این حق از کودکان بر سر فساد اداری در ساخت مساکن مهر از کودکان گرفته میشود آیا کسی تا فعل پاسخ گو این مصیبت بوده؟ و با اینکه دست و چهره های مسئول و مقصر این رویداد فجیع آشکار هستند ولی در پناه قدرت مافیای دولتی همچنان با گردنی برافراشته به دنبال موج آفرینی از طوفان حوادث هستند. عجب از این جمهوری اسلامی ماشین های مواد غذایی و سوخت به سمت سوریه روان میشود تا قدرت حکومت اسلامی در منطقه محفوظ شود ولی کودکان در مناطق زلزله زده بی امان و بی پناه در لابه لای فریاد و نگاه حسرت مادران و پدران خاک سرد و برفی را به اغوش میکشند عجب از این جمهوری اسلامی.

## کودک خیابان

لیدا اشجعی

من از روییدن خار سر دیوار دانستم

که ناکس؛ کس نمیگردد بدین بالا نشینی ها (صاحب تبریزی)

نابرابری دیوار ستم را میکارد و اما چه کسانی نابرابری را میکارند و چرا میکارند؟

راستی ما ایرانیان میتوانیم در کشور خود راحت و ایمن زندگی کنیم؟ خیابان در این باره با شما

## حق آیندگان

سخن میگوید اگر به نوای آن گوش کنید تو را آگاه میسازد؛ اگر درست به او بنگری به تو یاد میدهد که چرا اینگونه ای؛ و تو را میبرد به آنجایی که اولین فریاد حق حیات و زندگی را سر داده ای به کودکی؛ و به امروزی که هستی و نمیدانی از کجا آمده ای! واما چرا خیابان اینگونه با تو رفتار میکند را تو میاموزی به شرطی که اگر بخواهی که بدانی؛ او دوست تو خواهد شد و برای تو سخن های بسیار خواهد گفت از رد پاهایی که سنگفرس شهابش را ساییدند و رفتند و هم چنان در گذرند و فریاد کودکی که در خیابان شب را ه روز کرده بودند و میکنند؛ باید گفت که خیابان تصویر زندگی ما ست ما انسانها.

در خیابانها کودکان میاموزند که دست در دست والدین خود راه بروند و چشم نگران والدین آنها را پوشش میدهد؛ و اما چرا اینطور است؟ در خیابان چه موجودات خطرناکی در کمین است که والدین را میترساند و اگر کودکی راه گم کند چه میشود؟ و از کجا سر در خواهد آورد؟ ولی ما انسانها هر زور کودکی را میبینیم که درخیا بانها زندگی میکنند نان میخورند و مورد سو استفاده جنسی واقع میشوند و مواد مخدر را در هزار توی پیچش ترس و گریز پنهان میکنند تا دیگر به مجازات سر گروه خود محکوم نشوند؛ مرگ را و ترس را و گرسنگی را هر روز و هر روز در خیابان تجربه میکنند تا به تجربیات بزهکاریشان افزوده شود و بدین سان خیابان هیولای خود را میسازد که پدران و مادران از وحشت دست کودکانشان را هر چه بیشتر میفشارند تا راه را به درستی طی طریق کنند. ولی نمیدانند و نمیدانند. که این هیولاها را زباله ها میزایند که در حین ورود به این دینا در فریاد حق زندگی و حیات با آنها یک سان عمل کرده اند و در آن لحظه هم کسی نمیتوانست آنان را از این فریاد منع کند و امروز اینگونه وحشت را میفریند. ولی ایا ما انسانها میتوانیم اینقدر بیرحم باشیم که بی تفاوت نسبت به کودکانمان از کنارشان بگذریم و با گذاشتن پول در کفی وجدان خود را در لالایی مسئولیت شهروندی به خواب کنیم. بهر روی روزها میگذرد و بر عمر کودکان کار و خیابان اضافه میشود کودکان کاری که دیروز در میان زباله ها فریاد حیات را سر داده بودند و امروز چهل سالگی خود را به آتش زباله میسپارند تا سوز سردی را از تن خسته بگیرند.

این هیولاهای را چه کسانی میسازند؟ مگر آنها مثل ما انسان به دینا نیامده اند؟ پس چرا وحشت را تولید میکنند؟ این هیولاهای را چه کسانی میسازند؟

نابرابری و چشم حریص نابکاران کودکان را قربانی میکند که حتی در ورای این ستم که خیابان به شکل هیولا آنها را تف میکند ولی این تشکل نحس و وحشت به داد حفظ و حراست سازندگان نابرابری در هجوم مردم به جان آمده در خیابان به کار میرود که دهانها خونین و اسیران معترض در دست این هیولاهای با مرگ و زندگی داستان دیگری را در خیابان به نقش میکشند و بدین سان خیابان به دانشگاه اجتماعی بدل میشود که به تومیاموزد اگر چشم بینا برای دیدن و گوش شنوا برای شنیدن و آگاهی داشته باشی به نابرابری خط بطلان کشیده و سازندگانش را افشا خواهی کرد. این داستان خیابان است که کودک خیابان آن را برای تو مینویسد.